

زیر نظر شورای سردبیری

دبیر اجرایی تحریریه: سینا قلیچ‌خانی

همکاران این شماره:

شرمین نادری، فرید دانشفر، علی پویا، نیلوفر مرادی، ستار پارسا، سیاوش مفید، ایلیا پیرولی حمید جعفری، مرجان آسمانی

طراح جلد: سهیل نوری

گرافیک و صفحه‌آرایی: مجید مرادی

ویراستار: مرجان ابری

امور دفتری: وحیده بهزادی

نشانی: خیابان ملاصدرا، شیراز جنوبی،

برزیل غربی، شماره ۲۵

تلفن: ۸۸۶۳۳۸۹۵

فاکس: ۸۸۶۲۳۸۹۶

نشانی الکترونیک: vakharazm@kharazmi.ir

انعکاس نظرات اشخاص حقیقی و حقوقی در قالب مقالات، مصاحبه‌ها و گزارش‌ها، لزوماً به معنای تایید محتوای تمامی آن‌ها از سوی ماهنامه نیست.

نشریه

مجله اقتصاد و مدیریت

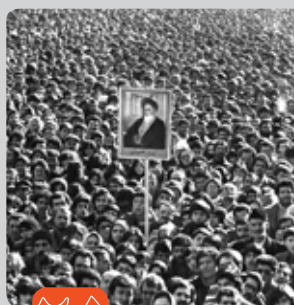
- ۲..... سر مقاله: دیر رسیدن یا هرگز نرسیدن؟
- ۳..... تندیس «سازۀ برتر فاخر» برای توسعه ساختمان خوارزمی
- ۴..... بانک جهانی از کجا آمد و چگونه فعالیت کرد؟
- ۶..... نفت ارزان و پیامدهای عمیق آن برای جهان
- ۷..... داده‌پردازی خوارزمی: فعال در تولید و پشتیبانی نرم‌افزارهای صنعت بانکداری
- ۱۰..... بخش خصوصی، ناجی اصلی اشتغال
- ۱۲..... بیکاران: ارمغان اقتصاد واردات‌محور!
- ۱۵..... بازگشت به شاهراه‌های دیپلماسی اقتصادی
- ۱۶..... الکر بورس قلق ملی بود
- ۱۸..... سیستم بهایابی در شرکت‌ها بر مبنای فعالیت
- ۲۲..... گمرک؛ سامانه‌ای برای تسهیل تجارت



۱۳



۱۶



۲۵



۳۳

مجله فرهنگ و خانواده

- ۲۵..... بهمن؛ ماه آزادی
- ۲۷..... حکایت گل بهمنی
- ۲۸..... اگر نبودند
- ۲۹..... نویسندگانی گوشه‌گیر و نقاد جامعه آمریکا
- ۳۰..... ارتباط شیوۀ زندگی با سلامتی
- ۳۱..... حس زمستانی
- ۳۲..... پیشنهادهای گرم برای روزهای سرد

دعوت از خوانندگان گرامی
برای ارسال خاطرات و تجارب زندگی

ماهنامه «وخارزم» در نظر دارد یکی از صفحات خود را در هر شماره به درج گوشه‌ای از خاطرات و تجارب تلخ و شیرین خوانندگان گرامی اختصاص دهد. در این راستا از تمامی خوانندگان ارجمند، اعم از مدیران، کارشناسان و کارکنان گروه سرمایه‌گذاری خوارزمی (شامل ستاد و شرکت‌های وابسته) و خانواده‌های ارجمند آنان دعوت می‌شود در صورت تمایل، این‌گونه خاطرات - به‌ویژه از تجارب حرفه‌ای و شغلی - خود را که می‌تواند برای دیگران جالب توجه و مفید واقع شود، به صورت فشرده تنظیم و با رعایت نکات ذیل برای درج در ماهنامه «وخارزم» ارسال فرمایند:

نام و نام خانوادگی، سطح تحصیلات، نشانی دقیق پستی، پست الکترونیک و تلفن تماس نویسنده در آن قید شود. حجم مطالب از سه صفحه A4 (هر صفحه حدود ۳۰۰ کلمه) تجاوز نکند و تایپ آن تحت برنامه word انجام شود.

ماهنامه در ویرایش، تلخیص و تنظیم مطالب رسیده آزاد است.

مطالب ارسالی در صورت تایید یا عدم تایید مسترد نمی‌شود.

نشانی پستی ماهنامه «وخارزم»: تهران، خیابان ملاصدرا، انتهای خیابان شیراز جنوبی، تقاطع برزیل غربی، شماره ۲۵، طبقه دوم، ماهنامه وخارزم (بخش خاطرات)

نشانی الکترونیک: vakharazm@kharazmi.ir

دیر رسیدن یا هرگز نرسیدن؟

دکتر حجت اله صیدی، مدیر عامل شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی

گاهی کسی که در مسیر مستقیم و خط مشخصی با سرعتی مناسب و در کمال آرامش و راحتی رانندگی می‌کند، راننده‌ای دیگر را می‌بیند که خود را به آب‌آتش زده، چپ‌وراست می‌رود، سبقت می‌گیرد و به طرز خطرناکی می‌خواهد همگان را پشت سر گذاشته و زودتر به مقصد برسد. بسیار اتفاق می‌افتد که پس از چند دقیقه که موانعی مانند چراغ قرمز یا راه‌بندان در شهرها یا مثلاً محل پرداخت عوارض در بزرگراه‌های خارج از شهر به وجود می‌آیند، راننده‌ی صبور و آرام با راننده‌ی شتاب‌زده‌ی هراسان، هر دو با هم، یا حداکثر با فاصله‌ی یکی دو ماشین به همدیگر می‌رسند. همچنین، کم اتفاق نمی‌افتد که راننده‌ی عجول یا تصادف می‌کند، یا توسط پلیس بزرگراه متوقف می‌شود یا با ناراحتی مضاعف، چند ماشین عقب‌تر می‌ماند. اگر به این موارد اضطراب غیر ضروری تمام مسیر را که درون و بیرون راننده‌ی دوم را به هم می‌ریزد اضافه کنیم، در قریب به اتفاق موارد می‌توان راننده‌ی شتاب‌زده را بازنده‌ی نهایی تلقی کرد؛ کسی که یا دیر رسیده، یا آشفته و پریشان رسیده یا هرگز نرسیده است. چنین ادعا می‌شود که این رویداد حقیقی که در سراسر زندگی و در موارد مشابه دیگر نیز بسیار رخ می‌دهد، نتیجه‌ی غیرمستقیم باور نادرستی است که از آن به قانون مورفی تعبیر می‌شود.

قانون مورفی که عنوان خود را از یک سرگرد نیروی هوایی در دهه‌ی چهل میلادی، به نام ادوارد آلویسیوس مورفی گرفته است، اشاره به باورهایی دارد که در صورت اعتقاد به آن‌ها، زندگی جلوه‌ی بسیار دشواری به خود می‌گیرد. برخی از این باورها چنین‌اند: «اگر شما از یک صف به صف دیگری رفتید، سرعت صف قلبی بیشتر از صف فعلی خواهد شد.» «اگر چیزی از دستتان افتاد، قطعاً به پرت‌ترین گوشه‌ی ممکن خواهد خیزید.» «وقتی در راه‌بندان گیر کرده‌اید، مسیری که شما در آن هستید دیرتر راه می‌افتد.» و ... انوری، شاعر قرن ششم کشورمان نیز این باور را صدها سال قبل چنین به نظم کشیده است که:

هر بلایی کز آسمان آید
گرچه بر دیگران قضا باشد
به زمین نرسیده می‌برسد
خانه‌ی انوری کجا باشد؟!

حقیقت آن است که این قانون در بازار اوراق بهادار نیز جلوه‌های خود را دارد. برخی از سرمایه‌گذاران پس از آن که اقدام به خرید یک یا چند سهم در بازار می‌کنند و فرض درست این است که آنان حتماً بررسی‌های حرفه‌ای خود را کرده و سهام‌های مورد نظر را پس از مطالعه‌ی بسیار و مقایسه‌ی آن با سهام سایر شرکت‌ها، برخوردار از بازدهی بهتر و مناسب‌تر تشخیص داده و برگزیده‌اند، به جای آن که بر روند سودآوری و فعالیت‌های شرکت‌های مرتبط با سهام مورد نظر تمرکز کنند، رشد سایر سهام‌ها را پی‌گیری کرده و در اغلب موارد تصور می‌کنند که سایر سهام‌ها رشد بهتری دارند و آنان در انتخاب خود اشتباه کرده‌اند و آرزو می‌کنند که کاش سهام‌های دیگر را خریده بودند. واقعیت آن است که در کوتاه‌مدت و به مدت چند روز، این تصور صدق می‌کند، زیرا قانون بازار سهام این نیست که همه‌ی سهام‌ها - حتی بهترین آن‌ها - همواره رشد کنند یا همواره - حتی بدترین و زیان‌ده‌ترین آن‌ها - کاهش قیمت داشته باشند. نوسان و افت‌وخیز قیمت، ویژگی ذاتی بازار سرمایه و اصولاً مزیت آن است و بازنده‌ی نهایی کسی است که به جای باور این قانون، به پیروی از قانون مورفی روی آورد. تجربه‌ی دو دهه‌ی اخیر در بازار سرمایه نشان می‌دهد، که به‌جز سهام شرکت‌هایی که از نظر بنیادی ضعف اساسی داشته و سال‌های پی‌درپی زیان‌ده بوده‌اند و اخبار و صورت‌های مالی منتشرشده‌ی آن‌ها هم این وضعیت را به‌روشنی نشان داده‌اند؛ بازدهی سهام اغلب شرکت‌های بورس، در بازه‌ی چند ساله، بسیار نزدیک به هم بوده است. حتی بازده بورس در یک افق میان‌مدت از بازدهی بازارهای موزی، مانند طلا و مسکن نیز آنگاه که بیشتر، کمتر نبوده است. اما طبیعی است که در کوتاه‌مدت و دوره‌ی چند هفته‌ای یا ماهی، برخی سهام‌ها روند افزایشی داشته و برخی کاهش‌ی داشته باشند. از این‌روی در کوتاه‌مدت همواره برخی بازنده و برخی برنده‌اند. حتی در بسیاری از موارد، آنان که فقط بر کوتاه‌مدت تمرکز کرده‌اند، همواره بازنده بوده‌اند، یا بازده منفی داشته‌اند یا کمتر از دیگران به دست آورده‌اند و البته اگر هیچ مبلغی از دست ندهاده باشند، سرمایه‌ی مهمی به نام آرامش را باخته‌اند. کافی است هر کدام از فعالان بازار سرمایه، رفتار مثلاً پنجاه سهم اول بورس را در پنج سال اخیر بررسی کند تا به‌درستی این ادعا پی‌برند.

رفتار برخی سهام‌داران در ماه‌های اخیر، حالت تشدید یافته‌ای از وضعیت توصیف‌شده در بالا را نشان می‌دهد. در این ماه‌ها دیده می‌شود که بسیاری از سهام‌داران حقیقی، سهمی را - بدون آن که اخباری منفی در مورد آن منتشر شده باشد و حتی گاه با وجود انتشار اخبار مثبت - به قیمتی کمتر از نصف آن که در چند هفته پیش خریده بودند، با اصرار زیاد عرضه می‌کنند و شگفت‌تر آن که توجه نمی‌کنند که در طرف مقابل نیز خریداران حقیقی نشسته‌اند و با تحلیلی متفاوت، سهمی را که مثلاً هیچ‌گاه به هزار تومان نمی‌توانستند خریداری کنند، به‌راحتی با پانصد تومان مالک می‌شوند. این رفتار شگفت‌آور همچنان ادامه دارد، سهام‌داران گروه اول، دوباره سهام دیگری را می‌خرند و در روند کاهش‌ی شاخص بورس، آن را دوباره با زبان می‌فروشند و به تعبیر ظریفی، گویا سوگند یاد کرده‌اند که فارغ از سود و زیان، هزینه‌ی معاملات را بپردازند و فقط درآمدی را برای دیگر ارکان بازار فراهم آورند. باید به این نکته توجه داشت که فروش سهام تنها هنگامی که اخباری منفی در مورد یک شرکت به‌طور رسمی منتشر می‌شود و اخبار سایر شرکت‌ها روند مناسب‌تری را نشان می‌دهد، یا وقتی که در مورد وضعیت کل اقتصاد در بلندمدت اخبار ناگوار به گوش می‌رسد منطقی است و در دیگر شرایط، صبوری پیشه‌کردن و رصد کردن آگاهانه بازار و عدم عرضه‌ی سهام‌های بنیادی، واکنش حرفه‌ای‌تری به حساب می‌آید. در همین یک سال اخیر، با این که شاخص کل روند کاهش شدیدی داشته، اما سود تقسیمی شرکت‌های موفق - که کم هم نیستند - همراه با ثبات نسبی قیمت سهام آن‌ها، بازدهی مناسبی را برای فعالان صبورتر و زیرک‌تر بازار فراهم آورده است.

با این باور، در سرمایه‌گذاری خوارزمی نیز، تلاش بر این بوده که به جای تشویق سهام‌داران عمده به حمایت مقطعی از قیمت سهام و خرید و فروش‌هایی دور از دلایل منطقی - و صرفاً برای جلوگیری چند روزه از کاهش قیمت یا پرهیز از بدنامی مدیران - که در بلندمدت حاصلی جز از دست دادن منابع گرانقیمت شرکت ندارد، با انتشار اخبار مربوط به دست‌آوردها و پیشرفت‌های تحقق‌یافته در راستای برنامه‌ی راهبردی هفت‌ساله برای ثروت‌آفرینی پایدار، علامت مثبتی به فعالان بازار داده شود تا خود با تحلیل‌های مناسب نه تنها از عرضه‌ی بی‌دلیل خودداری کنند، بلکه به تقویت سبد سرمایه‌گذاری خود از منظر سهام «خوارزم» بپردازند. خوشبختانه، آمار معاملات سهام شرکت در شرایط ویژه‌ای که بازار سرمایه دارد، نشان‌دهنده‌ی اعتماد سرمایه‌گذاران حرفه‌ای به این سهم است. آمار معاملات نشان می‌دهد، که سهام‌داران حقیقی همچنان نسبت به این سهام امیدوارند و در قیمت‌های به‌کف‌رسیده کنونی، آن را برای قرار دادن در سبد خود مناسب تشخیص می‌دهند، که حاکی از توجه بازار به اخبار بنیادی منتشرشده و نه جو هیجانی ناپایدار است.

اگرچه شرایط کلان اقتصاد ایران، وضعیت دشواری دارد، اما می‌توان با توجه به روند اصلاحاتی که در اقتصاد کشور رخ می‌دهد و تحقق برنامه‌هایی که گروه خوارزمی در پیش گرفته است، رفتاری آرام، برخوردار از تحلیل بنیادی و آگاهانه را همچنان توصیه کرد تا سهام‌داران ارجمند، خود به دست خود زیان‌آفرینی نکرده و با آرامش تمام و پرهیز از حرکات ماریپیچ در جاده‌هایی که خطرناک است، شاهد به مقصد رسیدن و شادکامی خود باشند، که حافظ بزرگ فرمود:

از زبان سوسن آزادهم آمد به گوش
کاندر این دیر کهن، کار سبکیار خوش است.

تندیس «سازه برتر فاخر» برای توسعه ساختمان خوارزمی

مجتمع چندمنظوره کودکان هما (هماکیدز)، «سازه برتر فاخر» شناخته شد



سینما و یک سالن همایش ۸۰۰ نفره و ۱۰۰۰ پارکینگ است. پروژه کودکان هما دارای سازه بتنی است و در حال حاضر در مرحله اجرای فونداسیون بلوک جنوبی آن قرار دارد.

افزون بر این، بام سبز مجموعه‌ای که متصل‌کننده سه عرصه تجاری، رفاهی و فرهنگی به عرصه اداری است، می‌تواند به عنوان فضایی مطلوب در اختیار مردم و کودکان شهر قرار گیرد؛ به گونه‌ای که کمبود فضای سبز مناسب در بستر پروژه را جبران کند و امکان ایجاد فضایی برای تفریح و بازی کودکان را فراهم سازد.

یکی از ویژگی‌های این پروژه، تمرکز ویژه تیم مدیریت طرح در انتخاب سیستم سازه و ساخت آن بوده است. از نکات مثبت این پروژه، می‌توان به جلسات هماهنگی مکرر بین تیم طراحی سازه، معماری و تأسیسات مکانیکی و الکتریکی پروژه اشاره کرد، که منجر به همکاری و هماهنگی هرچه بیشتر این چهار تیم در ارائه یک طرح منسجم در ۴ حوزه مربوطه شده است، که با ادامه این روند و برگزاری جلسات هماهنگ بین عوامل درگیر در ادامه مسیر چرخه عمر این پروژه، امید است تا مجتمع چندمنظوره هما ضمن ایجاد فضایی برای ارائه خدمات تجاری، تفریحی، فرهنگی و اداری به عنوان یک اثر معماری-سازه‌ای برجسته در کمک به افزایش زیبایی بصری شهر تهران، گامی بردارد.

پروژه ساختمانی «مجتمع چندمنظوره کودکان هما» که شرکت توسعه ساختمان خوارزمی در دست احداث دارد، در اولین همایش ملی مهندسی سازه ایران به دلیل دارا بودن ویژگی‌های خاص معماری با دریافت تندیس و تقدیرنامه به کسب عنوان «سازه برتر فاخر» کشور نائل آمد.

بر پایه این خبر، اولین همایش ملی مهندسی سازه ایران به همت «انجمن مهندسی سازه ایران» با هدف توسعه و تبادل نظر علمی و ارائه آخرین یافته‌های علمی و پژوهشی دانش مهندسی سازه، در روزهای ۲۱ و ۲۲ دی‌ماه ۹۳ در هتل المپیک تهران برگزار شد. در روز نخست این همایش، که با حضور مقامات ارشد وزارت راه و شهرسازی و شهرداری تهران، اعضای ارشد سازمان نظام مهندسی، مقررات ملی ساختمان و انجمن مهندسی سازه ایران همراه بود، از ۱۰ پروژه عمرانی در مقیاس ملی از جمله از پروژه تونل نیایش تهران تقدیر شد. از میان این ۱۰ پروژه عمرانی، ۹ پروژه موفق به دریافت عنوان پروژه «منتخب سازه برتر» شدند و در این میان پروژه مجتمع چندمنظوره کودکان هما (هماکیدز)، عنوان «پروژه منتخب سازه برتر فاخر» را از آن خود کرد.

در این مراسم مهندس حیدری، مدیرعامل شرکت توسعه ساختمان خوارزمی، لوح تقدیر و تندیس این همایش را دریافت کرد و فیلمی ۳ دقیقه‌ای از پروژه هماکیدز و سایر پروژه‌های متعلق به شرکت توسعه ساختمان خوارزمی برای حضار در تالار برگزاری مراسم پخش شد.

براساس این خبر، مجتمع چندمنظوره کودکان هما (Homa Kids Complex) با هدف ایجاد مجموعه‌ای تخصصی برای کودکان توسط شرکت توسعه ساختمان خوارزمی - یکی از شرکت‌های وابسته به گروه سرمایه‌گذاری خوارزمی (سهامی عام) طراحی وارد فاز اجرایی شده است. این پروژه در حوزه‌های تجاری، اداری و فرهنگی در ۱۶ طبقه در زمینی به مساحت ۱۳۰۰۰ هزار متر مربع با هدف ایجاد فضایی مطابق با استانداردهای بین‌المللی و اختصاصی برای کودکان، برنامه‌ریزی و طراحی شده و در حال ساخت است. پروژه هماکیدز در منطقه ۲ شهرداری تهران، بزرگراه اشرفی اصفهانی، شهرک هما، خیابان آذری، جنب دانشگاه آزاد اسلامی واقع شده است.

دسترسی‌های اصلی شرق به غرب این پروژه، بزرگراه‌های همت و حکیم و دسترسی‌های اصلی شمال به جنوب آن از بزرگراه‌های یادگار امام و اشرفی اصفهانی است. این پروژه دارای ۲۰ طبقه (۲ طبقه زیرزمین، ۱۴ طبقه روی زمین) و مساحت ۸۷۹۶۰ مترمربع دارای فضاهای تجاری، اداری، رستوران، فرهنگی-ورزشی، مرکز بازی کودکان، ۵ سالن



عکس‌ها : نیئا مختار باف

بانک جهانی از کجا آمد و چگونه فعالیت کرد؟



مبلغ ۲۵۰ میلیون دلار به فرانسه نخستین تجربه خود را در تعامل با کشورهای جنگ‌زده تجربه کرد. خیلی بیره نیست که بگوییم از همان نخستین اقدام بانک جهانی برای ثبت موجودیت خود، رویکردهای متضاد با رفتار این بانک نیز خودنمایی کردند اما در سال‌های بعد با گسترش فعالیت‌های این بانک، این نوع نگاه به رفتار و سیاست‌های بانک جهانی افزایش یافت. با این همه دامنه فعالیت بانک جهانی به سرعت گسترش یافت و حیطه عملکرد این بانک حتی پایش را از اروپا بیرون گذاشت. یعنی اگر در ابتدا بانک جهانی می‌خواست با اعطای وام آثار جنگ را از روی تن اروپا پاک کند، به‌زودی چشم‌انداز این بانک کمک به توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورهایی شد که بیرون از دایره اتحادیه اروپا قرار داشتند. کارشناسان بانک جهانی در آن زمان مدعی بودند که می‌خواهند بار عقب‌افتادگی را از روی دوش کشورهای آسیایی بردارند. این درست نقطه عطف رویارویی با بانک جهانی است. صندوق بین‌المللی پول نیز دقیقاً چنین اتفاقی را تجربه کرده است. در واقع در چند دهه گذشته این که صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی می‌خواهند روش

نقاط مختلفی از جهان ویرانی به یک اتفاق فراگیر تبدیل شده بود و بانک جهانی با این رسالت اولیه به میدان آمد، که بار مالی بازسازی این ویرانه‌ها را کاهش دهد. این بانک در بطن سازمانی صندوق بین‌المللی ترمیم و توسعه (IBRD) کار خود را آغاز کرد و از نظر ساختار اجرایی و بوروکراسی، یکی از هسته‌های کمیسیون اقتصادی - اجتماعی سازمان ملل متحد محسوب می‌شود. کارشناسان سازمان ملل بر این باورند که بانک جهانی یکی از تخصصی‌ترین هسته‌های این کمیسیون است. در سال ۱۹۴۶ بانک جهانی به واشنگتن رفت و برای همیشه در این شهر مستقر شد. می‌توان به جرات گفت که از همان روزهای نخست، بانک جهانی منتقدین خود را در اردوی اندیشه‌های اقتصادی پیدا کرد. به عبارتی از همان روزهای نخستین که بانک جهانی به واشنگتن رفت، بسیاری از اندیشمندان بر این باور بودند که بانک جهانی در واقع یک ایده آمریکایی است که با اعطای وام تلاش می‌کند تا نسخه‌های امپریالیست را برای سایر کشورها بپیچد. این نزاع هنوز هم ادامه دارد. در سال ۱۹۴۶ بانک جهانی با اعطای وامی به

جنگ جهانی دوم نقطه عطف بسیاری از اتفاقات اقتصادی است. شاید به همین خاطر است که برخی از کارشناسان می‌گویند دومین جنگ جهانی هر چند یک فاجعه انسانی به همراه داشت اما این فاجعه باعث شد تا نخستین جرقه‌های اقتصاد نوین کلید بخورد. وقتی سال ۱۹۴۵ جنگ به پایان رسید، ویرانی‌های این جنگ حلقه اندیشمندان توسعه را شکل داد تا زندگی بهتر به مردمان روزگار خود هدیه بدهند. از آن روزها فاصله زیادی گرفته‌ایم ولی هنوز تصمیم‌هایی که بعد از جنگ جهانی دوم برای توسعه گرفته شد، نقش تعیین‌کننده‌ای برای اقتصاد در همه جای جهان دارند. شکل‌گیری بانک جهانی نیز در واقع یکی از همین تصمیم‌هاست که اکنون این بانک همچنان به عنوان یکی از قطب‌های اقتصاد جهانی به کار خود ادامه می‌دهد، به نحوی که می‌توان گفت بانک جهانی یکی از اصلی‌ترین سامانه‌های گسترده جهانی است، که توانسته ارقام هنگفتی را به کشورهای مختلف جهان از بدو تولد تا امروز وام بدهد. بانک جهانی در سال ۱۹۴۴ و با انگیزه اصلی بازسازی ویرانه‌های جنگ کلید خورد. در آن زمان به واسطه جنگ در

توسعه را در سایر کشورها مصادره کنند، ادعایی بود که وجود داشت و در اردوی اندیشه‌های چپ نیز با تندی هرچه تمام مطرح می‌شد. بانک جهانی نخستین وام آسیایی خود را به مبلغ ۳۴ میلیون دلار در سال ۱۹۴۹ به هندوستان پرداخت کرد. بعد از این وام، سایر کشورهای آسیایی نیز پذیرای وام‌های بانک جهانی بودند. هرچند که بیشترین انتقادات به بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول از سمت آسیا و آمریکای لاتین وزیدن گرفته است اما این نکته همواره وجود داشته است که خیلی از این کشورها اقتصاد خود را با تکیه بر الگوهای این دو نهاد بین‌المللی بنا کرده‌اند. البته بانک جهانی در فعالیت‌های جاری خود، کاملاً براساس معیارهای اقتصادی و بانکی عمل می‌کند و در منشور آن صریحاً، هر نوع مداخله و شرط‌گذاری سیاسی و غیره ممنوع شده است. دولت ایران نیز در دسامبر سال ۱۹۴۵ به عضویت بانک جهانی درآمد. در ایران یکی در سال‌های تعدیل اقتصاد و دیگر در دوره دولت‌های نهم و دهم، تحلیل‌گران اقتصادی زیادی وجود داشتند که می‌گفتند، نسخه‌های اقتصادی کشور را دولتی‌ها از روی نسخه‌های اقتصادی بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول کپی کرده‌اند. بدون شک نمی‌توان از کنار این ادعا و بدون ادله‌های علمی گذشت. مناسبات اقتصادی در سال‌های سازندگی و همچنین اتفاقات اقتصادی در دوران دولت‌های نهم و دهم (نظیر ماجرای پارانه‌ها) مؤلفه‌هایی بودند که این ادعاها را تقویت می‌کنند.

در حال حاضر در بانک جهانی ۱۸۴ کشور عضو هستند. در منابع رسمی آمده است، که بانک جهانی امروزه در بیش از ۱۰۰ کشور جهان فعالیت دارد و بزرگ‌ترین سازمان بین‌المللی تامین‌کننده وام و خدمات مشاوره‌ای به کشورهای در حال توسعه محسوب می‌شود. با نگاه به دایره جهانی اقتصاد، خیلی از صاحب‌نظران بر این باورند که جدا از خدمات مالی بانک جهانی، این نهاد مالی در یک قاب عکس مشترک با سازمان تجارت جهانی اهداف مشترک و هماهنگی دارند. سازمان تجارت جهانی، نظارت و هدایت جریان‌های تجاری بین‌المللی را عهده‌دار است و بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول (IMF) نظارت و هدایت جریان‌های مالی و پولی را در اقتصاد جهانی انجام می‌دهند.

منابع تحلیلی می‌نویسند: «سال‌های طلا بی‌رشد و گسترش بانک جهانی، از اواخر دهه ۱۹۶۰ تا اوایل دهه ۱۹۸۰ بود. در این دوره ریاست این بانک به ترتیب به عهده ربرت مک نامارا وزیر جنگ پیشین و دو رئیس‌جمهوری آمریکا، جان فیتز جرالده و لیتون جانسون بود. در زمان ریاست مک نامارا، حجم وام‌های سالیانه این بانک از یک میلیارد دلار به ۱۳ میلیارد دلار رسید. شمار کارکنان آن چهار برابر و بودجه هزینه‌های اداری سه و نیم برابر شد. مک نامارا به کمک آقای اوژی رتبرگ خزانه‌دار وقت آمریکا، موفق می‌شود از بازارهای مختلف، سرمایه نزدیک به ۱۰۰ میلیارد دلار و وام بگیرد. در زمان ریاست مک نامارا، نظریه غالب در بانک جهانی، نظریه رشد بود. براساس این نظریه، رشد اقتصادی برابر با پیشرفت بود، که سپس به توسعه و سرانجام به خوشبختی برای همگان می‌رسی. در سال ۱۹۷۲، نخستین موج‌های مخالفت با این

نظریه، توسط نظریه‌پردازان کلوب رم با مضمون «رشد بی حد سیاره را نابود می‌کند» پدیدار شد. پس از این بانک جهانی با بهره‌گیری از این نظرات، تلاش خود را برای توسعه تلفیقی به کار بست. به عبارت دیگر، از اواسط دهه هفتاد، سیاست‌های بانک جهانی تنها رشد تولید ناخالص داخلی یک کشور را در نظر نداشت، بلکه نتایج این رشد را در رابطه با دیگر بخش‌های اقتصادی جامعه نیز مورد بررسی قرار می‌داد. آنچه امروز می‌توان به عنوان مبنای تفکر حاکم بر بانک جهانی عنوان کرد، ریشه در حقوق فردی و به رسمیت شناختن حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ملل جهان سوم دارد، که از جمله دستاوردهای طول دهه ۹۰ و به ویژه در سال‌های پس از کنفرانس جهانی سال ۱۹۹۳ در شهر وین و درباره حقوق فرد است، که گروهی از کشورهای جهان سوم توانستند علی‌رغم تمایل آمریکا و برخی از کشورهای اروپایی، به رسمیت شناختن حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را تحمیل کنند. شالوده این تفکر بر آن است که یک فرد بی‌سواد، اصولاً نسبت به مسائلی مانند آزادی مطبوعات و... کاملاً بی‌اعتنا است و پیش از توجه به حقوق مدنی

در حال حاضر در بانک جهانی ۱۸۴ کشور عضو هستند. در منابع رسمی آمده است، که بانک جهانی امروزه در بیش از ۱۰۰ کشور جهان فعالیت دارد و بزرگ‌ترین سازمان بین‌المللی تامین‌کننده وام و خدمات مشاوره‌ای به کشورهای در حال توسعه محسوب می‌شود

و سیاسی و به طور کلی حقوق دموکراتیک مرسوم، واجب است حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی رعایت شود.

بانک جهانی متشکل از پنج مؤسسه مستقل و در عین حال هماهنگ با سیاست‌های کلی بانک است که عبارتند از:

۱- بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه (IBRD); به کشورهای در حال توسعه خدمات و آگاهی و کمک‌های فنی و تکنیکی خود را ارائه می‌دهد.

۲- مؤسسه مالی بین‌المللی (IFC); در سال ۱۹۵۶ میلادی با هدف حمایت از فعالیت‌های بخش خصوصی، در کشورهای عضو تاسیس شد. این مؤسسه وظایف حمایتی بانک در قبال بخش خصوصی کشورهای عضو را عهده‌دار شده است.

۳- مؤسسه بین‌المللی توسعه (IDA); در سال ۱۹۶۰ میلادی با هدف فعالیت در کشورهای بسیار فقیر آغاز به کار کرد. این مؤسسه در حال حاضر به کشورهای با درآمد سرانه کمتر از ۸۶۰ دلار وام‌های

با بهره کم اعطا می‌کند.

۴- مرکز بین‌المللی حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری (ICSID); وظیفه داوری و حل و فصل اختلافات فی مابین سرمایه‌گذاران خارجی و کشورهای عضو را برعهده دارد.

۵- مؤسسه تضمین سرمایه‌گذاری‌های چند جانبه (MIGA); در سال ۱۹۸۸ میلادی فعالیت خود را آغاز کرد و تشویق سرمایه‌گذاری خارجی در کشورهای در حال توسعه را در دستور کار خود قرار داده است.

بر اساس اساسنامه، این مؤسسه ریسک‌های غیراقتصادی (سیاسی) در کشورهای در حال توسعه را پوشش می‌دهد. این ریسک‌ها عبارتند از: ریسک مصادره اموال، ریسک نقض قرارداد، ریسک انتقال یا تبدیل ارز و ریسک جنگ یا شورش‌های داخلی.

اهداف بانک

مطابق ماده اول اساسنامه بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه، بانک جهانی ۵ هدف اصلی را دنبال می‌کند: مساعدت در ترمیم و توسعه کشورهای عضو از طریق سرمایه‌گذاری در امور تولیدی.

تشویق سرمایه‌گذاری خارجی از طریق تضمین یا مشارکت در اعطای وام‌ها.

تشویق رشد متوازن و بلندمدت تجارت بین‌الملل و حفظ تعادل در موازنه پرداخت‌ها از طریق تشویق سرمایه‌گذاری بین‌المللی.

اعطای وام یا تضمین با اولویت‌های بالا در کشورهای عضو.

هدایت فعالیت‌ها با توجه به تاثیر سرمایه‌گذاری بین‌المللی بر شرایط اقتصادی کشورهای عضو و کمک به ایجاد یک دوره تحول در اقتصاد پس از جنگ کشورها.

نکته: ایران در تاریخ ۱۷/۱۱/۱۳۲۴ به عضویت بانک جهانی درآمد و از طریق پذیره‌نویسی سهام بانک، هم‌اکنون دارای ۴۸/۱ درصد از کل سهام (۲۳۶۸۶ سهم) بانک جهانی به ارزش ۲۸۵۷ میلیون دلار آمریکا، است. بابت این میزان سهم، مبلغ ۸/۱۷۵ میلیون دلار را از سوی ایران به بانک پرداخت شده است و مابقی نیز تنها در صورت نیاز بانک بر تقویت منابع مالی خود و بر اساس روال قانونی خاص پرداخت خواهد شد. براساس این میزان سهام، قدرت رای ایران در بانک جهانی، برابر با ۴۸/۱ درصد از کل آرا است.

ایران از زمان عضویت در بانک جهانی تاکنون، با استفاده از منابع مالی آن بانک اقدام به اجرای ۳۳ پروژه تا پیش از انقلاب اسلامی، به ارزش ۱۲۱۰ میلیون دلار و ۱۵ پروژه بعد از انقلاب اسلامی به ارزش ۲۲۰۲ میلیون دلار کرده است. پروژه‌های مذکور عمدتاً در بخش‌های آب و فاضلاب، حمل و نقل، انرژی، بهداشت، حمایت‌های اجتماعی و بازسازی مناطق زلزله‌زده بوده است. همچنین، ایران توانسته برای اجرای ۴ پروژه دیگر، از کمک‌های بلاعوض آن بانک به میزان ۱،۸ میلیون دلار استفاده کند.

بانک جهانی پس از انقلاب، در تابستان ۱۳۶۹ به دنبال زلزله در استان‌های گیلان و زنجان و با تدارک پروژه اضطراری بازسازی مناطق زلزله‌زده فوق‌الذکر و پس از نهایی شدن گزارش وضعیت اقتصادی ایران، در بهار سال ۱۳۷۱ به طور رسمی ارتباط با کشورمان را مجدداً از سر گرفت.

و پیامدهای عمیق آن برای جهان

نفت ارزان



آمریکا ممکن است از استراتژی نفت ارزان سود ببرد. ولی در یک جهان جدید با بالاترین تقاضا (برای نفت)، باید استراتژی خود را مورد بازبینی قرار دهد. بعد از این که اوپک به عنوان یک کارتل جهانی، در ۲۷ نوامبر هر گونه کاهش تولیدی را رد کرد، قیمت نفت نیز دوباره رو به نزول نهاد. از طرف دیگر عربستان، اوپک را تحت فشار قرار داد تا سطح تولید خود را بدون تغییر حفظ کند. با سقوط قیمت نفت به یک سوم آن در ژوئن، تحلیلگران پیشگفته شورای آتلانتیک، روبرت مانیگ اعلام کرد که اعضای اوپک مایل هستند قیمت نفت را تا سال ۲۰۱۵ و حتی بعد از آن در محدوده ۷۰ تا ۱۰۰ دلار به ازای هر بشکه نگاهدارند.

مانینگ عضو ارشد مرکز برنت اسکواگرافت با موضوع امنیت بین الملل، سال‌های زیادی را در وزارت خارجه آمریکا و سیستم‌های اطلاعاتی حول محور موضوعات انرژی کار کرده است. با توجه به نوشته وی، بازار انرژی خیلی سریع در حال تغییر است، به طوری که ایالات متحده باید سیاست‌های انرژی و امنیت ملی خود را مورد بازبینی قرار دهد و به روز کند.

طبق اظهار نظر مانیگ، نشست اوپک تنها منعکس کننده رشد تولیدات گازو نفتی آمریکا نیست بلکه ورود جهان به دنیایی است، که اوج تقاضا خوانده می‌شود. هم‌زمان بارشده آهسته در اغلب کشورهای OECD (توسعه یافته‌ترین اقتصادهای جهان) مثل چین، با وجود عرضه فراوان نفت، تقاضا همچنان ثابت مانده است. آژانس بین‌المللی انرژی، اخیراً پیش‌بینی خود از تقاضای جدید برای نفت در سال آینده را کاهش داده است. مانیگ نوشته است، تا زمانی که رشد اقتصادی به صورت متوسط ادامه یابد و حمل و نقل به طور فزاینده‌ای با افزایش در استانداردهای سوخت کارآمد شود، این روند (کاهش تقاضا) ادامه خواهد داشت.

عربستان سعودی در مقابل داکوتای شمالی

تصمیمات اوپک یک پیروزی برای عربستان محسوب می‌شود که با این کار، قیمت‌ها کاهش یافته اما سهم بازار این کشور همچنان حفظ می‌شود. سهم بازار نفت جهانی برای اوپک طی سالیان متمادی کاهش یافته و هم‌اکنون سازمان تقریباً ۴۰ درصد نفت خام جهانی را به فروش می‌رساند.

ایالات متحده با تکیه بر منابع نفتی بزرگ استخراج شده از سنگ شیل مثل میدان باکن در داکوتای شمالی، بازار جهانی را به هم ریخته و اوپک را تضعیف کرده است. اما تولیدات جدید، گران است و تنها در شرایطی که قیمت نفت بالا باشد، می‌تواند دوام پیدا کند. (زیرا به منظور ارزان شدن جریان نفتی، تکنولوژی بالا برای ایجاد شکاف‌های افقی در صخره‌های سخت که خیلی محکم و غیرقابل نفوذ است، نیاز می‌باشد. همچنین این

عربستان آسیب می‌زند.

چاه‌های نفتی زود به زود از کارایی خارج شده و نیازمند اکتشاف بیشتر برای حفظ جریان تولید است.)

طبق بیانات مانیگ، استراتژیست‌های عربستان، با پایین نگه داشتن قیمت نفت به دنبال این هستند که منابع نوین و گران قیمت داکوتای شمالی را از عرضه بازار خارج کنند.

بر اساس گزارش خبرگزاری بلومبرگ در ماه گذشته، نفت خام ۵۸۰ دلاری رشد تولیدات نفت سخت آمریکا از شیل را متوقف می‌کند و در نفت ۷۰ دلاری نیروهای بازار تولیدات نفت از باکن را ۲۸ درصد کاهش می‌دهند.

برنده یا بازنده

بر اساس نوشته اخیر مانیگ، در بین کشورهای عضو اوپک، عربستان سعودی و تولیدکنندگان نفت کشورهای خلیج فارس، برندگان واقعی هستند. ایالات متحده و سایر کشورهای توسعه یافته سازمان OECD (سازمان توسعه و همکاری اقتصادی) به عنوان ملت‌های مصرف کننده نفت و همچنین مناطق کمتر توسعه یافته مانند آفریقا، کارائیب و شرق و جنوب آسیا جملگی از این کاهش سود می‌برند.

مانینگ می‌افزاید: «از منظر جهانی، روسیه، ایران و ونزوئلا در کنار سایر اعضای اوپک بازندگان اصلی هستند. شرکت‌های فعال در صنعت شیل و بانک‌هایی که به آن‌ها وام می‌دهند نیز در معرض خطر قرار دارند. اگر نفت در محدوده قیمت ۷۰-۸۰ دلار قرار بگیرد، نفت شیل نیز به نوبه خود هر چند کوچک سود می‌برد. اما اگر نفت به زیر ۸۰ دلار برسد، اوضاع برای تولیدکنندگان نفت شیل دشوارتر می‌شود.

اگرچه هدف اصلی عربستان تولیدات شیل آمریکاست اما فاکتور مهم دیگر این کشور، رقابت با ایران برای نفوذ در منطقه خاورمیانه است. علاوه بر این، تصمیم‌گیرندگان عربستان سعودی، به این آگاهی رسیدند که قیمت پایین نفت، به اقتصاد ایران بیشتر از

چگونه نفت ارزان به روسیه و ایران آسیب می‌زند؟

بر اساس نوشته مانیگ، از دیدگاه ایالات متحده، با تحریم ایران و روسیه و نیز با کاهش قیمت نفت به ۵۸۰ دلار یا کمتر از آن، اقتصاد ایران و روسیه آسیب خواهد دید.

مانینگ در رابطه با روسیه و بحران اوکراین، این نظرات را دارد:

روسیه هم‌اکنون با مشکلات اقتصادی بزرگی روبه‌رو است که شامل ۱۰۰ میلیارد دلار سرمایه خارج شده از کشور، فرار مغزها، کاهش ۲۳ درصدی روبل، بدهی زیاد شرکت‌های تازه تاسیس تا سال ۲۰۱۵ می‌شود، از طرف دیگر یک سیکل منفی در این کشور به وجود آمده است. اقتصاد روسیه یا به رکود خواهد رسید یا تا سال ۲۰۱۶ به رشد یک درصد می‌رسد. روسیه به دلیل تحریم‌ها و دشواری‌ها در سرمایه‌گذاری، نمی‌تواند از کاهش ارزش روبل استفاده کند. البته لازم به ذکر است که با وجود سختی‌ها برای مردم عادی روسیه، در حال حاضر مسکو به اندازه کافی منابع ارزی در اختیار دارد.

در رابطه با اوکراین باید گفت، که پوتین هرگز در جایگاه یک اقتصاددان متهم نشده است. به نظر می‌رسد که به دنبال فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱، وی به دنبال گرفتن انتقام از فروپاشی شوروی است. او قصد دارد روسیه را به دوران شکوه و عظمت اتحاد جماهیر شوروی برساند. اگر پوتین به دنبال یک معامله منطقی در اوکراین بود، می‌توانست از مرکل و اتحادیه اروپا استعانت کند. در عوض به نظر می‌رسد که پوتین به دنبال بر هم زدن بازی در اوکراین است. بر این اساس، اگر قیمت نفت تا سال ۲۰۱۶ همان ۵۸۰ دلار باقی بماند، امکان دارد پوتین محاسبات خود را تغییر دهد.

داده‌پردازی خوارزمی؛

فعال در تولید و پشتیبانی نرم‌افزارهای صنعت بانکداری



داده‌پردازی خوارزمی در یک نگاه:

شرکت داده‌پردازی خوارزمی، فعالیت خود را از سال ۱۳۷۶ با سرمایه‌ای ثبت‌شده ده میلیارد ریال و با هدف تولید و پشتیبانی نرم‌افزارهای سفارش مشتری، شامل نرم‌افزارهای بانکداری، اداری، صنعتی، ارائه و پشتیبانی نرم‌افزارهای خارجی، ارائه خدمات مشاوره و امکان‌سنجی و نظارت بر طرح‌های انفورماتیکی آغاز کرده است. این شرکت توانسته با تکیه بر دانش فنی و توانمندی نیروی انسانی و با اتکا بر سال‌ها تجربه موفق در صنعت IT جایگاه مناسبی را بین شرکت‌های انفورماتیکی کشور کسب کند. مدیران و کارکنان شرکت، ایجاد ارزش افزوده برای مشتریان را با ایجاد بهبود مستمر در کلیه زمینه‌های شرکت از اصول و ارزش‌های کلیدی حاکم بر داده‌پردازی خوارزمی می‌دانند و رساندن جایگاه شرکت به عنوان «یکی از بهترین شرکت‌های IT فعال در کشور» و منطقه را به عنوان چشم‌انداز داده‌پردازی خوارزمی می‌دانند.

زمینه‌های فعالیت داده‌پردازی خوارزمی:

در حال حاضر اصلی‌ترین فعالیت‌های شرکت به شرح زیر است:
- ارائه و پشتیبانی سیستم‌ها و نرم‌افزارهای خارجی، تولید و پشتیبانی نرم‌افزارهای سفارش مشتری

- ارائه راهکارهای ضد تقلب و کلاهبرداری مالی (Anti Fraud)

- ارائه راهکارهای هوش تجاری (BI) (Business Intelligence)

- سنجش و بهبود میزان رضایت مشتریان
- خدمات پشتیبانی نرم‌افزار

- مشاوره و نظارت بر اجرای طرح‌های انفورماتیکی
- کنترل کیفیت نرم‌افزار

- ایجاد و توسعه بانک‌های اطلاعاتی
- مستندسازی سیستم‌های نرم‌افزاری

ارائه خدمات مشاوره مدیریت در زمینه‌های:
- امنیت اطلاعات

- طراحی داشبوردهای مدیریتی
- پیاده‌سازی نظام مدیریت دانش

جایگاه داده‌پردازی خوارزمی

در صنعت فناوری اطلاعات کشور:

داده‌پردازی خوارزمی براساس آخرین ارزیابی مرجع رسمی شورای عالی انفورماتیک کشور، رتبه یک را در زمینه تولید و پشتیبانی نرم‌افزارهای سفارش مشتری اخذ کرده و عضو انجمن انفورماتیک ایران است و در زمینه

خدمات پشتیبانی، مشاوره و نظارت بر اجرای طرح‌های انفورماتیکی شبکه داده‌ها و ارائه پشتیبانی نرم‌افزارهای خارجی نیز از رتبه بالایی برخوردار است. این شرکت با دارا بودن بیش از یک دهه سابقه و تجربه در زمینه تولید و پشتیبانی نرم‌افزارهای سفارش صنعت بانکداری کشور به حدی از توانایی و تخصص رسیده است، که بتواند در سایر حوزه‌های صنعت نیز به ارائه خدمات فناوری اطلاعات بپردازد.

تولید نرم‌افزار:

کارشناسان و متخصصین شرکت، با در اختیار داشتن آخرین متدهای تولید نرم‌افزار، از جمله تولید چند لایه نرم‌افزار و بهره‌برداری از اقدام به تولید نرم‌افزار و سیستم‌های مورد نیاز مشتری می‌کنند. روند تولید و رشد دانش و تکنولوژی از سال ۷۶ تاکنون اطمینان خاطر زیادی برای مشتریان شرکت ایجاد کرده است.

پشتیبانی و توسعه:

ساختار یکپارچه حاکم بر پروژه‌های نرم‌افزاری مشتمل بر تحلیل، طراحی و تولید و پشتیبانی، توان توسعه سیستم‌های تولید و مستقرشده را چند برابر کرده و منجر

به ارائه خدمات سریع تر و دقیق تر به مشتریان می گردد.

توانمندی های داده پردازی خواری:

شرکت داده پردازی خواری با بهره مندی از دانش و تجربه بیش از ۱۰۰ نفر از متخصصان و برنامه نویسان خود در زمینه های زیر فعالیت می کند:

- تدوین طرح جامع انفورماتیک سازمان ها
- تهیه درخواست برای پیشنهاد (RFP)
- طراحی و پیاده سازی سیستم های جامع
- مدیریت و راهبری پروژه های انفورماتیک

سیستم ها و راهکارهای جامع داده پردازی خواری:

- سیستم یکپارچه حسابداری (راهکاری جامع و فراگیر به گستردگی شعب در کشور و به انسجام یک سیستم):
- عملیات دفترداری - عملیات قرارداد - عملیات خلاصه کل - عملیات دریافت و پرداخت - عملیات اموال - عملیات مدیریت سیستم - عملیات بودجه
- عملیات تنخواه - عملیات امکانات ویژه

کنترل کیفیت:

کلیه نرم افزارها براساس فرایندها و معیارهای استاندارد تعریف شده محصولات نرم افزاری مورد تست و ارزیابی قرار می گیرند تا بالاترین کیفیت و مطابقت را با نیاز مشتری ارائه کنند و همچنین مرور خطاهای سیستم و بازبینی محصول از جنبه هایی مانند: نیازمندی ها، طراحی و مستندات از فعالیت های کنترل کیفیت هستند.

کنترل پروژه:

براساس چارچوب بین المللی ITIL و دانش مدیریت پروژه، درخواست های جدید وارد شده به شرکت اعم از تولید، تغییرات عمده و جزئی (Problem, Change, Incident) توسط واحد کنترل پروژه برنامه ریزی و تحت نظارت و پیگیری قرار می گیرد.

سیستم جامع رفاه (دربرگیرنده همه ابعاد نظام تامین اجتماعی خاص یک سازمان):

سیستم حسابداری - سیستم بهداشت و درمان - سیستم وام - سیستم تامین خسارت - سیستم خدمات عمومی - سیستم باشگاه - سیستم مددکاری - صندوق پس انداز و تامین آتیه - سیستم تربیت بدنی - سیستم گزارش های مدیریتی

سیستم جامع منابع انسانی:

- سیستم اطلاعات پرسنلی - سیستم مرخصی - سیستم ارزشیابی - سیستم احکام شاغلین و بازنشستگان - سیستم حضور و غیاب - سیستم تخلفات اداری - سیستم آموزش - سیستم استخدام - سیستم ماموریت - سیستم کارانه - سیستم آزمون - سیستم پاداش - سیستم حقوق و دستمزد - سیستم تشکیلات و طبقه بندی مشاغل - سیستم گزارش ساز مدیریتی - سیستم ارزیابی عملکرد مدیران

راهکارهای مبتنی بر Business:

هوش تجاری (BI) یعنی داشتن دانشی فراگیر از همه

عواملی که بر سازمان مؤثر است، هوش تجاری به سازمان کمک می کند تا از طریق گزارش گیری و تحلیل داده ها به نقاط ضعف سازمان خود پی برده و نقاط قوت خود را مستحکم تر کند.

شرکت داده پردازی خواری، با جمع آوری دانش و ابزار مورد نیاز یکی از پیشگامان در ارائه راهکارهای مبتنی بر هوش تجاری در ایران است.

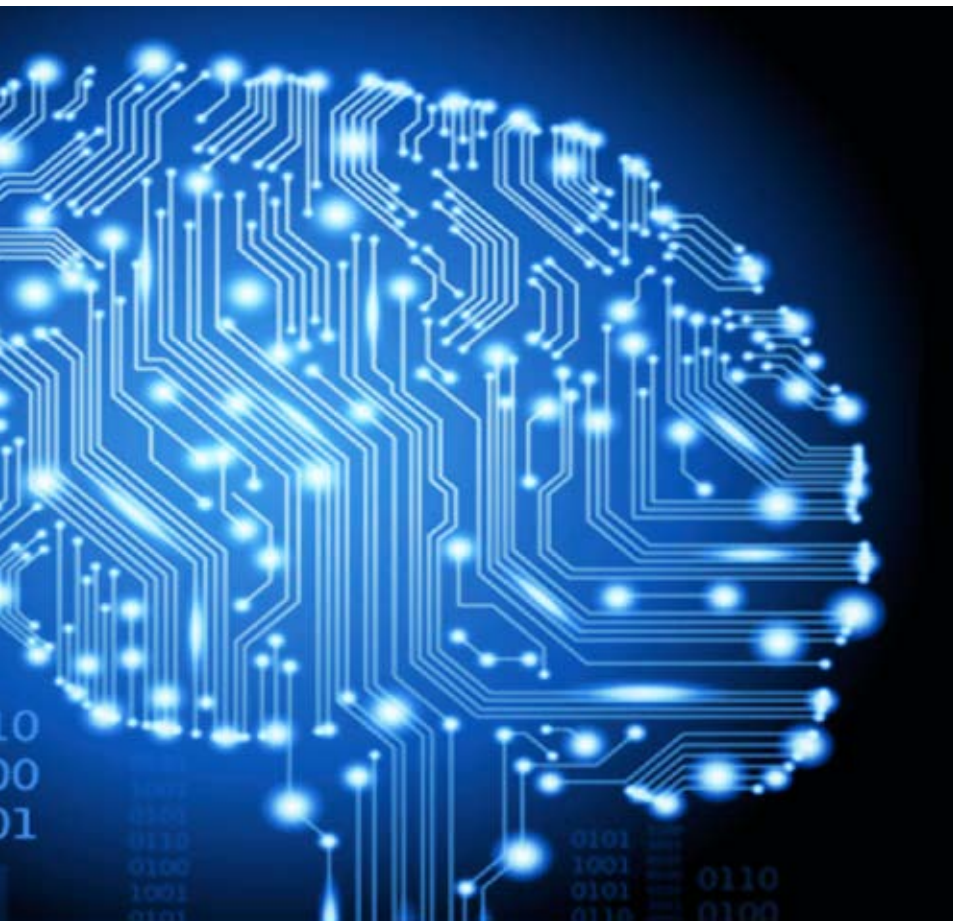
سیستم مبارزه با پولشویی:

سیستم مبارزه با پولشویی تهیه شده بر بستر وب بر روی اینترنت بانک ایجاد شده، که کلیه واحدهای بانکی اعم از ستاد/صف بر حسب نیاز خود از سیستم مبارزه

سیستم بخشنامه ها و اطلاعیه ها:

با توجه به نیازهای نوظهور سازمان ها مبنی بر بالا بردن سرعت پاسخ گویی به نیازها و مقابله با چالش های پیش رو، تهیه و ارائه سیستمی به منظور جایگزینی سیستم سنتی اطلاع رسانی سازمانی و با نگرش تسریع و اصلاح فرآیندهای اطلاع رسانی، سیستم "بخشنامه ها و اطلاعیه ها" تولید گردیده است.

این سیستم عملیات مورد نیاز جهت تهیه اطلاعیه ها، بخش نامه ها و ابلاغیه ها یا سایر مستندات سازمانی را با قرار دادن کلیه عملیات مرتبط با چرخه ایجاد، تایید، بایگانی یا ابطال آن مکانیزه و تسریع کرده است. این سیستم همچنین امکان ارسال پیام های غیر رسمی را در



قالب پیام های درون سازمانی فراهم کرده است.

سامانه مبادلات الکترونیکی چک (طرح سما):

- تبادل اطلاعات چک های عهده و واگذار شده
- تبادل الکترونیکی اطلاعات چک های عهده هر بانک، به همراه تصاویر دو طرف چک
- تبادل الکترونیکی پاسخ چک های واگذار شده هر بانک به همراه اطلاعات گواهی عدم پرداخت
- رعایت نکات امنیتی اعلام شده در سند ارتباط تبادل بین بانک ها از طرف اتاق پایاپای بانک مرکزی
- حذف نقل و انتقالات لاشه فیزیکی چک بین شعب هر بانک با مرکز پایاپای آن بانک
- قابلیت تبادل اطلاعات بین این سامانه با سامانه بانکداری (Core Banking) هر بانک

با پولشویی (AML) استفاده می کنند این سیستم به صورت آنلاین است و در لحظه به روزرسانی می شود که کاربران به آخرین اطلاعات دسترسی داشته باشند. اطلاعات ارائه شده در این سیستم، تجمیع شده اطلاعات واحدهای مختلف بانک است که به صورت یکپارچه، آنلاین و به روز در اختیار کاربران قرار می گیرد.

سیستم جامع تدارکات (پوشش دهنده کلیه فرایندهای چرخه کالا و ترابری در یک سازمان):

- سیستم کدینگ - سیستم نقلیه - سیستم سفارشات و بررسی تقاضاها - سیستم حسابداری - سیستم انبار - سیستم قراردادهای - سیستم خرید - صندوق اموال - سیستم ترخیص و سفارشات خارجی - سیستم اطلاعات پایه - سیستم گزارش های مدیریتی



هفتم تا نهم بهمن ماه
در کرمان برگزار می شود

چهارمین همایش مدیران گروه سرمایه گذاری خوارزمی

چهارمین همایش مدیران گروه سرمایه گذاری خوارزمی، هفتم تا نهم بهمن ماه سال جاری در کرمان برگزار می گردد.

در این همایش مدیران ارشد ستادی گروه خوارزمی، مدیران عامل شرکتها و اعضای هیئت مدیره کلیه شرکت های تابعه حضور خواهند داشت.

سخنرانی آقایان دکتر حسن درگاهی، دکتر مهدی برکچیان، دکتر محمودی مظفر، مهندس مسعود خوانساری و سعید جمشیدی فر از برنامه های پیش بینی شده در این همایش است.

میزبانی چهارمین همایش مدیران شرکت سرمایه گذاری خوارزمی را شرکت تجارت گستران خوارزمی بر عهده گرفته است.

گفتنی است اولین همایش از این دست، بهمن ماه سال گذشته در شیراز، دومین آن اواخر خردادماه امسال در مشهد و سومین آن اوایل مهرماه سال جاری در تبریز برپا شد.

از جمله اهداف برگزاری همایش های ادواری مدیران گروه خوارزمی، ارتقای سطح همکاری و هم افزایی برای تحقق اهداف مرحله ای برنامه راهبردی ۷ ساله و کمک به افزایش سطح آگاهی و دانش تخصصی مدیران در زمینه های مرتبط با برنامه های گروه است.

مشروح گزارش های مربوط به این همایش، مانند ادوار گذشته در وبسایت رسمی گروه خوارزمی و نیز ماهنامه و خوارزم (نشریه داخلی خانواده بزرگ شرکت سرمایه گذاری خوارزمی) منعکس خواهد شد.

- پیاده سازی ابزار داده های مالی بانک توسط سیستم یکپارچه حسابداری (حذف تراکنش های اضافی مانند خلاصه کل و ۶۷/۲ و ...)
- نصب و راه اندازی سیستم جامع رفاه در سرپرستی ها و استان ها
- شناخت، تحلیل، طراحی و پیاده سازی سیستم سپهریار
- شناخت، تحلیل، طراحی و پیاده سازی سامانه مبادلات الکترونیکی چک (CIS) طرح سما
- طراحی و پیاده سازی سیستم جامع بازرسی
- طراحی و استقرار سیستم چک در گردش
- طراحی و استقرار سیستم جامع خزانه
- سیستم BI سپرده طلا
- سیستم BI تراکنش های خاص

سیستم نمونه امضای بانکی :

در بانک اسنادی وجود دارد که برای اعتبار یافتن، نیازمند درج امضای مجاز و معتبر است. از این جمله می توان به چک های رمزدار شعب اشاره داشت، که نیازمند امضای بین بانکی است. به طور معمول سه نوع امضای بین بانکی، درون بانکی و لاتین (بین الملل) تعریف می شود. برای اعطای حق امضا به یک پرسنل، فرایند از درخواست امضا توسط خود کارمند یا مدیران رده بالاتر آغاز می گردد.

سیستم قادر است کلیه روال های مربوط به نمونه امضای بانکی و درخواست های اعطای امضا را که در حال حاضر به صورت دستی انجام می گردد مکانیزه نماید. همچنین سیستم بر روی بستر وب تهیه شده و با تجمیع کلیه داده ها در یک جا، سهولت و دقت بیشتری را ایجاد می کند.

شرکت سرمایه گذاری توسعه ترابری ایرانیان :

- طراحی و پیاده سازی شبکه اکتیو و پسیو
- صندوق باز نشستگی :
- اجرا و پیاده سازی سیستم احکام و حقوق و دستمزد شاغلین و بازنشستگان

بانک صنعت و معدن :

- اجرا و پیاده سازی سیستم حقوق و دستمزد
- اجرا و پیاده سازی سیستم سامانه مبادلات الکترونیکی چک طرح سما (CIS)

- اجرا و پیاده سازی سیستم پرسنلی
- اجرا و پیاده سازی سیستم وام کارمندان

بانک تجارت :

- اجرا و پیاده سازی سیستم سامانه مبادلات الکترونیکی چک طرح سما (CIS)

بانک دی :

- اجرا و پیاده سازی سیستم سامانه مبادلات الکترونیکی چک طرح سما (CIS)

بانک آینده (تات) :

- اجرا و پیاده سازی سیستم سامانه مبادلات الکترونیکی چک طرح سما (CIS)

سیستم KSMS :

سیستم KSMS نرم افزاری است تحت وب و مستقل از Platform که با استفاده از جدیدترین تکنولوژی های روز و با رعایت کلیه قوانین و استانداردهای SWIFT طراحی و پیاده سازی گردیده و قابلیت برقراری ارتباط با نرم افزار SWIFT را دارا بوده و جایگزین مناسبی برای ارسال و دریافت هر گونه پیام SWIFT در سطح شعب بانکها است.



مشتریان و پروژه های اجرا شده :

بانک صادرات ایران :

- طراحی و پیاده سازی سیستم جامع منابع انسانی
- طراحی و پیاده سازی سیستم جامع تدارکات
- امکان سنجی توسعه نقاط مشاع خدمات پرداخت بانکی
- تهیه RFP اداره کل خدمات نوین بانکی
- مشاوره سیستم SWIFT
- نصب و راه اندازی سیستم یکپارچه حسابداری در سرپرستی ها و شعب
- توسعه سیستم یکپارچه حسابداری (ارتباط On-Line کلیه واحدهای حسابداری مانند مبادلات، ایجاد معین استاندارد و ...)

بیکاری باز هم دو رقمی شد

بخش خصوصی، ناجی اصلی اشتغال

ایلیا پیرولی

هرچند که اقتصاد ایران در بیش از یک سال گذشته در مسیر بهبود قرار گرفته است اما با این وجود برخی اطلاعات که از سوی مراکز رسمی منتشر می‌شود به گونه‌ای است که باز هم نگرانی کارشناسان را از شاخص‌های اقتصادی به رخ می‌کشد. ماه گذشته مرکز آمار ایران اعلام کرد که در پاییز امسال باز هم نرخ بیکاری دو رقمی شده است. نرخ بیکاری از شاخصه‌هایی در اقتصاد محسوب می‌شود که به واسطه آن می‌توان وضع حوزه‌های سرمایه‌گذاری مولد در اقتصاد را ارزیابی کرد و به این نتیجه رسید که آیا اقتصاد در مسیر سرمایه‌گذاری یا مصرف قرار دارد. در گزارش مرکز آمار آمده است که نرخ بیکاری در فصل پاییز امسال ۱۰,۵ درصد و تعداد بی‌کاران نیز ۲ میلیون و ۵۲۰ هزار نفر است. این نرخ در تابستان امسال ۹,۵ درصد بود. به عبارتی نرخ بیکاری افزایش یک درصدی را در طول یک فصل نشان می‌دهد. همچنین در گزارشی دیگر از مرکز آمار آمده است: «تنها ۳۳,۶ درصد از نیروی کار کشور مشغول به کار هستند.»

جدول شماره-۱ (سهم اشتغال خصوصی در استان‌ها)

استان	سهم اشتغال خصوصی	سهم اشتغال عمومی	نرخ بیکاری
آذربایجان شرقی	۸۷,۶	۱۲,۴	۱۰
آذربایجان غربی	۸۷,۹	۱۲,۱	۸,۵
اردبیل	۸۹,۷	۱۰,۳	۹,۱
اصفهان	۸۲,۹	۱۶,۱	۱۲,۸
البرز	۷۸,۹	۲۱,۱	۱۲,۲
ایلام	۷۷,۸	۲۲,۲	۱۱
بوشهر	۷۳,۵	۲۶,۵	۱۰,۱
تهران	۷۸,۸	۲۱,۲	۷,۲
چهارمحال و بختیاری	۸۰,۹	۱۹,۱	۱۶,۹
خراسان جنوبی	۸۰	۲۰	۸,۴
خراسان رضوی	۸۵,۹	۱۴,۱	۱۰
خراسان شمالی	۸۴,۷	۱۵,۳	۱۲
خوزستان	۷۸	۲۲	۹
زنجان	۸۲,۲	۱۷,۸	۱۲,۱
سمنان	۸۰	۲۰	۱۷,۴
سیستان و بلوچستان	۷۸,۸	۲۱,۲	۱۲,۲
فارس	۸۴,۲	۱۵,۸	۱۴,۱
فروین	۸۷,۸	۱۲,۲	۱۰,۱
قم	۷۹,۷	۲۰,۳	۱۰,۷
کردستان	۸۷,۲	۱۲,۸	۱۰,۴
کرمان	۸۵,۱	۱۴,۹	۷,۴
کرمانشاه	۸۲,۱	۱۷,۹	۱۴,۷
کوچکدو و بوی‌احمد	۶۸,۷	۳۱,۳	۱۴,۷
گلستان	۸۷,۷	۱۵,۳	۱۲,۷
گیلان	۸۷,۸	۱۲,۲	۱۲,۶
لرستان	۸۲,۲	۱۶,۸	۲۰,۲
مازندران	۸۴,۸	۱۵,۲	۱۰,۴
مرکزی	۸۵,۱	۱۴,۹	۷,۲
هرمزگان	۷۹,۷	۲۰,۳	۱۲,۸
همدان	۸۷,۲	۱۲,۷	۸,۷
یزد	۸۲,۴	۱۶,۶	۷,۲

یک سو بخش خصوصی و بنگاه‌های سرمایه‌گذاری تضعیف شده‌اند و از سوی دیگر برخی نهادهای شبه دولتی اغلب با رویکردی غیر مولد، قدرت اقتصاد خود را افزایش داده‌اند. با این وجود آمارهای رسمی نشان می‌دهند که در اقتصاد ایران نیز بخش خصوصی به رغم آن‌که میدان ضعیفی برای حرکت دارد اما بیشترین نقش را در تولید اشتغال ایفا کرده است. یکی از آمارهای ارائه شده از سوی مرکز آمار ایران درباره سهم بخش‌های مختلف از اشتغال‌زایی

نسبت اشتغال بیانگر این است که چند درصد جمعیت واقع در سن کار، شاغل هستند. براساس نتایج مرکز آمار ایران، نسبت اشتغال در کشور ۳۳,۶ درصد است و در واقع نزدیک به ۶۶ درصد از نیروی کار کشور بیکار هستند. از این میان، این نسبت برای مردان به مراتب بیشتر از زنان است، به طوری که نسبت اشتغال در بین مردان ۵۷,۷ درصد و در بین زنان ۹,۶ درصد است.

این آمار همچنین اطلاعاتی را درباره اشتغال ناقص منتشر کرده است، که براساس آن نشان می‌دهد که چند درصد جمعیت فعال داری اشتغال ناقص هستند. براساس این نتایج ۷,۸ درصد از جمعیت فعال ۱۰ ساله و بیشتر دارای اشتغال ناقص بوده‌اند. این شاخص در بین مردان ۸,۶ درصد و در بین زنان ۳,۱ درصد همچنین در نقاط شهری ۶,۸ درصد و در نقاط روستایی ۱۰,۲ درصد است.

با این حساب می‌توان مدعی شد که وضع اشتغال در اقتصاد ایران دوباره به خط بحران نزدیک می‌شود. بدون شک یکی از علت‌های اصلی این ماجرا از صدمات جدی وارده به زیربنای اقتصادی-صنعتی در سال‌های گذشته است که باعث شده تا بیکاری در بدنه اقتصاد کشور نهادینه شود اما فارغ از این به نظر که هنوز آن‌طور که باید سیاست‌گذاران اقتصادی کشور راهبردهایی برای خروج از خط بحران بیکاری طراحی نکرده‌اند. تجربه کشورهای توسعه‌یافته نشان می‌دهد که آن‌ها با افزایش قدرت اقتصادی بنگاه‌های سرمایه‌گذاری غیر دولتی، توانسته‌اند بار بیکاری را از روی دوش اقتصاد بردارند. به نحوی که اکنون در کشورهای توسعه‌یافته بخش‌های غیر دولتی بیشترین سهم را در ایجاد اشتغال بر عهده دارند اما در اقتصاد ایران طی سال‌های گذشته از

جدول شماره ۲- (میزان تشکیل سرمایه ثابت ناخالص ۹۳-۸۳)

	فصل اول ۹۲	فصل دوم ۹۲	فصل سوم ۹۲	فصل چهارم ۹۲	سال ۹۲	فصل اول ۹۳
به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۸۳						
مصرف خصوصی	1.1	0.5	0.0	5.2-	1-	6.1
مصرف دولتی	5.1	5.3-	0.1	8.3	1.6	8.3
تشکیل سرمایه ثابت ناخالص	16.8-	16.1-	1-	3.8	6.9-	5.7
ماشین آلات	29.3	21.2-	9.3-	5.1-	16.1-	17.7
ساختمان	7.5-	12.8-	4	8.6	1.1-	1.1-
تغییر در موجودک ابزار						
خالص صادرات کالاها و خدمات						
صادرات کالاها و خدمات	2	2.8	17-	14.3	0.0	2.5
واردات کالاها و خدمات	31.4-	32.2-	13.3-	4.4	18.7-	4.3
تولید ناخالص داخلی به قیمت بازار	4.5-	0.3-	0.8-	2.2-	1.9-	4

اما هنوز برخی شبه‌دولتی‌ها و نهادها سهم مهمی از اقتصاد را در اختیار دارند و بخش خصوصی به خاطر حضور آن‌ها یا باید در رقابتی نابرابر حضور داشته باشد یا همیشه در این دلهره باشد که دایره فعالیت شبه‌دولتی‌ها زمینه حضور آن‌ها را در اقتصاد محدود می‌کند. به طور حتم اگر بخش خصوصی می‌توانست نقش نخست را در انجام بسیاری از پروژه‌های پیمانکاری و سرمایه‌گذاری اقتصادی ایفا کند، سهم بهتری از سرمایه‌ها و منابع را به دست می‌آورد و از این طریق بار بزرگ‌تری از روی دوش بیکاری نیز بر می‌داشت. شاید بهترین کار دولت برای مقابله با بیکاری این باشد که بتواند میزان رقابت را در این میدان هرچه بیشتر عادلانه کند.

تشکل‌های بخش خصوصی را دریا بیم فارغ از نظارت و نقشی که دولت در تقویت بخش خصوصی دارد، به نظر می‌رسد خود فعالان بخش خصوصی نیز باید راهبردی برای باز کردن هرچه بیشتر نقطه دید خود داشته باشند. در کشورهای توسعه‌یافته کانون‌های سرمایه‌گذاری و هسته‌های صنعتی صاحب تشکل و حتی احزابی هستند که در تقویت حضور آن‌ها در بدنه اقتصاد ملی نقش اصلی را ایفا می‌کنند. در اقتصاد ایران هنوز فعالان بخش خصوصی این امکان را ندارند که بتوانند در مدیریت کلان اقتصاد کشور حضور یابند. اتاق‌های بازرگانی در واقع تنها نهادهایی هستند که برای فعالان بخش خصوصی نقش تشکل‌های اقتصادی را ایفا می‌کنند اما در عمل گروهی از اهالی اقتصاد بر این باورند که این اتاق‌ها بیشتر از اعضای بخش خصوصی به دولت وابسته هستند و مدیران آن‌ها نیز بیشتر نمایندگان بخش دولت محسوب می‌شوند. اگر همه این عوارض برطرف شود، آن وقت این پتانسیل در اقتصاد ایران وجود دارد که صاحب یک بخش خصوصی باشد، که بتواند گره بیکاری را باز کند. باز هم لازم به تاکید است که بیکاری و همه جوانب و پدیده‌های منفی که به وجود آورده است، یکی از بدترین نشانه‌ها برای اقتصاد است. این نشانه را بخش خصوصی با توانی که در ایجاد فعالیت‌های مولد دارد، می‌تواند تغییر دهد. برای همین شاید این کار برای دولت واجب باشد که هرچه سریع‌تر گره‌های موجود در پای بنگاه‌های سرمایه‌گذاری و سایر نهادهای بخش خصوصی را یک به یک باز کند.

را باید یادآور شد، که در سال‌های گذشته بخش خصوصی در شرایطی توانسته است چنین کمکی به تولید اشتغال بکند، که از یک سو بار تحریم‌ها و افزایش بی‌ضابطه نرخ مواد اولیه تولید را روی دوش داشته است و از سوی دیگر حمایتی از سوی بانک‌ها و مؤسسات پولی برای سرمایه مورد نیاز مجموعه‌های اقتصادی بخش خصوصی آن‌طور که باید وجود نداشته است. به این ماجرا اشتباهی دولت نفتی برای واردات را نیز اضافه کنید. در این وانفسا باز هم فعالان بخش خصوصی توانسته‌اند بیش از ۸۳ درصد اشتغال کل کشور را نمایندگی کنند. همین نسبت بهترین دلیل برای آن است تا دولتی‌ها آستین‌ها را بالا بزنند تا ظرفیت خالی و بلا استفاده واحدهای اقتصادی و صنعتی فعال شود. اگر این اتفاق رخ دهد، حتما میزان ایجاد شغل در کشور شتاب بیشتری را تجربه خواهد کرد. تا این جای کار اما به نظر می‌رسد که هنوز برنامه مطمئنی برای تقویت چرخ‌دنده‌های بنگاه‌های اقتصادی و صنعتی تدوین نشده است. این البته یک تحلیل است که مدیران دولتی تا حد زیادی آن را قبول ندارند. به باور آن‌ها بعد از اتمام کار دولت دهم خیلی چیزها در اقتصاد ایران تغییر کرده است. از این منظر بدون شک حق با مدیران اقتصادی دولت یازدهم است. در همین لحظه که این گزارش نوشته می‌شود، میزان سرمایه‌گذاری در اقتصاد ایران روند افزایشی را نشان می‌دهد. بانک مرکزی گزارش می‌دهد که در بهار ۹۳ میزان تشکیل سرمایه ثابت ناخالص نزدیک ۶ درصد رشد نشان می‌دهد (جدول زیر). افزایش ۱۷٫۷ درصدی سرمایه‌گذاری در ماشین‌آلات (به اعتراف بانک مرکزی) نیز گویای حرکتی مطلوب در روند سرمایه‌گذاری است. اما باز هم با این وجود نمی‌توان این ادعا را رد کرد که هنوز مسیر بخش خصوصی آن‌قدر هموار نشده است که بتواند در حد توان خود به ایجاد اشتغال در کشور کمک کند.

کارشناسان بر این باورند که دولتی‌ها به‌درستی حجم بزرگی از توان خود را صرف رفع تحریم‌ها و دیپلماسی کرده‌اند اما این راهبرد نباید به این قیمت تمام شود که بخش خصوصی و شرکت‌های سرمایه‌گذاری مسیری در مقابل نداشته باشند، که جریان رشد و توسعه را برای آن‌ها نهادینه بکند. فعالان بخش خصوصی می‌گویند هرچند که در یک سال گذشته اقتصاد ایران به امید باز گشته است

نشان می‌دهد، که ۸۳٫۴ درصد کل اشتغال کشور در بخش خصوصی و ۱۶٫۹ درصد نیز در بخش عمومی است. جالب این‌جا است که سهم بخش خصوصی از کل اقتصاد ایران بیشتر از ۱۰ درصد نیست اما سهم بخش دولتی از اقتصاد کشور بیش از ۸۰ درصد. با این حساب حالا دیگر باید باور کرد که راهبردهای دولتی به‌وضوح ناکارآمدی خود را برای ساماندهی اوضاع اقتصادی کشور نشان داده‌اند. جدول زیر با استخراج اطلاعات مرکز آمار نشان می‌دهد که



بخش خصوصی قطب نخست ایجاد اشتغال در کشور است.

دولت آستین‌ها را بالا بزند

هرچند که افزایش دوباره آمار بیکاری می‌تواند یک اتفاق ناگوار برای اقتصاد کشور باشد اما از سوی دیگر این خاصیت را دارد که بتواند زنگ خطر را برای مدیران دولتی به صدا در آورد. یک نکته



توسعه در ایران به کدام سمت می‌رود؟

بیکاران؛ ارمغان اقتصاد واردات محور!

علی پویا

دکتر حسن طایبی خاطرنشان ساخت: «این افراد نه اشتغال دارند و نه مهارت و درعین حال به دنبال اشتغال هم نمی‌گردند. در اصطلاح خارجی به این گروه از بی‌کاران «neet» گفته می‌شود که در دوره‌ای به دنبال کار می‌روند، ولی پس از مدتی به صورت ابر پراکنده شده و خبری از آن‌ها نیست و در اصطلاح عامیانه به این بی‌کاران، «علاف» نیز گفته می‌شود.»

وی افزود: «این گروه بی‌کارگان می‌توانند برای بازار کار و اقتصاد مامشکل‌ساز شوند و به نظر می‌رسد باید راهکاری اساسی برای مهارت‌آموزی و اشتغال این گروه اندیشیده شود.»

بی‌کارگان هفت میلیون نفری یا همان علاف‌ها به قول معاون وزیر کار) یک پدیده بی‌سابقه در اقتصاد ایران است. برای لحظه‌ای در نظر بگیرید که اگر اقتصاد ایران به شکلی مدیریت می‌شد که به جای اتکا به واردات کالاهای مصرفی، به تولید و سرمایه‌گذاری‌های صنعتی تکیه می‌کرد، آیا امروز میزان بی‌کارگان به هفت میلیون نفر می‌رسید؟ برای

را تجربه کرد و از سوی دیگر با تزریق منابع مالی برای اشتغال‌زایی سریع سعی کردند تا در مقابل موج بی‌کاری بایستند اما در عمل دیدیم که نه تنها نرخ بی‌کاری کاهش نیافت بلکه این پدیده منفی به یک معضل جدی برای اقتصاد ایران تبدیل شد. آمارها نشان می‌دهد که در دولت نهم فقط تا پایان سال ۱۳۸۶ بیش از ۲۰ هزار میلیارد تومان در قالب طرح‌های خوداشتغالی وام پرداخت کرده است اما در عمل بی‌کاری به دلیل فقدان سرمایه‌گذاری‌های مولد، آن قدر در اقتصاد کشور ریشه دواند، که اکنون آفت‌های تازه‌ای در اقتصاد کشور خود را نشان می‌دهند. در حال حاضر اما به نظر می‌رسد مشکل اصلی حتی بی‌کاری نباشد، چون پدیده‌هایی در اقتصاد ایران خود را به وضوح نشان می‌دهند که تا حد زیادی خطر بی‌کاری را کم‌رنگ می‌کنند. چند روز پیش معاون کارآفرینی و توسعه اشتغال وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی به طور رسمی اعلام کرد که در ایران هفت میلیون نفر «بی‌کاره» داریم، افرادی که فاقد هرگونه درآمدی هستند.

بی‌کاری به این سادگی‌ها دست از سر اقتصاد ایران بر نمی‌دارد. البته این ماجرا خیلی هم غیر طبیعی نیست. بدون شک هر جای دیگری از دنیا نیز اگر اوضاع سرمایه‌گذاری، بنگاه‌های سرمایه‌گذاری و بخش‌های مولد به شکلی شبیه اقتصاد ایران مدیریت می‌شد، بی‌کاری تا همین حد می‌توانست غیر قابل مهار باشد. در دنیای امروز و در میان اندیشمندان توسعه هیچ شکی باقی نمانده که بی‌کاری را فقط سرمایه‌گذاری‌های مولد و پرداختن به حوزه‌های تولید می‌تواند به شکل مطلوبی برطرف کند، هر چیزی غیر از این فقط مسیر دستیابی به اشتغال را با گره و پیچ‌های متعددی همراه می‌سازد. تجربه اقتصاد ایران نیز نشان می‌دهد که بدون سرمایه‌گذاری‌های مولد بی‌کاری همچنان جلو می‌رود. مسئولین دولت قبلی، با شیوه‌های مدیریت اقتصادی خود این مسئله را به‌خوبی نشان دادند. آن‌ها از یک سو با هزینه کردن بی‌مهابای درآمدهای نفتی در واردات کالاهای خارجی باعث شدند تولید زمین‌گیر شد و ظرفیت تولید در واحدهای صنعتی کاهش زیادی

لحظه‌ای به این موضوع فکر کنید که کل جمعیت کشوری مانند سوییس ۷ میلیون نفر است و یکی از توسعه‌یافته‌ترین کشورهای جهان محسوب می‌شود. یعنی در ایران به اندازه جمعیت سوییس فقط بی‌کاره یا به قول معاون وزیر کار علاف وجود دارد. نروژ نیز می‌تواند یک مثال دیگر باشد. حتما همه مردم دنیا نام نروژ را شنیده‌اند. این کشور با ۸۷ هزار ۳۵۰ دلار درآمد سرانه ۵ میلیون جمعیت دارد و چهارمین کشور دنیا از حیث درآمد سرانه است. جمعیت ۷ میلیون بی‌کارگان ایران ۲ میلیون نفر بیشتر از کل جمعیت نروژ است. به طور حتم نمی‌توان ساده از کنار این رقم عبور کرد. ۷ میلیون جمعیت بی‌کارگان متفاوت است از آمار بی‌کاران کشور. این مؤلفه بیشتر شاید ریشه در مناسبات اجتماعی دارد، که از شرایط اقتصادی کشور ریشه می‌گیرند.

نوکیسه‌ها علاف‌ها

برای پاسخ به این پرسش رضا فرهادی، دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد می‌گوید: «در چند سال گذشته در اقتصاد ایران اتفاقاتی رخ داد که خیلی از تعاریف را دگرگون کرد و علت همه این اتفاقات هم سیاست‌گذاری‌های غلط اقتصادی است. از سال ۸۴ به بعد پیچ دلارهای نفتی روی اقتصاد کشور باز شد و این دلارها به جای آن که زمینه سرمایه‌گذاری‌های صنعتی را فراهم کنند تا حد بسیاری زیادی دلالی، واسطه‌گری و دادوستدهای پرسود را در بازارهای حاشیه‌ای پر رونق کردند چون سیاست‌های اقتصادی به گونه‌ای غیر عقلانی بود که تولید، خیر از این ثروت از راه رسیده نمی‌برد.» وی ادامه داد: «در این فضا طبقه جدیدی از ثروتمندان شکل گرفتند و گروهی از ثروتمندان سابق نیز ثروتمندتر شدند. منتهی بخش مهم ماجرا طبقه جدید ثروتمندان است که به دلیل جابه‌جایی ثروت در لایه‌هایی از جامعه خود را نشان داد. من فکر می‌کنم ۷ میلیون نفر بی‌کاره واقعیتی است که باید آن‌ها را در بدنه این طبقه جدید و فرزندان آن‌ها جستجو کنیم.»

فرهادی ادامه می‌دهد: «این روزها اصطلاح بچه‌پولدارها نیز زیاد شنیده می‌شود آن‌ها نیز در همین ۷ میلیون نفر جا می‌گیرند. تازه به نظر می‌رسد ۷ میلیون نفر با خوشبینی اعلام شده است. معمولا این افراد در کنار کسانی که از نرخ سرمایه‌های انباشته خود تغذیه می‌کنند و درگیری کار و فعالیت نیستند همان آدم‌های بی‌کاره محسوب می‌شوند. مشکل این‌جاست که آن‌ها در بهترین حالت ۷ میلیون انسان را از گردون توسعه حذف کرده‌اند که اگر این ۷ میلیون نفر کمی خاصیت مولد داشتند، می‌توانستند کمک بزرگی به اقتصاد کشور بکنند.»

ماجرای نوکیسه‌ها این روزها به یک تب در اقتصاد اجتماعی ایران تبدیل شده است. به نوعی که در همه محافل اقتصادی نامی از آن‌ها به میان می‌آید و

کارشناسان اقتصادی و جامعه‌شناسان نیز هرکدام به نوعی سعی می‌کنند تا نوکیسه‌ها را تحلیل و ارزیابی کنند. هرچه هست به باور گروهی از کارشناسان آن‌ها از یک سو نمادی برای تصمیم‌گیری‌های غلط دولتی هستند و از سوی دیگر می‌توانند آن بخش از جمعیت کشور باشند که هیچ خاصیت یا فعالیت مولدی در اقتصاد کشور ندارند.

سعید لیلز در گفت‌وگو با همشهری اقتصادی این‌گونه آن‌ها را تحلیل می‌کند: «برای هر پدیده‌ای باید به دنبال علت اقتصادی باشیم. ورود کالاهای لوکس و گران‌قیمت به بازار کشور در سال‌های اخیر تقریبا چند برابر شده است. علت آن هم در درجه اول این است که در اثر نوسانات اقتصادی و اجتماعی عظیم کشورمان در چند سال اخیر، طبقه‌ای نوکیسه ظهور کرده‌اند که مخاطبان اصلی این محصولات را تشکیل می‌دهند. این گروه که عمدتا بر اثر تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و اجتماعی دولت شکل می‌گیرند، از نظر اقتصادی بسیار پر قدرت بوده و منابع عظیم مالی را در اختیار دارند و به تبع بخش قابل توجهی از این منابع را به خرید کالاهای لوکس اختصاص می‌دهند.

اما این تنها دلیل نیست؛ علت دیگر ظهور این طبقه اجتماعی، روش برخورد دولت و سیستم نامناسب شبکه بانکی کشور بود؛ معوقات بانکی ۴ هزار میلیارد

**باید وجود ۷ میلیون بیکار
را فراموش کنیم. به عبارتی
آن‌ها باری سنگین روی
دوش دولت هستند که باید با
راهبردهای ویژه‌ای ضمیمه
حضورشان را در گردونه
توسعه کشور فراهم ساخت**

امر واردات، حمایت کرده است. لیلز معتقد است: نوکیسه‌ها یا همان طبقه نوظهور جامعه در چند سال اخیر از طریق رانتهای دولتی به سودهای کلانی رسیده‌اند. خود این امر هم باعث افزایش کالاهای لوکس در کشور شده است. زمانی که ثروت از یک حدی فراتر برود، تشخیص و تفاخر افراد هم به نسبت بالاتر می‌رود. وقتی کسی ماهانه درآمدی نزدیک به ۱۰ میلیارد تومان داشته باشد، به صورت عادی توان خرید یک ساعت یک میلیاردی را هم خواهد داشت. براساس علم اقتصاد، هدف انسان از خرید کالا مطلوبیتی است که پس از خرید به وجود می‌آید. افراد برای به رخ کشیدن وجه تمایز خودشان هزینه‌های کلانی می‌پردازند که خرید یک ساعت گران‌قیمت و لوکس امری عادی در این زمینه است. این افراد نیاز به کار کردن هم ندارند و در واقع در گروه همان افرادی قرار دارند که نه شاغل هستند و نه بی‌کار که بخواهند دنبال کار بگردند.»

بیژن رضائی، کارشناس حوزه کار و اشتغال نیز معتقد است: «باید وجود ۷ میلیون بی‌کاره را فراموش کنیم یا به عبارتی آن‌ها یک بار سنگین روی دوش دولت هستند، که باید با راهبردهای ویژه‌ای زمینه حضور آن‌ها را در گردونه توسعه کشور فراهم کنند.»

وی ادامه می‌دهد: «غیبت ۷ میلیون نفر از اقتصاد، یک فاجعه است که به نظر من دلیل آن را باید در مصرف‌گرایی و ثروت‌اندوزی نوظهور در سال‌های گذشته جستجو کرد. طبقه‌های شکل گرفتند که ظاهرا هم خودشان و هم خانواده‌شان و هم بستگان آن‌ها نیازی به کار ندارند. حتما بخش بزرگی از این ۷ میلیون نفر را باید در این طیف جستجو کرد. این طیف همان افرادی هستند که فاصله طبقاتی را نیز در چند سال گذشته تا این حد بزرگ کرده‌اند. باز هم باید تاکید کرد که دولت باید برای این جماعت برنامه‌ریزی کند.»

ناکارآمدی

به نظر می‌رسد چند سال گذشته در تاریخ اقتصادی ایران، برای همیشه با عنوان یک نقطه عطف خود را نشان خواهند داد. البته نقطه عطفی که پیامدی جز ناموزونی روند توسعه نداشته است. در سال‌های گذشته، بیشترین درآمدهای نفتی نصیب اقتصاد ایران شده است اما درست در همین سال‌ها پدیده‌هایی چون نوکیسه‌گی یا وجود ۷ میلیون بی‌کاره برای اقتصاد کشور به ثبت رسیده است، که به قول اندیشمندان اقتصادی نتیجه همان دلارهای نفتی بی‌سابقه است. شک نباید کرد که تولید و فعالیت‌های مولد و همچنین رونق شرکت‌های سرمایه‌گذاری زیربنای وجود یک اقتصاد سالم است. اگر این مؤلفه‌ها وجود نداشته باشد، حتما نیروی انسانی به عنوان بهترین منبع اقتصادی نیز هز می‌رود. برای همین وقتی معاون وزیر کار می‌گوید که ۷ میلیون علاف در اقتصاد ایران

آمار گمرک جمهوری اسلامی ایران در مورد میزان واردات در سال‌های ۹۲ تا ۸۰

سال	واردات (میلیون دلار)	صادرات (میلیون دلار)	کسری (میلیون دلار)
۱۳۸۰	۱۸,۱۲۰	۴,۲۲۴	۱۳,۸۹۶
۱۳۸۱	۲۲,۲۷۵	۴,۶۰۸	۱۷,۶۶۷
۱۳۸۲	۲۶,۵۹۸	۵,۹۷۲	۲۰,۶۲۶
۱۳۸۳	۳۵,۳۸۸	۶,۸۴۷	۲۸,۵۴۱
۱۳۸۴	۳۹,۲۴۷	۱۰,۴۷۴	۲۸,۷۷۳
۱۳۸۵	۴۱,۷۲۳	۱۲,۹۹۷	۲۸,۷۲۶
۱۳۸۶	۴۸,۴۳۹	۱۵,۳۱۲	۳۳,۱۲۷
۱۳۸۷	۵۶,۰۴۲	۱۸,۳۳۳	۳۷,۷۰۹
۱۳۸۸	۵۵,۲۸۷	۲۱,۸۹۱	۳۳,۳۹۶
۱۳۸۹	۶۴,۴۵۰	۲۶,۵۵۱	۳۷,۸۹۹
۱۳۹۰	۶۱,۸۰۸	۴۳,۹۷۵	۱۷,۸۳۳
۱۳۹۱	۵۳,۳۴۸	۴۱,۳۳۵	۱۲,۰۱۳
۴ ماهه اول ۱۳۹۲	۱۲,۹۰۹	۱۲,۵۳۶	۳۷۳

کالاهای وارداتی بوده است. به نظر شما افرادی که در بازار واردات کالا در سال‌های گذشته به سودهای بی حساب رسیده‌اند، اکنون نیاز دارند که دنبال کار بگردند؟

وجود دارد. نمی‌توان سیاست‌های اقتصادی نهاد دولت در سال‌های گذشته را نادیده گرفت؛ سال‌هایی که واردات کالا به زیان تولید حکمفرمایی می‌کردند. آمار گمرک جمهوری اسلامی (جدول روبرو) نشان می‌دهد که از سال ۸۴ به بعد تا پایان دولت دهم که بهترین درآمدهای نفتی به ایران می‌رسیده است، هر سال میزان واردات نیز افزایش داشته است.

واردات بی رویه کالا از یک سو اقتصاد هر کشوری را به زیان تولید بر زمین می‌زند و از سوی دیگر باعث می‌شود تا طبقه تجاری شکل بگیرند که در مقابل تولیدکنندگان ثروت‌های هنگفتی دارند. در این گروه از ثروتمندان می‌توان افرادی را به وفور یافت که در طبقه بیکارها قرار دارند. این چیزی است که کارشناسان به آن اشاره می‌کنند. جنس کالاهای وارد شده نیز این مسئله را تعیین می‌کنند که گویی تنها کسب سود ملاک بوده است. بر اساس آمار موجود در سال ۲۰۱۲ از کشور اندونزی ۵۴ هزار دسته بیل وارد کشور شده است. یعنی این کالا در ازای خروج بخش زیادی از درآمدها وارد کشور شده است. در این سال‌ها کالاهایی مثل آدامس، قلوه سنگ و حتی قاطر نیز جزو

بیکاری؛ حاصل وابستگی به ارز نفتی

حمید جعفری

که از این شعارها به وفور وجود داشت و اقتصاد ایران بیشترین درآمدهای تاریخی نفت را نیز به دست آورده بود، اقتصاد هم بیشترین و بزرگ‌ترین ضربه را از ناحیه نفت محوری متحمل شد. در این سال‌ها آن قدر درآمد نفتی وجود داشت که مدیران فکر می‌کردند با خرج کردن می‌توانند گره‌ها را باز کنند و دیگر نیازی به سختی کشیدن نیست. برای همین بخش بزرگی از دلارهای نفتی را به شکل وام در اختیار مردم قرار دادند تا برای خود شغل درست کنند، اما آیا واقعا بیکاری برطرف شد؟ در عمل دیدیم که اشتغال در همین سال‌ها بدترین روزها را تجربه کرده است و بیکاری بیش از هر وقت دیگری توانسته اقتصاد را تهدید کند. این روند بهترین مثال برای این ماجراست که ما تولیدگریز هستیم و حاضر نیستیم برای یک اقتصاد پویا سختی بکشیم. مدیران و کسانی هم که هر چهار سال یک بار وظیفه مدیریت اقتصادی کشور را بر عهده گرفته‌اند، این را فهمیدند. در واقع آن‌ها می‌دانند که چون نفت وجود دارد، نیاز نیست که نگران منابع شوند، می‌آیند و با نفت بسیاری از مشکلات را برطرف می‌کنند، اما آیا واقعا این گونه می‌توان بیکاری را ترمیم کرد. اگر این گونه است، پس چرا شر بیکاری از روی سر اقتصاد کم نمی‌شود؟ به نظر من مشکل در نحوه مدیریت اقتصاد است که گریبان برنامه‌های توسعه واقعی کشور را گرفته است.

نداشتن تولید، بیکاری روی دستمان مانده است. سال‌های متمادی یا دهه‌های متمادی می‌گذرد و همه مدیران اقتصاد بر این باور بوده‌اند که باید نفت را از اقتصاد کشور بیرون کنیم و جای آن را به تولید بدهیم، اما این آرزو هم چنان آرزو مانده است، چون کسی نمی‌تواند از درآمدهای نفتی چشم‌پوشی کند. در واقع همه این ادعا را داشته‌اند که باید نفت را از گردونه خارج کرد، ولی توان این را نداشته‌اند که چشم روی دلارهای نفتی ببندند. زندگی بدون نفت سخت بوده است و حتما می‌توانسته جایگاه مدیران اقتصاد را با خطر مواجه کند. برای همین کسی تا امروز حاضر نشده است از خیر نفت و نقشی که در اقتصاد ایفا می‌کند، بگذرد. تمام کشورهایی که در آن‌ها تولید حرف نخست را می‌زند و بیکاری مانند ایران یک کابوس نیست، در طول تاریخ متولیان اقتصاد زحمت‌های زیادی کشیده‌اند تا اقتصادی صنعتی و متکی بر سرمایه شرکت‌های خصوصی سرمایه‌گذاری بنا کنند. اما در این جا ظاهراً همیشه از این سختی فرار کرده‌ایم. در همین چند سال گذشته که بیشترین و طلایی‌ترین درآمدهای نفتی نصیب اقتصاد ایران شد، متولیان بر اقتصاد کشور حکم می‌راندند که آمده بودند تا پول نفت را بین مردم تقسیم کنند و برای همیشه از اقتصاد وابسته به نفت دور شوند. اما در عمل دیدیم در هشت سالی

سال‌هاست که ماجرای بیکاری در جامعه ایران تبدیل به یک بحران شده است و در همه دوره‌ها نیز مدیران اجرایی کشور سعی داشته‌اند تا این بحران را برطرف سازند، یا به کلامی ساده شر این بحران را از جامعه و اقتصاد ایران کم کنند. واقعیت آن است که بیکاری در بطن اقتصاد ایران نهادینه شده است و دلیل اصلی چنین پدیده نامبارکی نیز چیزی نیست جز رفتار و کردار مدیران اجرایی که توانسته‌اند طی سالیان دراز بیکاری را به یک غده همیشگی برای اقتصاد کشور تبدیل کنند. برنامه‌ریزان اقتصادی اگر طی سال‌های گذشته به این فکر می‌کردند که تولید می‌تواند هر دردی را در اقتصاد دوا کند، امروز شاهد این نبودیم که بیکاری معضل اصلی اقتصاد باشد. وقتی بیکاری از راه می‌رسد، باید در انتظار رکود و تورم و رکورد تورمی هم بود. این مسئله باعث می‌شود که بیکاری امری ترسناک برای اقتصاد محسوب شود. از یاد نبریم که برای محاسبه شاخص فلاکت یک پایه اصلی این محاسبه شاخص بیکاری است. به نظر من تمام گناه این بیکاری نیز روی دوش تولیدگریزی در اقتصاد ایران است که تصمیم‌گیران اقتصادی در ادوار مختلف همواره نقشی جدی را در این مولفه ایفا کرده‌اند. شاید اگر نفت در این کشور چنین میدان مائور و تولید انبوه درآمد را نداشت، این اتفاق نیز رخ نمی‌داد و ما امروز شاهد این نبودیم که به خاطر

نگاهی به تغییر و تحولات اقتصادی جهان

بازگشت به شاهراه‌های دیپلماسی اقتصادی

این روزها در بازارهای جهانی، روزهای شیرین ایالات متحده است. باید باور کنیم که آن‌ها بیشتر از هر وقت دیگری در چند سال گذشته خوشحال هستند، چون شاید بتوان گفت که در ده سال گذشته هیچ‌گاه اوضاع آمریکا تا به این حد خوب نبوده است. چند روز پیش یک تحلیل‌گر آسیایی در یکی از سایت‌های مالزیایی نوشته بود، باید به آمریکایی‌ها حق داد که تا این حد خوشحال هستند، چون توانسته‌اند در یک بازی اقتصاد و بلند کردن بوی نفت، دمار از اقتصاد روسیه در بیاورند. از این منظر شاید بتوان به این تحلیل‌گر آسیایی حق داد. بازی آمریکا و سعودی‌ها با نفت تا این جای کار از یک سو باعث شده تا روس‌ها در کنج قرار بگیرند و از سوی دیگر سعودی‌ها نیز این چشم‌انداز را برای خود ایجاد کرده‌اند که به واسطه آشوب نفتی بتوانند در آینده نزدیک حرف نخست را در منطق بزنند. به هر حال هر چه هست ظاهراً باید پذیرفت که آمریکایی‌ها در بازی نفتی تا این جای کار پیروز بوده‌اند و از این پس نیز به نظر می‌رسد با پیروزی بیشتری بخواهند این بازی را ادامه بدهند. چون چندی پیش آمریکایی‌ها اعلام کردند که می‌خواهند بعد از ۴۰ سال صادرات نفت خود را دوباره از سر بگیرند و روزی یک میلیون بشکه نفت راهی بازار جهانی بکنند. این تصمیم آمریکایی‌ها هیچ معنایی ندارد، جز این که باید منتظر بود تا یک گلوله نفتی دیگر به سمت شاخص‌ها و در راس آن‌ها اقتصاد روسیه شلیک شود. بازی نفت واقعاً خطرناک شده است. بسیاری بر این باورند که این نزاع نفتی شبیه نزاع روزهای جنگ سرد است، با این تفاوت که حالا اجاق نفت این سرما را تا حد زیادی گرم کرده است. از دور که نگاه می‌کنی این‌گونه به نظر می‌رسد که اتحاد آمریکایی‌ها و سعودی‌ها هیچ حدی را برای کاهش بهای نفت در نظر نگرفته است. آن‌ها به سمتی می‌روند که در آن کاهش بهای نفت تا هر میزانی دور از دسترس نیست. برخی از صاحب‌نظران بر این باورند که اگر آمریکا نفت صادر کند، امکان دارد حتی بهای نفت تا کمتر از ۳۵ دلار نیز رقم بخورد. به نظر می‌رسد باید منتظر بود و تماشا کرد، نزاع نفتی تازه به قسمت‌های عجیب خود نزدیک شده است. به‌تازگی خبرگزاری رویترز نیز در گزارشی نوشته بود که اگر عربستان به خواسته‌های ژئوپلیتیک خود برسد، می‌توان امیدوار بود که برای بازگشتن قدرت انحصاری اوپک تلاش کند، منتهی لحن این گزارش به گونه‌ای بود که این حس را تلقین می‌کرد که باید برای رسیدن چنین روزی دست به دعا برداریم. اما آیا واقعاً این دعاها می‌توانند کاری برای جریان بازی با نفت انجام دهند. در شرایط کنونی ایرانی‌ها هم به عنوان یکی از قطب‌های نفتی به گونه دیگری با این ماجرا روبه‌رو شده‌اند.

بوی خوش دلار

البته تنها نزاع نیست که باعث شده تا این روزها بوی خوشی از خوشحالی آمریکایی‌ها به مشام بازارهای جهانی برسد، دلار نیز در روزهای گذشته به جایی رسید که می‌توان گفت به یکی از دلایل اصلی شادمانی آمریکایی‌ها تبدیل شد. در آخرین روزهای سال ۲۰۱۴ تولید ناخالص ملی آمریکا آن قدر رشد داشت که برخی از نشریات آمریکایی نوشتند، کریسمس را باید به اقتصاد آمریکا تبریک گفت. تولید ناخالص ملی آمریکا در سه ماه سوم نیز ۵ درصد رشد کرد، که این پرش بیشتر از پیش‌بینی رشد ۴٫۳ درصدی در ماه ژوئن است. برای همین ارزش شاخص دلار آمریکا نیز موفق شد

یک رکورد ده ساله را پشت سر بگذارد. شاخص دلار آمریکا که ارزش آن را در برابر ۶ ارز دیگر می‌سنجد، ۰٫۳۲ درصد افزایش را مزمره کرده است، که بیشترین میزان از دسامبر ۲۰۰۵ تاکنون محسوب می‌شود. در تعطیلات کریسمس، دلار باز هم از رشد دست نکشید و در نخستین روزهای سال ۲۰۱۵ تحلیل‌گران اقتصادی پیش‌بینی کردند که دلار باز هم تعجب‌برانگیز خواهد بود. کارشناسان جهانی اقتصادی با حیرت از اوضاع خوب دلار سخن می‌گویند. حتی چند وقت پیش یک نشریه معتبر اقتصادی در دنیای غرب بزرگ تیرزه بود که باور کردنی نیست. کارشناسان این نشریه نوشته بودند، از زمان فروپاشی دیوار برلین تاکنون، وضع دلار این چنین خوب نبوده است. شاخص نقطه‌ای دلار، که از سوی بلومبرگ منتشر شده، نشان داده است که وضع این ارز در مقابل ۱۰ همتای دیگرش بهبود چشمگیری داشته است. در بازار نیویورک این شاخص ۱۱ درصد افزایش یافته و به ۱۳۰٫۶۱ رسیده است. این بیشترین افزایش سالانه ارزش دلار از ۲۰۰۴ میلادی تاکنون است. به نظر می‌رسد بسیاری از پیش‌بینی‌های قدیمی حالا به یک طنز تبدیل شده‌اند. همین چند ماه پیش و در اوج مناقشات بین‌المللی بسیاری گفته بودند که با شروع سال ۲۰۱۵ مرگ دلار نیز از راه می‌رسد اما این روزها دلار بیشتر از هر وقت دیگر مملو از زندگی شده است اما در مقابل روبل روسیه آن قدر زمین خورده است، که حتی مسئولین دولت روسیه با بالا بردن سود سپرده‌ها و سیاست تزریق ارز نیز نتوانسته‌اند در مقابل افت دلار ایستادگی کنند. دلار این روزها حرف و اول و آخر را می‌زند و بازارهای نوظهور نیز هزینه این سرکشی دلار را متحمل شده‌اند. واقعیت این است که وقتی وضع دلار به این جا می‌رسد در بازارهای نوظهور سرمایه‌ها ترجیح می‌دهند تا تخیل شوند و شکل خود را به سرمایه‌های دلاری تغییر دهند. این اتفاق دامن اقتصاد روسیه را گرفت. در این کشورها افزایش نرخ سود به عنوان یک راهکار معرفی می‌شود اما در حال حاضر به نظر می‌رسد که سرمایه‌دار شدن با دلار جذابیت فراوانی داشته است که نمی‌توان از سرعت تخریب بازارهای نوظهور کاست.

واقعیت این است که این روزها دوباره اقتصاد ایالات متحده به جایی برگشته است که با صدای بلند حرف می‌زند. تحلیل‌گران می‌گویند یک بار دیگر دوران رفاهت با آمریکا و بهره‌برداری از توسعه آمریکایی فرارسیده است. این ادعای بزرگی است که از سوی بسیاری از کشورهای مستقل مانند ایران به‌درستی پذیرفته نمی‌شود اما این نکته را نیز نباید فراموش کرد، که ظاهراً سیاستمداران زیادی به این باور رسیده‌اند که آمریکا بهترین شریک اقتصادی دنیا است. حتماً یک شریک را می‌شود تحمل کرد اما یک ارباب سرکش اصلاً قابل تحمل نیست و این چیزی است که در سرلوحه رفتار دیپلماتیک کشورهای مستقل نیز وجود دارد. سعودی‌ها به‌تازگی و در بازی نفتی نشان داده‌اند که با تکیه بر آمریکا می‌توانند شیرازه بازار نفت را به هم بریزند، چیزی که سعودی‌ها طی دهه‌ها تنها جسارت انجام آن را نداشتند. می‌توان مدعی شد سعودی‌ها وجه اربابی آمریکا را پذیرفته‌اند اما به طور حتم وجه شراکت آمریکا پتانسیل بزرگتری است که همه کشورهای باید در اتوبان دیپلماسی اقتصادی به آن توجه کنند. از این منظر نباید فراموش کرد که همه چیز با سرعت زیادی در دنیا اتفاق می‌افتد و این سرعت هر روز نیز افزایش بیشتری را مزمره می‌کند. به همین خاطر باید آستین‌ها را بالا زد. اقتصاد در جهان چند روز گذشته نشان داده که روی هیچ چیز نمی‌توان حساب کرد، مگر سودهای بزرگ که می‌توانند اقتصاد هر کشوری را متحول کنند. برای همین و به خاطر سودآوری بد نیست که دایره شراکت در کشورها الگوهای خود را نوآوری کنند. برای این کار بهترین اتفاق این است که کشورهایی که در ایجاد شراکت با قطب‌های بزرگ اقتصادی دچار مشکل هستند، شرکت‌های سرمایه‌گذاری و کارتل‌های خصوصی خود را به عنوان سفرای اقتصادی و سخنگویان اقتصادی راهی اتوبان دیپلماسی جهانی کنند. دیپلماسی در دنیای امروز به یک دیپلماسی اقتصادی تبدیل شده است. کارشناسان می‌گویند رمز پیروزی آمریکایی‌ها که می‌توانند یک مرتبه بازار نفت را زمین گیر و دلار را صعودی کنند، نحوه استفاده از همین دیپلماسی است.



بهبود شاخص‌های
اقتصادی باید در
معیشت مردم دیده شود؛

اگر بورس

قلک‌ملی بود...

طبقه‌های مختلف مردم به شما قول می‌دهم که اگر یارانه‌ها این‌گونه در اختیار مردم توزیع نمی‌شد، آن‌ها هیچ‌گاه با مشکل اقتصادی مواجه نمی‌شدند. دولت از یک سو ۴۵ هزار تومان یارانه می‌داد و از سوی دیگر به خاطر ناکارآمدی باعث شد تا چند برابر این رقم به خاطر گرانی هر ماه از بودجه مردم کم شود. اگر عقلانیت اقتصادی وجود داشت، این ۴۵ هزار تومان‌ها به جای آن که در اختیار مردم قرار می‌گرفت، به تولید و صنعت داده می‌شد.»

کرمانی می‌گوید: «برای دولت بیشتر مهم این بود که مردم ببینند به آن‌ها پول داده می‌شود. این اتفاق براساس یک تحلیل سیاسی شکل گرفت. اگر این ۴۵ هزار تومان‌ها به بورس می‌آمد و صرف سرمایه‌گذاری‌های مفید اقتصادی می‌شد، آن وقت شما مشاهده می‌کردید که امروز اقتصاد ایران چقدر شکوفایی شد.»

بورس فدای بازارهای دیگر شد

سخنان کرمانی را با یکی دیگر از فعالان بورسی در میان می‌گذاریم. او می‌گوید: «بورس گویای ضربان و تنفس اقتصاد کشور است. در چند سال گذشته به بازار سرمایه نگاه کنید، آن وقت می‌بینید که در اقتصاد ایران چه اتفاق‌هایی رخ داده است. به جرات می‌توان

کشور خود را نشان نمی‌دهد. چرایی این ماجرا را این بار با فعالان بازار سرمایه در میان گذاشتیم. بدون شک این فعالان اقتصادی به واسطه آن‌که در بورس (به عنوان هسته سرمایه‌گذاری و قلب تپنده اقتصاد کشور) فعالیت می‌کنند نبض اقتصاد ایران را به خوبی می‌شناسند. از آن‌ها پرسیدیم چرا اقتصاد ایران این‌گونه شد و چرا اگر تغییر فاز می‌دهد، حرکت مثبت آن به خوبی قابل روایت نیست؟

درد اصلی اقتصاد

رضا کرمانی خود را فعال بورسی معرفی می‌کند و می‌گوید که هر روز نزدیک چهار ساعت از وقت خود را در تالار بورس و در گفت‌وگو با تحلیل‌گران بورسی اقتصاد می‌گذرانند. او می‌گوید: «عقلانیت اقتصادی در سال‌های گذشته وجود نداشته است، چون کسانی مدیریت اقتصاد را بر عهده داشتند که اغلب به جای آن‌که اقتصاد برای آن‌ها مهم باشد، بازی‌های سیاسی برای آن‌ها مهم بوده است. اگر این‌گونه نبود، دولتی‌ها هیچ‌گاه به سادگی حاضر نمی‌شدند منابع اقتصادی را به جای سرمایه‌گذاری وسیع، به صورت پرداخت‌های نقدی بین مردم تقسیم کنند.» او توضیح می‌دهد: «با نگاهی کلی به جمعیت و

اقتصاد ایران روزهای پرتلاطمی را در سال‌های گذشته پشت سر گذاشته است و اکنون نیز به نظر می‌رسد هنوز تاوان نوع مدیریتی را می‌دهد که در چند سال گذشته سکان اقتصاد ایران را در اختیار داشت. قبل از این که دولت یازدهم اتاق مدیریت اقتصادی کشور را از آن خود کنند، بسیاری بر این باور بودند که به دلیل خسارت‌های جدی که به اقتصاد وارد آمده است، این دولت سخت‌ترین کار را نسبت به دولت‌های قبلی دارد و به نظر می‌رسد این تحلیل تا حد زیادی با انصاف همراه است، چون وقتی دولت یازدهم روی کار آمد، اقتصاد ایران از یک سو گرفتار کسر شدید منابع بود و از سوی دیگر پدیده‌هایی مثل نقدینگی غیر مولد، تورم، رکود و بی‌کاری، رمق اقتصاد را گرفته بودند. به‌هرحال مدیران اقتصادی توانسته‌اند در یک سال گذشته بسیاری از دشواری‌ها را در اقتصاد کشور کنار بزنند. رشد اقتصاد ایران در سال‌های ۸۴ تا ۹۲ از مثبت ۶ درصد به منفی ۶ درصد سقوط کرده بود. فراموش نکنید این سال‌ها بهترین سال‌های نفتی ایران نیز محسوب می‌شوند ولی در همین یک سال گذشته، مسئولین دولتی توانسته‌اند رشد اقتصاد را به ۴ درصد مثبت برگردانند. مشکل این‌جاست که تاثیر این رشد اقتصادی هنوز به‌وضوح در اقتصاد

گفت که به خاطر مدیریت ضعیف اقتصاد کشور و فرار سرمایه‌ها به بازارهای حاشیهای، بورس فدای سایر بازارها شد در صورتی که در همه جای دنیا بورس و بازار سرمایه را روی سر اقتصاد می‌گذارند چون در بازار سرمایه است که سرمایه‌ها می‌توانند به‌درستی حرکت کنند و به بخش‌های واقعی اقتصاد



تزیق شوند.»

وی ادامه می‌دهد: «طرح‌هایی در اقتصاد کشور کلید خورد که دلالتی و واسطه‌گری را با سود کلان همراه کرد. در بهترین حالت همه به سمت واردات رفتند چون وارد کردن کالا از تولید کالا بسیار ساده‌تر شد. در چنین فضایی معلوم است که با بورس شکل نمی‌گیرد یا به میدان برای مانور شرکت‌های بزرگ رانتهی تبدیل می‌شود. این شرکت‌ها نیز هر وقت بخواهند بورس را نگه می‌دارند و هر وقت نخواهند رها می‌کنند.»

این فعال بازار سرمایه ادامه می‌دهد: «بورس به هیچ‌کس و هیچ نهادی نباید وابسته باشد. اگر فضا برای بازار سرمایه باز باشد، همه به سمت این فضا می‌آیند اما وقتی اقتصاد به گونه‌ای مدیریت شوند که همه از معلم تا بقال و از دکتر تا مهندس، فعال بازار ارز شوند و در چهارراه استانبول قدم بزنند، معلوم است که کسی سراغ بورس نمی‌آید. به نظر من دولت یازدهم باید وقت بیشتری صرف بورس کند. باید از همه‌اندیشمندان و کسانی که صاحب ایده هستند دعوت کنند تا راهبرد ورود مردم به بورس طراحی شود.»

وی می‌گوید: «بانک‌ها نشان دادند که در تامین مالی منابع مورد نیاز بخش‌های مولد، نقش مناسبی ایفا

نکردند و با پول مردم بنگاهداری کردند. خود دولت نیز این مسئله را دریافت و که باید بورس قدرت نخست اقتصاد باشد.»

علی موسیوند، یکی دیگر از فعالان بورس نیز این سخنان را تایید می‌کند. او می‌گوید: «بدون تعارف و کاملاً جدی می‌گویم، دولتی‌ها باید از فعالان بورسی دعوت کنند تا آن‌ها در اتاق‌های فکر دولت حضور یابند. شرکت‌های مطرح و خصوصی سرمایه‌گذاری در بورس، به خوبی می‌توانند همه جوانب اقتصاد کشور را طراحی کنند و برای خروج از بن‌بست‌ها طرح و ایده ارائه دهند.»

بورس به هیچ‌کس و هیچ نهادی نباید وابسته باشد. اگر فضا برای بازار سرمایه باز باشد، همه به سمت این فضا می‌آیند اما وقتی اقتصاد به گونه‌ای مدیریت شود که همه از معلم تا بقال و از دکتر تا مهندس، فعال بازار ارز شوند و در چهارراه استانبول قدم بزنند، معلوم است که کسی سراغ بورس نمی‌آید

وی ادامه می‌دهد: «تشکل‌های اقتصادی حتماً می‌توانند بار زیادی از روی دوش دولت بردارند، منتهی باید توجه کرد که این تشکل‌ها به دولت وابسته نباشند. جاهایی مثل اتاق‌های بازرگانی، بیشتر از آن که بخواهند وابسته به بخش خصوصی باشند، وابسته به دولت هستند از سوی دیگر اکثر آن‌ها تجار و واردکنندگان هستند. جای تولیدکنندگان در این نهادها خالیست. برای همین دولتی‌ها باید سراغ بزرگان بورس بیایند. البته بزرگانی که واقعا بازار سرمایه و نحوه تامین بهینه مالی را می‌شناسند نه بزرگانی که در بورس وابستگی‌های سیاسی را نمایندگی کنند.»

موسیوند می‌گوید: «بورس؛ جعبه تقسیم اقتصاد کشور است و در این جا شاخص‌ها با اتکا به تحلیل‌ها و آنالیز سیستماتیک حرکت می‌کنند. برای همین قبل از هر اتفاقی شما می‌توانید ببینید که فعالان بازار سرمایه بسیاری از کنش و واکنش‌های اقتصادی را پیش‌بینی می‌کنند.»

راه غلبه بر آثار خرابی‌ها

اما همه این فعالان بورسی در نهایت معتقدند که اگر رشدی هم در اقتصاد به وجود آمده، به خاطر این دیده نمی‌شود که هسته‌های اصلی اقتصاد هنوز نتوانسته‌اند این رشد را به تصویر بکشند.

رضا کرمانی می‌گوید: «فارغ از همه این‌ها نباید این نکته را فراموش کرد که در اقتصاد ایران حرکت مثبتی شکل گرفته است اما اگر این حرکت مثبت دیده نمی‌شود،

دو دلیل عمده دارد یکی این‌که این تحرک مثبت در زندگی مردم نقش تعیین‌کننده‌ای ندارد و زمان می‌برد تا معیشت مردم را تحت تاثیر قرار دهد و دیگر این‌که آثار خرابی‌ها در اقتصاد ایران طی هشت سال به این سادگی نمی‌گذرانند تا پدیده‌هایی مثل رشد ۴ درصدی اقتصاد خود را نشان دهد.»

به باور این کارشناس بورسی: «دولت اگر می‌خواهد زودتر نتیجه فعالیت‌هایش قابل لمس باشد، باید هسته‌های اصلی اقتصاد مثل بورس‌ها را به جایی برساند که آن‌ها با جلب مشارکت مردم همه را در این موج مثبت شریک کنند. واقعیت آن است که بازارهای حاشیهای هر چقدر هم که با مردم در تماس باشند، این قدرت را ندارند که موج مثبت اقتصاد را فراگیر کنند. آن‌ها در واقع خود از عوامل خرابی‌های اقتصادی هستند.»

یک فعال دیگری بورسی نیز در این باره می‌گوید: «مگر چقدر از مردم به صورت جدی درگیر اقتصاد هستند، که بتوانند مثلاً رشد ۴ درصدی اقتصاد را مشاهده کنند. آن‌ها به خاطر افت معیشت و قدرت خریدشان چند سال به وضوح می‌دیدند که اقتصاد مسئله دارد اما حالا در کجا باید ببینند که همه چیز در حال تغییر است. اگر کار به گونه‌ای جلو رفته بود که مردم شریک این تحول باشند، آن وقت ماجرا تا حد زیادی فرق می‌کرد. اما گذرگاه‌های شراکت همچنان به کارآمدی نرسیده‌اند.»

وی می‌گوید: «بازار سرمایه بهترین جا برای این است که مردم شریک مولد اقتصاد باشند اما در چند سال گذشته به گونه‌ای رفتار نشد که بازار سرمایه جایگاه اصلی خود را در اقتصاد به دست بیاورد. سرمایه‌ها باید به بورس و شرکت‌های سرمایه‌گذاری بیایند و از آن جا با عقلانیت در بخش‌های مولد اقتصاد تقسیم شود. اگر این گونه باشد، به واسطه بورس، اقتصاد در میان مردم بالنده می‌شود. ولی این جایگاه در اقتصاد ایران شکل نگرفته است. در اقتصاد ایران معمولاً سرمایه‌ها یا سمت دلالتی می‌روند یا به بانک‌ها سرازیر می‌شوند و بانک‌ها آن‌ها را صرف بنگاهداری می‌کنند یعنی بدترین مسیر ممکن برای سرمایه‌ها وجود دارد. بیره نیست که مردم هیچ رشد مثبتی را باور نمی‌کنند.»

آخرین برده

به نظر می‌رسد باید به این کارشناسان و فعالان بازار سرمایه حق داد. بدون شک در اقتصاد ایران پیچ بزرگی وجود دارد که در خود پیچ‌های بزرگ دیگری را نیز پرورش می‌دهد، برای همین همه چیز در هم گره خورده است و کسی نمی‌تواند به سادگی هر حرکت مثبتی را ببیند. اتفاقات مثبت باید در معیشت مردم بازار سرمایه در همه جای دنیا برای این است که چنین پیچ‌هایی را باز کند و مسیر اتلاف منابع را مسدود کند اما در ایران معلوم نیست که چرا بازار سرمایه آن‌طور که باید مورد حمایت قرار نمی‌گیرد. اگر این حمایت وجود داشت، امروز بازار سرمایه بزرگترین قلک ملی کشور بود؛ قلکی که سرمایه‌های عمومی را صرف توسعه واقعی می‌کرد. آیا این قلک می‌تواند پا بگیرد؟

سیستم بهایابی در شرکت‌ها بر مبنای فعالیت

سید اصغر ابن الرسول

مدل‌های بهایابی سنتی برای شرایط موجود در دهه‌های گذشته طراحی شده‌اند. تکنولوژی محدود، شرکت‌های تک‌محصولی و سهم کم‌هزینه‌های سربار، از ویژگی دهه‌های قبل به شمار می‌روند. تغییرات محیط تجاری شرایط را تغییر داده و باعث بروز مشکلاتی در مدل بهایابی سنتی گردیده است. این مدل‌ها برای شرکت‌هایی مناسب هستند که تعداد و تنوع محصولات زیادی ندارند. زمانی که یک شرکت مدل بهایابی سنتی را برای تعداد زیادی محصول به کار می‌گیرد، نتیجه‌ای به غیر از تحریف اطلاعات بهای تمام‌شده نخواهد داشت. در مدل‌های بهایابی مبتنی بر حجم، برای تخصیص هزینه‌های سربار، از یک محرک هزینه از پیش تعیین‌شده مانند ساعات کار مستقیم به عنوان نرخ جذب سربار استفاده می‌شود. با وجودی که در این مدل تخصیص هزینه‌ها آسان و سریع است، اما بهای تمام‌شده صحیح و واقعی محصولات و خدمات را به درستی منعکس نمی‌کند. با کاهش نقش دستمزد مستقیم در فرآیند ساخت، مدل‌های تخصیص هزینه که بر اساس ساعات کار مستقیم هستند، برای محاسبات بهای تمام‌شده مناسب نخواهند بود و نیاز به مدل‌های نوین بهایابی از پیش محسوس است.

در دهه‌های اخیر، پیشرفت فن‌آوری اطلاعات، سبب توسعه قابل توجهی در جمع‌آوری و مبادله اطلاعات هزینه در سازمان‌ها گردیده است. همگام با این تغییرات، حسابداری نیز به عنوان بخش مهمی از یک سیستم اطلاعاتی مواجه با تحولاتی مشابه بوده است. در واقع، اطلاعات هزینه‌ای و بهای تمام‌شده فراهم شده توسط سیستم‌های اطلاعاتی حسابداری، به عنوان ابزاری جهت برنامه‌ریزی، کنترل و ارزیابی عملیات توسط مدیران است. این سیستم‌ها زمانی می‌توانند به مدیریت در انجام وظایف محوله یاری رسانند، که اطلاعات هزینه‌ای صحیح و قابل اتکا در اختیار مدیران قرار دهند. بنابراین مدیران در انتخاب سیستم‌های بهایابی به منظور محاسبه بهای تمام‌شده محصولات و خدمات باید توجه خاصی داشته باشند.

انتخاب و به کارگیری سیستم بهایابی مناسب و صحیح برای محاسبه بهای تمام‌شده محصولات در شرکت‌ها و سازمان‌ها از دشواری ذاتی برخوردار است و شرکت‌هایی که در این زمینه به دنبال نوآوری نیستند، با مسائل عدم کارایی مواجه می‌شوند، زیرا سیستم‌های سنتی قابلیت محاسبه اطلاعات هزینه‌ای درست را دارا نیستند.

بهایابی بر مبنای فعالیت (ABC)

تعریف ABC

در ادبیات حسابداری، تعاریف مختلفی از بهایابی بر مبنای فعالیت ارائه شده است.

هیلتون می‌نویسد: «بهایابی بر مبنای فعالیت روشی است که در آن هزینه‌ها بر مبنای نسبت سهم فعالیت‌های صرف‌شده به وسیله هر محصول، از یک مخزن هزینه به محصولات مختلف تخصیص داده می‌شود.»

می‌هرودیکین نیز معتقدند: «بهایابی بر مبنای فعالیت یک روش بهایابی است، که بهای تمام‌شده محصولات را از جمع بهای فعالیت‌هایی که منجر به ساخت محصول می‌شوند به دست می‌آورد.»

از دیدگاه چات چین و فرانتی: «بهایابی بر مبنای فعالیت، یک نوع مدل بهایابی

است که با شناسایی مخازن

هزینه یا مراکز فعالیت در

یک سازمان، به تخصیص

هزینه‌ها به محصولات و

خدمات بر مبنای تعدادی از

رویدادها یا مبادلات دخیل

در فرایند ارائه محصول یا خدمت اقدام می‌کنند.»

ظهور مدل بهایابی بر مبنای فعالیت

اولین بار مدل بهایابی بر مبنای فعالیت، در منابع

مدرسه تجاری هاروارد معرفی گردید. در اوایل

دهه ۱۹۸۰، برخی از محققان در دانشگاه هاروارد

به بررسی تغییرات کلی در صنایع آمریکا علاقه‌مند

شدند. در آن زمان صنایع آمریکا در حال تجربه

تغییرات بی‌سابقه‌ای بود که ناشی از تهدیدات منتج

از رقابت شدید بود. شرکت‌های تولیدی ژاپنی رقابت

فزاینده‌ای را به دلیل رویکردهای جدید در زمینه

تکنولوژی‌های پیشرفته تولید، سیستم‌های تولید

به‌هنگام و مدیریت کیفیت جامع ایجاد کرده بودند. در

سال ۱۹۸۴، کاپلان ارزیابی منتقدانه‌ای از حسابداری

سنتی در محیط رقابتی جدید انجام داد. ناکارآمدی

سیستم‌های بهایابی سنتی، استفاده نادرست

از معیار نرخ بازگشت سرمایه و تسلط تفکر حسابداری مالی در شرکت‌ها، سه مشکلی بودند که کاپلان آن‌ها را شناسایی کرده بود.

کاپلان در یکی از مهم‌ترین مقالات خود به نام «ضعف حسابداری: ناکارآمدی سیستم‌های بهایابی

حسابداری»، دلایل ضعف حسابداری را بیان

می‌کند. وی در این مقاله دلایل اساسی این ضعف

را، سیستم‌های حسابداری کامپیوتری پیچیده، تاکید

حسابداران مدیریت بر جنبه مالی حسابداری و عدم



علاقه‌مندی مدیران ارشد به سیستم‌های حسابداری مدیریت پاسخگو و مرتبط ذکر می‌کند. این عوامل اهمیت مدل بهایی بر مبنای فعالیت را زیاده‌تر می‌کنند. [۶]

با برجسته شدن محدودیت‌های سیستم‌های بهایی سنتی در تخصیص هزینه‌های سربار، کوپر و کاپلان، براساس مطالعات خود به نتایجی در شرایط بازار متغییر دست یافتند. کوپر به این نتیجه رسید که شرکت‌هایی که مواجه با سطح بالایی از رقابت و ترکیبی از محصولات مختلف هستند، احتمالاً به مقدار بیشتری از اطلاعات هزینه مشخص منفعت می‌برند و استفاده از این سیستم‌ها از لحاظ هزینه‌ای می‌تواند برای آن‌ها مؤثر باشد. در همین حال، کاپلان بیان کرد که بسیاری از شرکت‌ها برای برآورده کردن نیازهای مختلف خود از قبیل ارزیابی موجودی‌ها و گزارشگری مالی، بهایی کالاها و خدمات و فراهم کردن بازخورد عملیاتی برای کارکنان صنفی خود، تنها از یک سیستم بهایی استفاده می‌کنند. اما در یک محیط جهانی پیشرفته و با وجود تنوع محصولات و فرایندها و نگرانی برای برتری در رقابت، یک سیستم بهایی برای تأمین نیاز همه شرکت‌ها کافی نیست. کاپلان و کوپر برای اثبات این که اهداف مدیریت و تنوع ترکیب محصولات، محدوده پیچیده‌ای را در محیط رقابتی تعیین می‌کنند، به مطالعه موردی چند شرکت مهم پرداختند. براساس نظر آنان، شرایط رقابتی شرکت‌ها را وادار به استفاده از مدل بهایی بر مبنای فعالیت می‌کند.

مطالعات محقق دیگری به نام توماس جانسون، در توسعه سیستم‌های حسابداری بسیار مؤثر بود. یکی از مهم‌ترین مطالعات او، گزارش پژوهشی او برای شرکت وایره‌وسر بود. ایده مهم مقاله جانسون کاملاً متفاوت از مقالات دانشگاه هاروارد بود و تأکید بیشتری بر مدیریت فعالیت‌ها داشت اما مقالات دانشگاه هاروارد بر اندازه‌گیری صحیح‌تر بهای تمام‌شده محصولات متمرکز بود.

کاپلان و جانسون در کتابی با عنوان زبان مربوط در سال ۱۹۸۷ مدل بهایی بر مبنای فعالیت را به عنوان یک جایگزین برای مدل‌های بهایی سنتی معرفی کردند. در آن زمان مدل‌های حسابداری سنتی در فراهم کردن اطلاعات مربوط برای محاسبه بهای تمام‌شده محصولات و ارزیابی عملکرد در محیطی با تغییرات فن‌آوری سریع، رقابت شدید و انقلاب پردازش اطلاعات با شکست مواجه شده بودند. ابتدا مدل پیشنهادی کاپلان و جانسون در شرکت‌های تولیدی و برای کاهش هزینه‌های تولید پیشنهاد گردید. بعد از پذیرش این مدل توسط شرکت‌های تولیدی، صنایع خدماتی نیز این مدل را به عنوان یک روش بهبودیافته برای محاسبه هزینه‌ها در نظر گرفتند.

ساختار مدل بهایی بر مبنای فعالیت

از آن جا که بهایی بر مبنای فعالیت می‌تواند اطلاعات صحیح‌تری در خصوص هزینه‌های محصول ارائه دهد، طی سال‌های اخیر توجه زیادی را به خود جلب کرده

است. از دیدگاه حسابداری صنعتی، بهایی بر مبنای فعالیت را می‌توان بسط تکامل‌یافته‌ای از روش تخصیص دو مرحله‌ای هزینه تلقی کرد، که شالوده سیستم‌های نوین حسابداری صنعتی است. در مرحله اول این روش، هزینه‌های غیر مستقیم منابع به مخازن هزینه تخصیص می‌یابد و در مرحله دوم، هزینه‌های انباشته‌شده در مراکز هزینه به محصولات یا به سایر موضوعات هزینه تخصیص داده می‌شود. تخصیص طبق مرحله اول معمولاً برای ارزیابی عملکرد مدیر مسئول مرکز هزینه و تخصیص طبق مرحله دوم برای تعیین بهای تمام‌شده محصولات به کار می‌رود.

سطوح فعالیت در مدل بهایی بر مبنای فعالیت

مدل بهایی بر مبنای فعالیت، بر فعالیت‌هایی تأکید دارد، که برای تولید محصولات باید انجام شود. هزینه فعالیت‌ها با توجه به میزان استفاده هر محصول از فعالیت‌ها، به محصولات تسهیم می‌شود. مدل بهایی بر مبنای فعالیت، چهار طبقه فعالیت

مدل بهایی بر مبنای فعالیت، یک روش بهایی است که در آن ابتدا هزینه‌های سربار را به فعالیت‌ها و سپس براساس استفاده هر یک از موضوعات بهایی از فعالیت‌ها، هزینه آن‌ها را به مشتریان تخصیص می‌دهند

واحد محصول، سطح دسته محصول، سطح محصول و سطح کارخانه. هزینه‌های سه طبقه اول فعالیت‌ها، با استفاده از محرک‌های فعالیت که تابع گرایش و تغییر پذیری هزینه‌های مورد تخصیص است، به محصولات تولیدی تخصیص داده می‌شود، اما هزینه‌های سطح کارخانه به عنوان هزینه‌های دوره تلقی شده یا بر مبنای اختیاری به محصولات تسهیم می‌شود.

مراحل اجرایی مدل بهایی بر مبنای فعالیت

مدل بهایی بر مبنای فعالیت، یک روش بهایی است که ابتدا هزینه‌های سربار را به فعالیت‌ها و سپس براساس استفاده هر یک از موضوعات بهایی از فعالیت‌ها، هزینه آن‌ها را به محصولات، سفارشات یا مشتریان تخصیص می‌دهند. برای اجرای مدل بهایی بر مبنای فعالیت، می‌توان از مراحل زیر تبعیت کرد:

شناسایی فعالیت‌های مختلف. تخصیص هزینه‌های سربار به فعالیت‌های مختلف با استفاده از محرک منابع. شناسایی محرک فعالیت برای هر فعالیت. تعیین نرخ محرک فعالیت از تقسیم کل هزینه‌های فعالیت بر ظرفیت عادی محرک فعالیت. محاسبه هزینه هر موضوع بهایی از حاصل ضرب نرخ محرک هزینه در مصرف محرک هزینه.

مقایسه سیستم سنتی با سیستم ABC

در جدول صفحه بعد تفاوت‌های عمده روش ABC را با سایر روش‌های بهایی سنتی (مثلاً بهایی سفارش کار یا مرحله‌ای با استفاده از نرخ سربار یکپارچه، یا نرخ سربار از قبل تعیین‌شده ب اساس هزینه کار مستقیم یا ساعات کار ماشین‌آلات) نشان می‌دهد.

چالش‌های پیش روی مدل بهایی بر مبنای فعالیت

مدل بهایی بر مبنای فعالیت با داشتن ساختار جذاب و ارزشمند توسط سازمان‌ها به طور عمومی پذیرفته نشده است. نتایج یک تحقیق درباره میزان پذیرش ابزارهای مدیریتی، نشان می‌دهد که این میزان در مدل بهایی بر مبنای فعالیت در حد متوسط بوده است. چنین نرخ پذیرش پایین برای مدلی که به شرکت‌ها بینشی درباره هزینه و قابلیت سودآوری محصولات، فرآیندها، خدمات و مشتریان می‌دهد، شگفت‌آور است.

واقعیت آن است که در پیاده‌سازی و اجرای سیستم‌های بهایی بر مبنای فعالیت، باید محافظه‌کارانه و هوشمندانه عمل کرد، زیرا هرگونه غفلت و در نظر نگرفتن شرایط و عوامل مؤثر در پیاده‌سازی، استقرار و اجرای سیستم بهایی بر مبنای فعالیت، باعث دور شدن از میزان موفقیت و اهداف در نظر گرفته شده می‌گردد.

مهم‌ترین دلیل برای عدم به کارگیری مدل بهایی بر مبنای فعالیت، آن است که منافع دریافت‌شده حاصل از مدل، هزینه به کارگیری آن را توجیه نمی‌کند. همچنین عامل مهم دیگر، وجود این تصور در ذهن مدیران بوده که بهبود کنترل هزینه‌ها توسط مدل بعید است. برخی از شرکت‌ها به دلیل مقاومت‌های سازمانی و رفتاری

مختلف را شناسایی می‌کند:

فعالیت‌های سطح واحد محصول ۱، که با هر بار تولید یک واحد محصول انجام می‌شود.

فعالیت‌های سطح دسته محصول ۲، که با هر بار تولید یک دسته یا مقدار معینی از محصول، انجام می‌شود.

فعالیت‌های سطح محصول ۳، که براساس نیاز پشتیبانی تولید انواع محصولات مختلف، اجرا می‌شود.

فعالیت‌های سطح کارخانه ۴، که فرآیند عمومی تولید کارخانه را پشتیبانی می‌کند.

با توجه به مدل چهار طبقه‌ای سلسله‌مراتب فعالیت‌ها، مدل بهایی بر مبنای فعالیت تولیدی به شرح زیر تعریف می‌شود:

مدل بهایی بر مبنای فعالیت تولیدی، فعالیت‌های عمده تولید را شناسایی و سپس در یکی از چهار طبقه زیر طبقه‌بندی می‌کند: فعالیت‌های سطح

مقایسه سیستم سنتی با سیستم ABC

روش‌های سنتی

- 1- هدف اصلی آن‌ها ارائه اطلاعاتی در زمینه سودآوری است.
- 2- برای جریان‌های تولیدی ساده، استاندارد معمولی به کار گرفته می‌شود.
- 3- بهای تمام‌شده محصول را با استفاده از مواد اولیه مستقیم، دستمزد مستقیم و سربار کارخانه محاسبه می‌کنند و رسماً اثرات تکنولوژی پیشرفته را منظور نمی‌کنند.
- 4- بهای تمام‌شده را برای یک دایره، محصول یا خدمت بدون توجه مستقیم به فعالیت‌های لازم جهت تولید و توزیع محاسبه می‌کنند.
- 5- دارای یک یا حداکثر چند مرکز هزینه برای تخصیص هزینه‌ها در سطح شرکت یا دایره هستند.
- 6- از یک مبنا (معمولاً هزینه دستمزد مستقیم یا ساعات کار ماشین‌آلات) یا حداکثر چند مبنا جهت تقسیم هزینه‌های سربار کارخانه استفاده می‌کنند.
- 7- از مبانی تقسیم سرباری استفاده می‌کنند، که الزاماً براساس روابط علت و معلولی تمام اقلام سربار سازمان نیستند.
- 8- اکثراً از مبنای مالی، جهت تقسیم هزینه‌های سربار استفاده می‌کنند.
- 9- هزینه‌ها را به دو گروه «هزینه‌های محصول» و «هزینه‌های دوره» تقسیم می‌کنند. همچنین هزینه‌های ثابت را از هزینه‌های متغیر متمایز می‌سازند.
- 10- می‌توانند برای تصمیم‌گیری مدیران گمراه‌کننده باشند.
- 11- جهت برنامه‌ریزی و کنترل مدیران، چندان مناسب و دقیق نیستند.

روش ABC

- 1- هدف اصلی آن ارائه اطلاعاتی در زمینه‌های سودآوری، رضایت مشتریان و رقابت در سطح بین‌المللی است.
- 2- برای جریان‌های تولیدی ساده، پیچیده و غیراستاندارد کاربرد دارد.
- 3- بهای تمام‌شده را با استفاده از مواد اولیه مستقیم و سربار کارخانه (یا هزینه‌های تبدیل) محاسبه می‌کند و هزینه‌های مربوط به تکنولوژی، کنترل کیفیت و رقابت در سطح جهانی را در نظر می‌گیرد.
- 4- جهت محاسبه بهای تمام‌شده، رابطه علیت بین فعالیت‌های لازم جهت تولید و توزیع محصول یا خدمت و ارزش اقتصادی منابع به کار گرفته شده را به طور مستقیم و با مبالغ کمی ایجاد می‌کند.
- 5- از مراکز هزینه‌های متعدد که با توجه به میزان فعالیت‌ها تعیین می‌گردند، استفاده می‌کند.
- 6- از مبنای مناسبی برای هر مرکز فعالیت هزینه استفاده می‌کند و دارای مبنای چندگانه است.
- 7- برای هر فعالیت، صرفاً براساس روابط علت و معلول، مبنای مقتضی تسهیم سربار کارخانه را تعیین و مورد استفاده قرار می‌دهد.
- 8- از مبنای مالی و غیر مالی جهت تقسیم هزینه‌های سربار بهره می‌گیرد.
- 9- کلیه هزینه‌ها را «هزینه محصول» تلقی می‌کند و با توجه به دید بلندمدت، کلیه هزینه‌ها را «متغیر» در نظر می‌گیرد.
- 10- اتخاذ تصمیم‌گیری‌های صحیح و مناسب را با استفاده از اطلاعات سیستم حسابداری مدیریت ممکن می‌سازد.
- 11- برای برنامه‌ریزی و کنترل بسیار مناسب است و اطلاعات دقیق را در این زمینه فراهم می‌سازد.

بسیاری از مدل‌ها محلی بوده و نگرش کاملی از فرصت‌های سودآوری کل شرکت را فراهم نمی‌کند. به منظور انطباق با تغییرات محیط، به سهولت نمی‌توان مدل را به‌هنگام کرد. مدل ظرفیت بلااستفاده بالقوه را در نظر نمی‌گیرد و این موضوع از لحاظ مبانی نظری صحیح نیست.

تلاش‌ها برای ساده‌سازی مدل بهایابی بر مبنای فعالیت

با وجود سادگی مفهوم بهایابی بر مبنای فعالیت، به کارگیری و اجرای آن توسط سازمان‌ها پیچیده و پرهزینه است. هر سازمان باید اطلاعات زیادی را درباره تمامی منابع، فعالیت‌ها و محرک‌های وابسته با آن‌ها شناسایی کند، که تعداد آن‌ها بالغ بر صدها محرک و فعالیت می‌گردد. در نتیجه، اگرچه مدل بهایابی بر فعالیت اطلاعات صحیح‌تری را فراهم می‌کند، اما به دلیل اندازه، پیچیدگی و هزینه این مدل، توسط سازمان‌ها و شرکت‌ها به طور گسترده پذیرفته نشده است. به منظور حل مشکلات به کارگیری مدل بهایابی بر مبنای فعالیت سنتی، محققین در دو دهه اخیر تلاش‌هایی را برای ساده‌سازی بهایابی بر مبنای فعالیت آغاز کرده‌اند.

براساس مدل ساده‌شده‌ای که باباد و بالاچاندان در سال ۱۹۹۳ ارائه کردند، ابتدا زیرمجموعه‌ای بهینه از محرک‌های مدل کامل بهایابی بر مبنای فعالیت، به

که همراه با ظهور هر ایده جدید است، مدل بهایابی بر مبنای فعالیت را نپذیرفتند یا پس از به کارگیری آن را رها کردند. اما اغلب مقاومت‌ها در عدم پذیرش و نگهداری مدل، منطقی بوده است. ساخت اغلب مدل‌های بهایابی بر مبنای فعالیت سنتی پرهزینه، نگهداری آن‌ها سخت و تغییر آن‌ها مشکل است. صحت تخصیص‌های هزینه، که براساس برآوردهای ذهنی افراد درباره درصد زمان صرف‌شده آن‌ها روی فعالیت‌های مختلف انجام می‌گیرد، مورد تردید است. همچنین بسیاری از مدیران بر این نظرند، که مدل از صحت کافی برای کاهش پیچیدگی عملیات واقعی برخوردار نیست. نهایتاً، یک مشکل بسیار جدی از خود فرایند مصاحبه به وجود می‌آید. اغلب افراد مخاطب فرایند مصاحبه، تقریباً هیچ درصدی از زمان مصرفی خود را به صورت بلااستفاده در نظر نمی‌گیرند و به این دلیل تقریباً تمام مدل‌های سنتی، نرخ‌های محرک هزینه را به این صورت محاسبه می‌کنند که منابع در ظرفیت کامل کار می‌کنند، در صورتی که این نرخ‌ها باید در ظرفیت عملی محاسبه شوند. به طور خلاصه، به کارگیری مدل بهایابی بر مبنای فعالیت سنتی با مشکلات زیر مواجه بوده است:

فرایند بررسی و مصاحبه، زمان بر و پرهزینه است. اطلاعات مدل ذهنی و ارزیابی صحت آن مشکل است. ذخیره‌سازی، پردازش و گزارشگری اطلاعات پرهزینه است.

منابع فارسی:

- [۱]. طالب‌نیا، قدرت‌اله و دیگران، (۱۳۹۱)، بررسی اولویت عوامل مؤثر در پیاده‌سازی و اجرای سیستم بهایابی بر مبنای فعالیت، با استفاده از فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی، تحقیق موردی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران - گروه محصولات شیمیایی، تحقیقات حسابداری و حسابداری، تهران، سال چهارم، شماره سیزدهم، صص ۷۸-۹۵
- [۲]. کوپر، رابین و دیگران، (۱۳۸۱)، بهایابی بر مبنای فعالیت، عزیزی، احمد، مدرس، احمد، سازمان حسابداری، چاپ دوم.
- [۳]. میزایی کلانی، مقصود، (۱۳۹۰)، بررسی به کارگیری بهایابی بر مبنای فعالیت زمان‌گرا در شرکت‌های تولیدی، مطالعه موردی: شرکت‌های تولیدی و صنعتی پاسارگاد پلیمر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده مدیریت.

منابع انگلیسی:

- Druty Colin . Al-omiri Mohammad . (۲۰۰۷) . "Organizational and behavioral factors Influencing the adoption and success of ABC in the UK". Cost Management . ۲۱ . pp. ۲۳-۴۸
- AnandManoj . B. S. Sahay. subhashishSaha . (۲۰۰۵) . "Activity-Based cost Management Practices in India: An Impirical Studi". Decision . Vol. ۳۲ . Issue ۱ . pp . ۱۲۳-۱۵۲
- Babad M. Yair. Balachandran V. Bala . (۱۹۹۳) . "cost . Driver Optimization in Activity Based Costing". The Accounting Review . Vol . ۶۸ . No. ۳ . pp . ۵۶۳-۵۷۵
- Bruggeman Wernert al . (۲۰۰۵) . Modeling Logistics . costs Using Time-Driven ABC: A Case in a Distrib - tion Cmpny . Working Paper . Faculty of Economics and Business Administration . Gent University . Belgium
- Colwynjones T . David dugdale . (۲۰۰۲) . "The . ABC Bandwagon and the juggernaut of modernity" . Accounting Organizaitons and Society. Vol. ۲۷ . Lssue ۱-۲ . pp. ۱۲۱-۱۶۳
- Cardinaels Eddy . Labro Eva (۲۰۱۰) . "Time Estimates . As cost Drivers" . Research Executive Summaries Series . Vol . ۵ . Issue ۱ . pp. ۱-۶
- cardinaels Eddy . Labro Eva . (۲۰۰۸) . "on the determ . nants of Measurement Error in Time-Driven Costing" . The Accounting review . Vol. ۸۳ . No. ۳ . pp. ۷۳۵-۷۵۶
- Dejnega Oleg . (۲۰۱۱) . "Method Time Driven Activity . Based Costing Literature Review" . Quarterly Journal . Vol. ۶ . No. ۱ . pp. ۷-۱۵
- Homburg Carsten . (۲۰۰۱) . "A Note on Optimal . [۱۲] Cost Driver Selection in ABC" Management Accoun - ing Research . ۱۲ . pp. ۱۹۷-۲۰۵
- Kaplan S. Robert. Anderson R. Steven . (۲۰۰۷) . Time . - driven Activity - Based Costing . A Simpler and More Powerful Path to Higher Profits . Harvard Business School Press . Boston . Massachusetts
- Kaplan . S. Robert . Anderson . R. Steven . (۲۰۰۷) . "The speed - Reading organization". Business Finance . vol. ۱۳ . Issue ۶ . pp. ۳۸-۴۱
- Kaplan S. Robert. Anderson R. Steven . (۲۰۰۷) . "The . InnoVation Of Time - Driven Activity - Based Costing" . Cost Mabagement . Vol. ۲۱ . No. ۲ . pp. ۵-۱۵
- Kaplan S. Robert. (۱۹۸۶) . "Accounting Log: The . Obsolescence of Cost Accounting Systems" . California Management Review . Vol. ۲۸ . No. ۲ . pp. ۱۷۴-۱۹۹
- Lelkes T. Anne-Marie . (۲۰۰۹) . simplifying Activity- . Based Costing. In Partial Fulfillments for the degree of Doctor Of Philosophy . Oklahama State University - Max Mitchell . (۲۰۰۷) . "Leveraging Process docum . tion for time-driven Activity based costing" Journal of Performance Management . vol. ۲۰ . no. ۳ . pp. ۱۶-۲۸
- naughton-travers joseph p. (۲۰۰۱) . "activity- based . costing: the new management tool" Behavioral Health Managemnt . vol. ۲۱ . issue ۲ . pp. ۴۸-۵۲
- tse s.c. Michael. gong z. maleen. (۲۰۰۹) . "recognition . of Idle Resources in Time- Driven Activity-Based Costing and Resource Consumption Accounting Models". Gamar. vol. ۷ . no. ۲ . pp. ۴۱-۵۴

بهینه به نحوی انتخاب می‌شوند، که هزینه‌های اطلاعاتی آن‌ها از یک سطح معینی فزونی نیابد و زیان عدم صحت ناشی از محدودیت اطلاعاتی را حداقل کنند. مخزن هزینه‌های محرک‌های منتخب؛ شامل هزینه‌های فعالیت‌های مربوط به محرک‌های منتخب و سهمی از هزینه‌های فعالیت‌های مربوط به محرک‌های حذف‌شده است.

مدل هامبورگ، سیستم ساده‌شده‌ای است که سطح پیچیدگی یکسانی را نسبت به مدل باباد و بالاچاندران دارد، اما در مقایسه با آن، هزینه‌های محصول صحیح‌تری را ارائه می‌کند. با توجه به این واقعیت که مدل هامبورگ سیستم صحیح‌تری را با هزینه‌های اطلاعات کمتری فراهم می‌کند، واضح است که مدل ساده‌شده باباد و بالاچاندران، سیستم بهینه‌ای نیست. با این وجود، در هر دو مدل فرض بر این است که انجام ساده‌سازی باید به هزینه‌های از دست دادن صحت اطلاعات انجام گردد. در هر دو مدل انجام ساده‌سازی، بر کاهش تعداد فعالیت‌ها و محرک‌ها متمرکز بوده به نحوی که زیان از دست دادن صحت اطلاعات ناشی از کاهش فعالیت‌ها و محرک‌ها به حداقل برسد. با این وجود، تمامی این تلاش‌ها مستلزم آن بودند، که مدل بهایابی بر مبنای فعالیت قبل از انجام عمل ساده‌سازی به طور کامل اجرا شود. به این معنا که تمامی فعالیت‌ها و محرک‌ها، باید قبل از انجام ساده‌سازی شناسایی شوند. این نوع ساده‌سازی اصطلاحاً به عنوان ساده‌سازی بعد از وقوع نامیده می‌شود. اگر قبل از ساده‌سازی نیاز به این باشد که سیستم به طور کامل ارائه شود، انجام ساده‌سازی هیچ منفعتی را به همراه نخواهد داشت، زیرا شرکت قبل از ساده‌سازی باید مدل را به طور کامل ارائه کند. به علاوه، هر وقت سیستم نیاز به روزرسانی داشته باشد، ابتدا مدل باید به طور کامل به روزرسانی شده و سپس ساده شود، که این کار در درازمدت مستلزم صرف هزینه و زمان زیادی است.

تلاش مهم دیگری که توسط کاپلان و اندرسون انجام گردید و نهایتاً در سال ۲۰۰۴ به ثمر رسید، به نام مدل بهایابی بر مبنای فعالیت زمان‌گرا نامیده می‌شود و از نوع ساده‌سازی قبل از وقوع، طبقه‌بندی می‌شود. این مدل مرحله‌ای یک بهایابی بر مبنای فعالیت سنتی را برای تخصیص هزینه‌های منابع به فعالیت‌ها، ساده کرده و به منظور اجتناب از معادلات پیچیده و متنوع، معادلات زمانی را معرفی می‌کند. این معادلات، زمانی را که یک فعالیت در یک فرآیند انجام می‌دهد، خلاصه می‌کنند. بدین دلیل، تمرکز مدل زمان‌گرا به جای فعالیت‌ها بر روی فرآیندهاست و این موضوع سیستم را بیشتر قابل کنترل می‌کند.

صورتی انتخاب می‌گردد که بین هزینه‌های جمع‌آوری، نگهداری و پردازش اطلاعات و منافع حاصل از صحت اطلاعات همواره توازن برقرار باشد. این مدل امکان آن را فراهم می‌کند تا تصمیم‌گیرندگان بتوانند بیشترین تعداد محرک‌های مجاز را در سیستم ساده‌شده مشخص و محدود کنند. در این رویکرد باید هزینه‌های فعالیت‌های مربوط به محرک‌های حذف‌شده را با هزینه‌های فعالیت‌های محرک‌های منتخب جمع کرد و برای هر محرک هزینه‌های منتخب، یک مخزن هزینه‌های تلفیقی جدید مشخص کرد. برای ایجاد مراکز هزینه‌های تلفیقی بیشتر، تمام هزینه‌های فعالیت‌های مربوط به محرک هزینه‌های حذف‌شده، به مخزن هزینه‌های محرک هزینه‌های منتخب منتقل می‌گردد.

هامبورگ، مدل باباد و بالاچاندران را توسعه داد. بر اساس مدل هامبورگ، هزینه‌های فعالیت‌های مربوط به محرک حذف‌شده به جای تخصیص به یک محرک هزینه‌های منتخب، به چند محرک هزینه‌های منتخب تخصیص داده می‌شود. در این مدل، زیرمجموعه‌های محرک‌های



سامانه‌ای برای تسهیل تجارت



این دو کمیته به «سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه و شورای همکاری‌های گمرکی تبدیل شد.» در سال ۱۹۵۲ سازمان جهانی گمرک از بطن شورای همکاری‌های گمرکی به طور رسمی فعالیت خود را در کلیه جهان آغاز کرد. این سازمان در حال حاضر یک سازمان مستقل بین‌المللی محسوب می‌شود که وظیفه آن بالا بردن استاندارد فعالیت‌های گمرکی و بهبود، تقویت و کارآمدی دانش گمرک است. در حال حاضر ۱۵۶ کشور عضو این سازمان هستند، که در بیش از ۹۵ درصد مراودات بین‌المللی تجارت نقش تسهیل‌سازی خود را ایفا می‌کنند.

سازمان جهانی گمرک بر این باور است که سامانه‌های گمرک در واقع نشانه توسعه‌مندی هر دولت یا نظم عمومی محسوب می‌شوند که وظیفه اصلی آن‌ها نیز ایجاد درآمدهای ملی و نگهداری از منابع ملی است. می‌گویند که گمرک کارآمد، نشانه توسعه است. در ایران نیز به موازات شکل‌گیری تعاریف مدرن از گمرک،

نام گمرک را دید. البته بسیاری بر این باورند که حضور رفتار گمرکی در اقتصاد و تجارت ایران حتی به قبل از ورود اسلام به ایران باز می‌گردد. در دوران مدرن اما از سال ۱۹۴۷ گمرک ساختاری جهانی پیدا می‌کند. به عبارتی بعد از جنگ جهانی دوم که بسیاری از نهادهای بین‌المللی برای ساده‌سازی فرآیند توسعه شکل می‌گیرند، گمرک نیز به عنوان حلقه، ارتباطی تجارت و همچنین محل جذب درآمد برای دولت‌ها از طریق توسعه، دادوستدهای جهانی به یک قطب و عرصه، بین‌المللی تبدیل می‌شود. در سال ۱۹۴۷ سیزدهمین اجلاس دولت‌های اروپایی، فعالیت خود را کلید زد. در این اجلاس کمیته همکاری‌های اقتصادی اروپا تصمیم گرفت یک گروه مطالعاتی برای تقویت اقتصاد کشورهای اروپایی شکل بگیرد. براساس موافقتنامه گات، این گروه مطالعاتی به این نتیجه رسید که باید چند اتحادیه گمرکی - اروپایی تاسیس شود. برای این منظور ابتدا دو کمیته اقتصادی آغاز به کار کرد. به فاصله کوتاهی

گمرک، یکی از قدیمی‌ترین سامانه‌های اقتصادی است که در کلامی ساده وظیفه نظم‌بخشی به تجارت و وضع حقوق و عوارض روی کالاهای تجاری را دارد. در مورد تاریخ گمرک شاید همین کافی باشد که بگوییم در اسناد دولت عثمانی ردی از گمرک وجود داشته است و حتی در منابع مختلف آمده که وقتی عثمانی‌ها قسطنطنیه را فتح کردند، با بهره‌برداری از منابع یونانی از ساختار گمرک برای گسترش تجارت خود، مخصوصاً مال‌التجاره‌ای که از قسطنطنیه به دست آورده بودند، استفاده کردند. امپراتوری عثمانی مناطقی در آسیای کوچک، اکثر خاورمیانه، قسمت‌هایی از شمال آفریقا، قسمت جنوب شرقی اروپا تا قفقاز را شامل می‌شد. قلمرو رسمی حکومت عثمانی در اوج قدرت نزدیک به ۵۶ میلیون کیلومتر مربع می‌رسید. برای همین حوزه، تجاری بزرگی را در بر می‌گرفت که تا حد بسیاری زیادی زیر ذره‌بین نظارت‌های گمرکی قرار داشت. در دوران نادرشاه نیز می‌توان ردی از حضور سامانه‌ای به

حوزه‌های مختلف گمرکی سعی بر آن داشته‌اند تا سطح فعالیت خود را براساس استانداردهای سازمان جهانی گمرک ارتقا دهند اما همواره گمرک در ایران مورد انتقاد کارشناسان و صاحب‌نظران تجاری قرار داشته است. به نظر می‌رسد رویکرد نخست آنان در مواجهه انتقادی با گمرک، وجود فساد در این سامانه و همچنین پیچیدگی‌های بوروکراسی است. البته در سال‌های گذشته دهلیزهای اداری در گمرک ایران تا حد زیادی بر طرف شده‌اند اما همچنان وجود فساد در گمرک چیزی است که مراجعه‌کنندگان به این سامانه اقتصادی از آن گله می‌کنند. یک نکته را البته نباید فراموش کرد و آن هم این‌که سامانه‌های گمرک در همه جای جهان به دلیل آن‌که با فعالان تجاری در ارتباط است و وظیفه بخشی از تسهیل‌سازی تجاری را بر عهده دارد، همواره با پدیده فساد در میان کارمندان مواجه بوده است، منتهی این فساد در کشورهای توسعه‌یافته ظاهراً ضریب بسیار کمتری را نشان می‌دهد. در حال حاضر در ایران گمرک بیشتر نهادی است که وظیفه تأمین مالی برای دولت را بر عهده دارد. درآمد گمرک ایران از ۷ هزار میلیارد تومان تا نزدیک ۱۰ هزار میلیارد تومان در چند سال اخیر در نوسان بوده است. از این منظر بعد از نفت می‌توان گفت که گمرک یکی از اصلی‌ترین سامانه‌های تأمین مالی دولت محسوب می‌شود.

مسعود کرباسیان، رئیس کل گمرک ایران، چند وقت پیش درباره درآمد گمرک به خبرنگاران گفت: برای درآمد گمرکی رقم ۱۰۶۰۰ میلیارد تومان یا همان ۱۰۶ هزار میلیارد ریال در نظر گرفته شده، که این رقم برای سال ۹۲ نیز برآورد شده بود که البته احتمالاً در سال جاری تحقق کمتر خواهد بود، اما باز هم بستگی به دو ماه بهمن و اسفند دارد، که معمولاً تجارت در این دو ماه افزایش می‌یابد.

وی افزود: اگر واردات گروه ۱۰ کالایی آزاد شود، درآمد گمرکی نیز افزایش می‌یابد و همچنین عده زیادی از بازرگانان سعی می‌کنند، در دو ماه آخر سال کالاهای مورد نظر را وارد کنند، تا به زعم خود به افزایش نرخ‌ها در سال آینده مانند نرخ تعرفه، مالیات ارزش افزوده یا تغییر نرخ ارز برخورد نکنند، بنابراین واردات در دو ماه آخر سال افزایش خواهد یافت.

رئیس کل گمرک جمهوری اسلامی ایران، در مورد تحقق درآمد گمرک در سال جاری گفت: «میزان تحقق در سال جاری تاکنون ۶۰ درصد بوده است، علت این است که درآمد گمرکی در سال ۹۱ رقم ۷ هزار میلیارد تومان بود و برای سال ۹۲ رقم ۱۰ هزار میلیارد تومان افزایش یافته بود، در حالی که واردات گروه ۱۰ کالایی با محدودیت مواجه شد.

کرباسیان افزود: امسال عمده واردات ۲۰ قلم کالای اساسی است که دارای تعرفه اندک گمرکی هستند و این تعداد کالا ۳۰ درصد واردات کشور را تشکیل می‌دهد که شامل کالای اساسی، دارو، مواد اولیه، نهاده‌های دامی، خوراک دام، مواد اولیه واحدهای تولیدی تشکیل می‌دهد.

درآمدهای گمرکی همیشه برای دولت‌ها یک اصل بوده‌اند، برای همین برنامه‌های ویژه‌ای نیز برای بالا

بردن درآمدهای گمرکی همواره وجود داشته است. به‌رحال اما امروز و در آستانه بلندگی تجارت در ایران، می‌توان مدعی شد که سامانه گمرک در ایران ریشه‌ای قطور گرفته است و نقش پررنگی نیز در پر کردن چاله‌های درآمدی دولت دارد اما هنوز فعالان اقتصادی بر این باورند که گمرک ایران در برطرف کردن موانع تجاری اهالی اقتصاد راه زیادی در پیش دارد.

مبادی مجاز گمرکی در ایران

گمرک ایران مادی مجاز گمرکی را در ایران به این شرح اعلام کرده است:

گمرک استان کهگیلویه و بویراحمد
گمرکات استان گلستان
گمرکات استان گیلان
گمرک استان لرستان
گمرکات استان مازندران
گمرکات استان مرکزی
گمرکات استان هرمزگان
گمرکات استان همدان
گمرکات استان یزد
گمرکات استان خوزستان
گمرک استان زنجان
گمرک استان سمنان
گمرک استان سیستان و بلوچستان
گمرکات استان فارس
گمرک استان قزوین
گمرک استان قم
گمرکات استان کردستان
گمرکات استان کرمان
گمرکات استان کرمانشاه
گمرکات استان تهران
گمرکات استان آذربایجان شرقی
گمرکات استان آذربایجان غربی
گمرکات استان اردبیل
گمرکات استان اصفهان
گمرک استان ایلام
گمرکات استان بوشهر
گمرک استان چهارمحال بختیاری
گمرکات استان خراسان رضوی
گمرکات استان خراسان جنوبی

توضیحات:

خارک: مقصد ترانزیت خارجی برای سوآپ سوخت و صادرات آن محصولات نفتی است.

ایلام: مبداء ترانزیت خارجی صرفاً برای ورود کامیون خالی و مقصد ترانزیت خارجی صرفاً برای سوخت.

سرخس: امور ترانزیت فقط در منطقه ویژه اقتصادی سرخس انجام شود.

زاهدان: مبداء ترانزیت خارجی برای کالاهای ریلی

است.

اروندکنار: فاقد فعالیت است.

مبداء و مقصد ترانزیت خارجی فقط در منطقه ویژه اقتصادی برق و الکترونیک شیراز انجام می‌شود.

ساری: ترانزیت خارجی فقط برای سوخت صورت می‌گیرد.

در منطقه ویژه اقتصادی شهید رجایی، فقط مبداء و مقصد ترانزیت خارجی انجام می‌شود.

در منطقه ویژه اقتصادی نساجی یزد مبداء و مقصد ترانزیت خارجی و کارنه انجام می‌شود.

چذابه: صادرات از محل گمرک اهواز انجام می‌شود.

شلمچه: ترانزیت از محل گمرک خرمشهر انجام می‌شود.

-منظور از صادرات و واردات در بازارچه‌ها، فعالیت در محدوده قانونی بازارچه‌های مرزی می‌باشد.

مختصری از تاریخچه شکل‌گیری

گمرک در ایران

با توجه به قرائن و شواهد تاریخی که دلالت بر تمدن قوم ماد و حکومت این قوم بر سرزمین ایران آن روزگار دارد، می‌توان ادعا کرد به طور قطع مقررات گمرکی و گمرک به شکلی در زمان مادها وجود داشته است. همین‌طور در زمان سلسله هخامنشی در چنین تشکیلاتی نیز دایر بوده است.

در زمان اشکانیان گمرک به صورت اداره‌ای منظم فعالیت داشته و کلیه اجناس وارده و صادره ثبت می‌شده است و اهمیت قضیه در این است که حقوق و عوارض گمرکی فقط از کالاهای وارداتی اخذ می‌شده است، که خود نشان‌دهنده این است که دولت در حفظ و حمایت مصنوعات داخلی در آن زمان کوشا بوده است.

از دوره ساسانیان اطلاعاتی در مورد وجود گمرک و حقوق و عوارض گمرکی و نحوه دریافت آن نمی‌توان به دست آورد، ولی مواردی که مورد مذاقه قرار می‌گیرد، نشان‌دهنده این است که نباید عنوان کرد که در آن زمان امور گمرکی وجود نداشته است.

موردی که می‌توان در اثبات وجود گمرک در دوره ساسانیان به آن اشاره داشت، عبارت است از این‌که در دوره قبل از اسلام در کشور عربستان عشر مال‌التجاره تاجران را به صورت حقوق گمرکی دریافت می‌کرده‌اند و از عقل سلیم به دور است که کشور ایران که با عربستان روابط بازرگانی داشته و این مبلغ را پرداخت می‌کرده است، مبالغی را از ورود کالا به کشور دریافت نمی‌کرده است.

در مورد قوانین و مقررات گمرکی هم در ایران بعد از اسلام اطلاعات ناکافی است. ولی تاریخ اشاره‌ای به وضع قوانین گمرکی از طرف خلیفه ثانی عمر بن خطاب می‌کند.

۱. حقوق گمرکی که باید از یهودی‌ها و نصاری‌ها دریافت گردد، معادل یک درهم از هر ۲۰ درهم بود (۵ درصد ارزش کالا)

۲. حقوق گمرکی که از خود مسلمانان باید دریافت می‌شد از هر ۴۰ درهم یک درهم بود (۲/۵ درصد ارزش کالا)

۳. اخذ حقوق گمرکی از اعرابی که زیر نظر حکومت اسلامی اداره نمی‌شدند عبارت بود از هر ۱۰ درهم یک درهم (۱۰ درصد ارزش کالا)

در آن زمان مال‌التجاره تجار از نظر داخلی از حقوق گمرکی معاف بوده است. بعد از آن که حکومت خلفا به پایان رسید، حکومت بنی‌امیه یک‌سری قوانین مربوط به گمرک را پیاده کرد؛ از آن جمله اعشار کشتی‌ها بوده که ده یک مال‌التجاره کشتی‌ها را به صورت عینی یا نقدی می‌گرفته‌اند. این وضع همچنان ادامه می‌یابد و به علت عدم ثبات سیاسی کشور و نزاع و کشمکش و روی کار آمدن متناوب چند سلسه از جمله طاهریان، صفاریان، سامانیان، غزنویان و سلجوقیان این وضعیت حالت اسفناک‌تری به خود می‌گیرد، به طوری که در زمان سلجوقیان بعضی از احکام در چهارسوق‌ها و بازارها نیز از اجناس و کالاها وجوهی را دریافت می‌کرده‌اند.

در دوران صفویه، شاه‌عباس پس از این که توانست ارتشی منظم و قوی برای خود تدارک ببیند شروع به اصلاحات داخلی کرده و به امور مالی و گمرکی ایران سروسامان بخشید و دفاتر منظم ورود و خروج کالا را تنظیم و خزانه مرکزی را به نحو کامل‌تری پایه‌ریزی کرد. او شروع به بسط تجارت خارجی کرد. در دوران صفویه در رابطه با سرقت مال‌التجاره افراد هم تضمین‌هایی ایجاد شده بود که اگر تاجری کالایش به سرقت برود، حاکم آن منطقه باید برحسب اسناد و مدارک موجود در نزد تاجر غرامت کالا را بپردازد و در یافتن کالای مسروقه خیلی تلاش می‌کردند و از این که خبر این سرقت به گوش شاه برسد، واقعاً بیمناک بودند. در زمان صفویه طبق اطلاعات موثق می‌توان اظهار کرد که در بندرعباس و بندر لنگه و جزیره هرمز ادارات گمرکی وجود داشته است.

در دوران زندیه از نظر درآمدی، ایران وضعیت مناسبی داشته است ولی یکی از مهم‌ترین اقدامات در مورد آزادی بازرگانی اروپاییان در ایران در همین دوره و به دست کریم‌خان زند به مرحله اجرا درآمده است. وی در فرمانی به سال ۱۱۷۶ هجری قمری مطابق با ۱۷۶۲ میلادی چنین بیان داشته است: "بر همه اجناس که انگلیسی‌ها از راه بوشهر یا هر بندر دیگر خلیج وارد و صادر می‌کنند، عوارض تعلق نخواهد گرفت... و می‌توانند اجناس خود را بدون حقوق گمرکی به همه نقاط ایران بفرستند. آنچه در خود بوشهر یا جای دیگر می‌فروشند، شیخ یا حاکم می‌تواند فقط ۳۰ درصد از تجار حق صدور وصول کند و هیچ ملت دیگر اروپایی یا سایر افراد مگر

کمپانی انگلیسی حق ندارد اجناس پشمی به هیچ‌یک از بنادر خلیج وارد کنند... و از این پس در برابر کالاهایی که از روسیه به ایران می‌برند و خریدهایی که در برابر آن‌ها با ایرانیان و دیگران می‌کنند و آنچه در آن‌جا می‌خرند و مبادله می‌کنند، گمرک ندهند... و نیز اگر اتباع روسیه بخواهند از قلمرو کشور ایران برای کارهای بازرگانی به هندوستان یا کشورهای دیگر بروند، در عبور و مرور ایشان چه از راه خشکی و چه از راه دریا گمرکی گرفته نخواهد شد و هیچ‌گونه عوارضی به دولت ایران نخواهند داد..."

در دوران قاجار مهم‌ترین عهدنامه‌ای که با یکی از همسایگان یعنی روسیه منعقد شد، استقلال گمرکی ایران را خدشه‌دار کرد و علت قرارداد جنگی بود که میان ایران و روسیه در گرفت، و در تاریخ ۲۹ شوال ۱۲۲۸ مطابق ماه اکتبر ۱۸۱۳ در قریه گلستان عهدنامه صلح امضا شد. در فصل نهم عهدنامه مذکور مقرر گردید که از مال‌التجاره مملکتین صدی پنج قیمت مال‌التجاره اخذ گردد. این تعهد اگرچه اختیار دولت ایران را در تغییر و تبدیل میزان حقوق گمرکی واردات و صادرات سلب می‌کرد ولی تا حدودی می‌توان به این موضوع که این قرارداد حالت دو جانبه داشته است امیدوار بود، چون از دید حقوق گمرکی از طرف روسیه لازم‌آوردن جلب رضایت دولت ایران بوده است و از طرف دیگر بدون اطلاع دولت ایران کم و اضافه کردن حقوق و تعرفه‌های گمرکی باعث بی‌اثر شدن مفاد عهدنامه می‌گردیده است.

در تاریخ ۱۲۴۶ هجری فرمانی از طرف فتح‌علی‌شاه صادر گردید که به موجب آن حقوق گمرکی در تمام سرحدات مملکت در موقع ورود و خروج مال‌التجاره صدی پنج قیمت امته و اجناس تجارته معین شده است. در حقیقت می‌توان گفت که رژیم معاهده ترکمنچای را عمومیت داده و به جای تعرفه عمومی قرار داده است و این اولین فرمانی است که در خصوص تعرفه گمرکی در زمان قاجاریه صادر گردیده است.

در سال ۱۳۱۵ هجری سه نفر بلژیکی به خدمت در گمرک ایران دعوت شدند. یکی از این سه نفر ژوزف نوز معروف بود. نوز در سال ۱۳۱۶ مشغول مطالعات شده و در سال ۱۳۱۷ رسم اجاره گمرک را برانداخته و در تاریخ ۱۸ ذی‌الحجه نیز فرمان‌الغای عوارض داخلی را از جانب شاه صادر کرد. در همین ایام شروع به تشکیلات جدید گمرک کرد و وزیر پست گردید.

آخرین وزیر گمرک ایران هم نوز بلژیکی است چون بعد از اعلان مشروطیت گمرک جزء مالیه مملکت قرار گرفته است.

رفته رفته، تشکیلات گمرکی در تمام نقاط مرزی کشور بسط و توسعه یافت و نوز رئیس مستشاران بلژیکی که شخصی مدبر و فعال بود، به طرز شایسته گمرکات ایران را اداره کرد.

خلاصه این که مستشاران بلژیکی، قریب مدت ۳۶ سال در ایران به خدمت اشتغال داشتند و در این مدت سه تعرفه، گمرکی تنظیم و برای وصول حقوق و عوارض گمرکی به مورد اجرا گذارده شد.

پس از خاتمه خدمت مستشاران بلژیکی و عزیمت آنان از ایران و واگذاری اداره گمرک به مأمورین ایرانی بنا به مقتضیات زمان و سیاست مالی و اقتصادی دولت، تعرفه گمرکی چند بار تغییر پیدا کرد: یک‌دفعه به موجب قانون ۳۱ اردیبهشت ۱۳۱۵ تعرفه جدیدی به مورد اجرا گذاشته شد، که ۹۰ درصد آن از روی وزن و تحت ۱۲۶۱ شماره تدوین و تا سال ۱۳۲۰ مآخذ وصول حقوق و عوارض گمرکی بود.

سیس تعرفه‌ای براساس تعرفه جامعه ملل سابق تنظیم شد، که در ۲۲ تیرماه ۱۳۳۰ به موقع اجرا گذاشته شد و از تمام تعرفه‌های قبلی مفصل‌تر و شامل ۲۲ فصل و ۲۲۰۴ ردیف بوده است. تعرفه مذکور نیز در سال ۱۳۲۹ تغییر یافت و اصلاحاتی در آن به عمل آمد و تا سال ۱۳۳۲ تدریجاً مورد اصلاحات مجددی قرار گرفت. آخرین تعرفه گمرکی در حال اجرا در این دوره، تعرفه مصوب ۶ تیرماه ۱۳۳۴ بوده است.

قانون تعرفه و آئین‌نامه آن در سال ۱۳۳۷ براساس تعرفه ژنو به تصویب رسید، که تا سال ۱۳۵۱ اجرا می‌شد.

در سال ۱۳۵۰ قانون امور گمرکی به تصویب رسید، که براساس بروکسل تنظیم گردیده و آئین‌نامه اجرایی آن در سال ۱۳۵۱ به تصویب رسید.

در سال‌های بعد از ۱۳۵۱ براساس نیاز به سازگاری مواد و مفاد قانون امور گمرکی و آئین‌نامه اجرایی که با روند اقتصادی، اداری و سیاسی کشور اصلاحاتی به شرح موجود در قانون امور گمرکی و آئین‌نامه اجرایی آن به عمل آمد که این اصلاحات به صورت زیرنویس در صفحات مرتبط به مواد اصلاح‌شده درج و به چاپ رسیده است.

بخش تاریخ و حوزه‌های گمرکی از سایت‌های مربوط به گمرک ایران استخراج شده است.



بهمن؛ ماه آزادی

سیاوش مفید

همیشه روزهای بزرگ نیاز به یادآوری دارند. نیاز به این دارند که بدانیم چه گذشت در این روزها که سال‌ها نیز بگذرد، فراموش نمی‌شود. دهه فجر یعنی از ۱۲ تا ۲۲ بهمن ۵۷ روزهای تاثیرگذار و پر اتفاقی برای ما بوده است. این دهه سرنوشت چندین نسل را تغییر داد. البته باید گفت سال‌ها قبل شروع این اتفاق بود. سال‌هایی که سلطه خاندان پهلوی بر ایران باعث بسیاری از تبعیض‌ها و ظلم‌ها شد و مردم هم زیر بار این ستم نرفتند و مبارزه کردند و سرانجام با رهبری امام (ره) به پیروزی رسیدند تا بلکه بتوانند استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی را لمس کنند.

هستند که کوچه‌های اطراف مدرسه‌ی علوی مملو از آدم شده است. مردم پارچه‌های دست‌نویسی روی دیوارها نصب کرده‌اند که روی‌شان نوشته شده: «زیارت قبول، با یک بار زیارت امام، این توفیق را به دیگران هم بدهید.»

۱۴ بهمن

در تمام کشور، مردم به اعتصاب عمومی دست زده‌اند. کارکنان ادارات و وزارتخانه‌های مختلف، وزیران و مدیران دولت را به محل کار خود راه نمی‌دهند. جواد شهرستانی، شهردار وقت تهران، به دیدار امام می‌رود و استعفا نامه‌اش را به ایشان تسلیم می‌کند و البته دوباره از سوی امام شهردار می‌شود. بختیار از انتشار این خبر و احتمال این که سرمشق دیگر زیر دستانش قرار گیرد به شدت می‌ترسد و طی یک مصاحبه شروع به ناسزاگویی به جواد شهرستانی می‌کند و سایر کارمندان و مسئولان دولت خویش را تهدید می‌کند. با همه این‌ها شهردار تهران، تنها کسی نبود که به مدرسه‌ی علوی (محل سکونت امام) روی آورد.

۱۵ بهمن

بختیار تمام پایگاه‌هایش را از دست داده و همچنان با انجام مصاحبه‌های مختلف سعی در به رخ کشیدن قدرت خود دارد. محورهای مورد تاکید و تهدید او در مصاحبه‌ها این‌ها هستند:

- به آیت‌الله خمینی اجازه تشکیل دولت موقت را نمی‌دهم.
- کسانی را که جنگ داخلی راه بیندازند اعدام می‌کنم.
- تمام نظرات امام خمینی را در لباس قانون تحقق می‌بخشم.

امام در پاسخ تهدیدهای دولت اعلام کرد: «من باید نصیحت کنم که دولت غاصب کاری نکند که مجبور شویم مردم را به جهاد دعوت کنیم. ما از ارتش می‌خواهیم هر چه زودتر به ملت متصل شوند. آن‌ها فرزندان ما هستند. ما به آن‌ها محبت داریم...»

امام همچنین در سخنرانی‌ها و دیدارهایشان با مردم، اصول سیاست‌هایشان را این‌گونه بیان کرد: «تمام اتباع خارجی در ایران به صورت آزاد زندگی خواهند کرد. ما برای اقلیت‌های مذهبی احترام قائل هستیم. نظر من راجع به رادیو و تلویزیون و مطبوعات این است که در خدمت ملت باشند. دولت‌ها حق هیچ نظارت ندارند...»

۱۶ بهمن



۱۲ بهمن



گروهی به نام «سازمان کماندویی مبارزه در راه قانون اساسی» با دفتر خبرگزاری آسوشیتدپرس تماس گرفته و هشدار می‌دهند که اگر امام خمینی قصد داشته باشد از پاریس به سمت تهران پرواز کند، هواپیمای حامل ایشان را منهدم خواهند کرد. در پی این تهدیدها، امام خمینی به نزدیکان و همراهان خود گفتند: «من بیعت خود را از شما برمی‌دارم، ما به طرف کار بزرگی می‌رویم. شما هم جانتان را به خطر نیندازید.» ایران در انتظار امام خمینی غرق سرور است. مردم تهران به شوق ورود امام، خیابان‌ها را آب و جارو می‌کنند، خط‌های سفید وسط خیابان تا کیلومترها تمیز شده. ساعت نوبیست و هفت دقیقه صبح، امام وارد خاک ایران شد.

۱۳ بهمن



بختیار در واکنش به استقبال عمومی مردم از ورود امام، پی‌درپی با انجام مصاحبه و صحبت در مورد برنامه‌های آتی خویش، سعی در عادی جلوه‌دادن اوضاع دارد. مردم چشم‌وگوش به مدرسه‌ی علوی دوخته‌اند. جمعیت مشتاق به دیدار امام آن‌قدر زیاد

امام خمینی در واکنش قاطع اعتراضی به دستور فرمانداری نظامی پیمای به این شرح صادر کردند: «اعلامیه امروز حکومت نظامی، خدعه و خلاف شرع است؛ مردم به هیچ وجه به آن اعتنا نکنند، برادران و خواهران عزیزم، هراسی به خود راه ندهید که به خواست خداوند تعالی، حق پیروز است.»
مردم خیابان‌ها را ترک نکردند.

۲۲ بهمن

تهران و اغلب شهرستان‌ها همچنان صحنه جنگ خونین مردم و نیروهای مسلح بود. از غروب روز بیستم، کسی خیابان‌ها را ترک نکرده بود. درحالی که حملات مردم مسلح به



تمام مراکز قدرت رژیم شدیدتر می‌شد خبر رسید که ستاد ژاندارمری واقع در میدان بیست‌وچهار اسفند (انقلاب) به دست انقلابیون نیروی هوایی، دریایی و مردم افتاده است. پس از ساعت‌ها زدوخورده، پادگان عشرت‌آباد به تصرف مردم درآمد و بر اثر حملات مردم به تسلیحات ارتش، کارخانه‌ها و انبارهای اسلحه به دست مردم افتاد. سرانجام درحالی که همه خیابان‌ها شاهد حضور جوانان مسلح بود، در ساعت ۱۰/۳۰ دقیقه صبح، شورای عالی ارتش با شرکت رئیس ستاد، وزیر جنگ و اکثر فرماندهان تشکیل جلسه داد و پس از مذاکرات بسیار، طی اعلامیه‌ای، بی‌طرفی ارتش را اعلام کرد:

«با توجه به تحولات اخیر کشور، شورای عالی ارتش در ساعت دهمین امروز بیست‌ودوم بهمن سال هزارویصدوپنجاهوهفت، به اتفاق آرا تصمیم گرفته شد، که برای جلوگیری از هرج‌ومرج و خونریزی بیشتر، بی‌طرفی خود را در مناقشات سیاسی فعلی اعلام و به یگان‌های نظامی دستور داده شد به پادگان‌های خود مراجعت کنند. ارتش ایران همواره پشتیبان ملت شریف و نجیب و وطن پرست ایران بوده و خواهد بود و از خواسته‌های ملت شریف با تمام قدرت پشتیبانی می‌کند.»

این اعلامیه زمانی از رادیو پخش شد، که شهر پر بود از مردم مسلحی که سوار بر خودروهای نظامی بودند. همچنین کاخ گلستان، مرکز رادیو ایران و ژاندارمری کل کشور در دست مردم بود. شهربانی کل کشور، دانشکده افسری، دانشکده پلیس و دبیرستان نظام نیز به دست نیروهای مردمی فتح شد. مردم، زندان کمیته [کمیته مشترک ضد خرابکاری] را که مرکز بازجویی و شکنجه متهمان سیاسی بود، به تصرف درآوردند و زندانیان را آزاد کردند. تا غروب این روز، تمام کلاتری‌ها، پادگان‌ها، پاسگاه‌ها و مراکز نظامی به دست مردم افتاد. زندان قصر و زندان جمشیدیه نیز تصرف شد و برخی وابستگان رژیم که به اتهام فساد از مدتی قبل زندانی شده بودند نیز با استفاده از فرصت متواری شدند، اما توسط مردم دستگیر شده و به مدرسه رفاه - محل استقرار شورای انقلاب - برده شدند. فرمانداری نظامی آخرین اطلاعیه خود را صادر کرد. به موجب این اطلاعیه از نظامیان خواسته شد برای اجرای تصمیم شورای عالی ارتش به پادگان‌های خود برگردند. درحالی که مردم به سوی کاخ نخست وزیری در حرکت بودند، بختیار که پس از فرار نظامیان با تعداد کمی محافظ تنها مانده بود، نهار خود را نیمه‌تمام رها کرد و از در پشتی ساختمان نخست وزیری گریخت. سپهبد رحیمی (فرماندار نظامی تهران و رئیس شهربانی) به دست مردم اسیر شد و سرلشکر ناجی (فرمانده گارد جاویدان) در حوالی میدان فوزه (امام حسین «ع» کنونی) در جریان زدوخورده به ضرب گلوله کشته شد. امیرعباس هویدا نخست‌وزیر اسبق نیز خود را به شورای انقلاب تسلیم کرد. رادیو و تلویزیون به تصرف مردم درآمد. در آخرین لحظه‌ها گوینده رادیو پیمای را که از سوی آیت‌الله طالقانی رسیده بود، خواند و سپس برنامه قطع شد. در آن پیام از کارکنان اعتصابی رادیو و تلویزیون خواسته شده بود تا به سر کار خود بازگردند. پس از سکوتی نسبتاً طولانی، رادیو دوباره آغاز به کار کرد. صدای گوینده از شدت هیجان می‌لرزید:

«توجه، توجه... این صدای انقلاب ملت ایران است...»

فریاد شادی از تمام خاک ایران برخاست، آخرین سلسله‌ی پادشاهی ایران، سرانجام سقوط کرد...

ده‌ها خبرنگار داخلی و خارجی، گروه‌های مختلف مردم و جمعی از نزدیکان امام در سالن مدرسه‌ی علوی اجتماع کرده‌اند. حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی حکم نخست‌وزیری مهندس مهدی بازرگان را قرائت می‌کند. در حالی که مردم هر لحظه به پیروزی نزدیکشان امیدوارتر می‌شوند، جمعی از امرای ارتش در حال فراهم کردن مقدمات اجرای طرحی با حمایت مستقیم آمریکا برای دستگیری امام و سرکوب خونین مردم هستند. برخی اعضای شورای انقلاب، آیت‌الله دکتر بهشتی، آیت‌الله مطهری و مهندس بازرگان با تماس‌های مداوم با فرماندهان نظامی سعی می‌کنند ارتش را بدون خونریزی، متحد ملت کنند. مردم با گل و اشک و شعار به استقبال ارتشیان می‌روند.

۱۷ بهمن

مردم در خیابان‌ها و در حمایت از دولت بازرگان تظاهرات می‌کنند. شعارها علیه بختیار است، مردم بختیار را نمی‌خواهند. بختیار سعی دارد به مردم بفهماند در انجام وعده‌های خود کوشاست. به همین منظور در جلسه‌ی مجلس حضور می‌یابد و نمایندگان در حضور بختیار طرح‌های انحلال ساواک و دستگیری نخست‌وزیران و وزیران از سال ۱۳۴۱ تا آن سال را که متهم به سوءاستفاده از قدرت بودند تصویب می‌کنند.

۱۸ بهمن

امام خمینی فرمان داده‌اند نام اشخاصی که به نوعی به کشور و مردم خیانت کرده‌اند، افشا شود. با تلاش مردم و متخصصین، فرستنده‌ی سیار در مدرسه‌ی علوی راه‌اندازی می‌شود. این‌جا تهران است، کاتال انقلاب!



۱۹ بهمن

بختیار دستور تیراندازی به سمت مردم را می‌دهد. در بعضی از نقاط کشور به سمت مردم تیراندازی می‌شود. عده زیادی از همافران و افراد نیروی هوایی، با لباس‌های نظامی و در میان شادی و حیرت

مردم به اقامت‌گاه امام رفتند. امام خمینی در این دیدار، خطاب به همافران گفتند: «همان‌طور که گفتید تا حالا در اطاعت طاغوت بودید، حال به قرآن پیوستید. قرآن حافظ شماست. امیدوارم با کمک شما بتوانیم این جا حکومت اسلامی را برقرار کنیم.»

۲۰ بهمن



پس از خبر ساعت ۲۰، تصاویری از دوران اقامت امام خمینی در پاریس از شبکه سراسری تلویزیون پخش شد. هم‌زمان با پخش تصویر امام خمینی، همافران نیروی هوایی در پادگان، فریاد «الله‌اکبر» سر دادند. شعار همافران در حمایت از امام خمینی باعث خشم افسران و کارکنان ضداطلاعات نیروی هوایی شد. اختراهای تند آنان به همافران، به درگیری و تیراندازی و ورود گارد شاهنشاهی منجر شد. بالا گرفتن درگیری، مردم برای کمک به همافران ارتش وارد پادگان شدند اما لوله‌ی مسلسل گارد شاه به سمت مردم چرخید و آن‌ها را هدف گلوله قرار داد. درگیری تا صبح ادامه داشت...

۲۱ بهمن

ساعت ۱۰ صبح اسلحه‌خانه نیروی هوایی به همت مردم و کمک همافران فتح شد. ساعاتی بعد، کلاتری‌های ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۶، ۲۶ و کلاتری نارمک به دست مردم افتاد. مردم تانک‌ها و نفربرها را به خیابان‌ها می‌آوردند و به یکدیگر روحیه می‌دهند. فرمانداری نظامی که دست‌پاچه شده‌است، در آخرین اعلامیه‌اش که بارها از رادیو پخش شد، ساعت منع عبورومرور را چهارونیم عصر اعلام کرد.

حکایت گل بهمنی

شیرمین نادری

بهمن گیر و بهمن پیچ و بهمن نژاد و بهمن شیر و بهمن دز و بهمن آباد و بهمن جادویه و بهمن جادو ... یکی‌شان دروازه جادوگران و یکی شاه‌دهی در گرگان و یکی دیگرشان داریستی که جلو ریختن برف آب‌شده را می‌گیرد و بس ... گرچه همه‌شان پر از قصه و ماجرا و اتفاقات عجیب و محیرالعقول، چرایی‌اش بماند برای وقتی که از گل بهمنی می‌گوییم؛ همان گلی که وسط بهمن شکوفه می‌دهد و ایرانیان قدیم می‌خوردندش و دافع مرض و درد زمستانی و سرما می‌دانستندش، راست و دروغش هم پای خودشان، گرچه راست و دروغ همه این داستان‌ها و ماجراها هم پای گوینده اش، چون خیال دارم یک چرخ بهمنی ببرمتان به تاریخ و داستان‌ها و قصه‌های ماه بهمن را برایتان بگویم، عین همان مادر بزرگ‌های بی‌دندان که پای کرسی قصه می‌گفتند ...

بهمن ۱۲۹۸، بهزاد فراهانی (بازیگر)؛ ۱ بهمن ۱۳۲۳، فرامرز پایور (نوازنده سنتور)؛ ۱۳۱۱، علی‌رضا مشایخی (آهنگساز)، غزاله علیزاده؛ ۲۷ بهمن ۱۳۲۵، فریدون فروغی (آهنگساز و نوازنده)؛ ۹ بهمن ۱۳۲۹، علی نصیریان (بازیگر)؛ ۱۵ بهمن ۱۳۱۳، علیرضا خمسه (بازیگر)؛ ۹ بهمن ۱۳۳۱، شهاب حسینی (بازیگر)؛ ۱۴ بهمن ۱۳۵۳، رویا نونهالی (بازیگر)؛ ۲۴ بهمن ۱۳۴۱، فریبا وفی (نویسنده) بهمن ۱۳۴۱، میترا حجار ۱۵ بهمن ۱۳۵۷، علیرضا عصار (خواننده)؛ ۴ بهمن ۱۳۴۸، شاد مهر عقیلی (آهنگساز)؛ ۷ بهمن ۱۳۵۱، سیروس قایقران (فوتبالیست)؛ ۱ بهمن ۱۳۴۰، افشین قطبی (مربی فوتبال)؛ ۱۹ بهمن ۱۳۴۳، آیدین نیکخواه بهرامی (بسکتبالیست)؛ ۱۶ بهمن ۱۳۶۰.

درگذشتگان بهمن:

(الف) عارف قزوینی (شاعر)؛ ۱ بهمن ۱۳۱۲؛ می‌گویند عارف در اواخر عمر به بیماری افسردگی دچار بود، خصوصاً بعد از پایان مبارزات مشروطه و نابود شدن همه آن رویاها و آرزوهایی که مبارزین واقعی مشروطه توی سر داشتند، عارف از مردم فراری شد، در قلعه‌ای متروکه خانه‌ای ساخت و با صدای بسته‌ای که دیگر نمی‌توانست شعر بسازد و تصنیف بخواند، آن قدر مهجور ماند تا خاموش شد، آن هم در یکم بهمن‌ماه سرد ۱۳۱۲.

(ب) فروغ فرخزاد (شاعر)؛ ۲۴ بهمن ۱۳۴۵؛ داستان مرگ بهمنی و سرد این شاعره را خیلی‌ها می‌دانند، هوا سرد بود، اتوبوس مدرسه از جلو می‌آمد، جیب فروغ لغزید و برای این‌که به اتوبوس نزند منحرف شد، در یک روز سرد برفی شاعره

بزرگ معاصر را در گورستان ظهیرالدوله به خاک سپردند. (ج) پرویز یاحقی (نوازنده ویلون)؛ ۱۳ بهمن ۱۳۸۵ مرگی در تنهایی و خلوت، چون نوازنده‌ای چیره‌دست که چندین سال بود به خاطر تصادف ناتوان بود در تنهایی و سکوت درگذشت و تا روزها کسی از مرگش باخبر نشد.

(د) نعمت نصیری (رئیس ساواک)؛ اعدام و مرگ بهمن ۱۳۵۷ نعمت نصیری که در جریان کودتای ۲۸ مرداد برای دستگیری مصدق رل اصلی را بازی کرده بود و بعد با به دستور شاه رییس ساواک شده بود و داستان‌هایی هول‌انگیز از دوران ریاستش براین سازمان مخوف در یادها نگاشت، بلافاصله بعد از پیروزی انقلاب دستگیر و در کمترین زمانی تیرباران شد.

(ز) رضا یان (بازیگر و کارگردان)؛ ۲۷ بهمن ۱۳۸۱ بازیگری توانمند که کودکان نسل من کلی از بازی‌هایش خاطره دارد، به دیار باقی رفت.

(ه) بهمن ۱۳۸۲ شمسی؛ انفجار قطار در ایستگاه خیام در ۱۷ کیلومتری شهر نیشابور، که سبب مرگ دست کم ۲۹۵ نفر شد ...

قصه قدیمی بهمن:

اما واقعا ماه بهمن چه مشخصه‌ای داشت برای مردم قدیم، که موز و توت‌فرنگی زمستانه نمی‌خوردند و اتاقشان با یک کرسی گرم می‌شد؟ گفتنش راحت است، اما ماه بهمن بین دو چله بود، چله اول که همان اول دی و اول زمستان بود و چله دوم که اواخر بهمن شروع می‌شد و می‌گفتند کمر شکوفه‌های زود آمده را می‌شکند و بچه را توی گهواره می‌خشکاند از سوز و سردی، از آن طرف هم مثالشان نرم شدن برف چله اول بود در روزهای اواسط بهمن به خاطر یک بهار بی‌موقع زمستانی و هوار شدن برف نیمه آبی روی مسافران که نامش هم



اندر معنی بهمن‌ماه: «نام ماه یازدهم از سال شمسی عرب، که ماه دوم زمستان و پس از جدی و پیش از حوت و مطابق کانون ثانی سریانی و بهمن فارسی است. ... مرکب از دو جزو «هوه» به معنی خوب و نیک ... دومین ماه زمستان و یازدهمین ماه سال شمسی به نام او بهمن خوانده می‌شود. و نیز دومین روز از هر ماه خورشیدی بدو نسبت دارد و همچنین بهمن گیاهی است که به قول بیرونی و اسدی طوسی، مخصوصاً در جشن بهمن‌جته خورده می‌شد.» از یادداشت‌های مرحوم دهخدا.

اخبار عجیب و حکایات غریب ماه بهمن:

(الف) بهمن ۱۷۳۹؛ خبر برد نادرشاه در نبرد کرنال با محمدشاه گورکانی و تصرف دهلی، گرچه در همان زمستان داستان کشتار مردم دهلی هم هست، آن هم به خاطر خشم نادر از سپاهیان هندی که علی‌رغم صلح، مرگ نادر را اعلام کرده بودند و چند نفر از فرماندهان نادر را کشتند و ماجرای بسیار تلخی است، چون هزاران نفر از مردم دهلی و سپاهیان نادر در این جهانگشایی کشته شدند.

(ب) روز یکشنبه هفتم محرم الحرام ۱۳۲۷ قمری؛ «مرور باز مسموع گردید متولی باشی قم را با تیر زده‌اند ... امروز شنیدم سعدالدوله متقبل شده است قرض از دول خارجه بکند و نیز شنیدم ارشدالدوله سردار ارشد را بین راه کشته‌اند. العهده علی‌الراوی، خداوند رحم کند بر این مشت فقیرهای ایران در این هوای سرد و این زمان چه بگذرد به آن‌ها»

تاریخ بیداری ایرانیان - ناظم اسلام کرمانی - برج دلو **(ب) ۱۶ بهمن ۱۳۲۷ شمسی؛** برای اولین بار به جان محمدرضاشاه پهلوی سوء قصد شد، آن هم با پنج گلوله از نزدیک، که بعدها هزار تا قصه و داستان درباره‌اش گفتند، از جمله این‌که نقشه‌ای بوده برای برچیدن بساط احزاب به دست شاه، الله اعلم!

(ج) ۱۲ و ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ شمسی؛ خبرهای خوش پیروزی مردم ایران در انقلابی بزرگ و تغییر حکومت ایران. هر چند ناگفته نماند که این روزهای خوش، روزهایی از بهمن خونین‌اند و خون‌ها ریخته شده برای آن پیروزی‌ها و دل‌ها شکسته شده برای آن انفجار نورها، اما خب آخر داستان خوش است و آنچه مانده داستانی جاودانه است در خاطره‌های مردم و البته این قصه را زیاد گفته‌اند و گفته‌ایم، از بهمنی که دیگر همه‌مان از کودکی خنیاگانش هستیم.

مرجان آسمانی

همیشه چیزهایی در ظاهر بی‌اهمیت، روزی روزگاری به کار می‌آیند و بسیاری را بهت‌زده می‌کنند. مثل اختراع و کشف ابزار و خلق یک وسیله که در همان سال‌ها گم و تکامل نیافته هستند ولی با گذر سال‌ها تبدیل به پدیده شده‌اند تا جایی که زندگی بدون آن‌ها غیر ممکن است. در بهمن‌ماه سالگرد ظهور چند پدیده است که دیگر بخشی از دنیای ما شده‌اند.

اگر نبودند...

ساخت نخستین ساعت جیبی جهان (۵ بهمن)



تا قبل از ساخت نخستین ساعت‌های امروزی می‌دانید که به چه طریق زمان را حدس می‌زدند! بله حدس می‌زدند. زیرا در آن زمان امکان این که دقیقه را به این شکل دقیق بگویند نبود، چه برسد به ثانیه و صدم ثانیه را! انسان برای این که خود را موجودی وقت‌شناس نشان بدهد باید وسیله‌ای را با خود حمل می‌کرد تا از زمان مطلع می‌شد و وسایل و ادواتی که تا پیش از آن، زمان را نشان

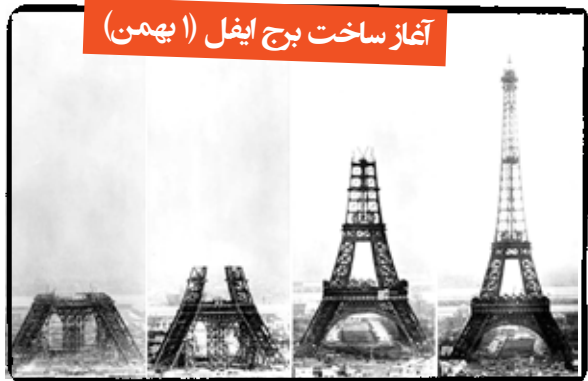
می‌دادند خیلی غیر قابل حمل بود. پس بر آن شد نخستین ساعت قابل حمل یعنی ساعت جیبی را بسازد. ساعت جیبی یک نسل قبل‌تر از ساعت مچی است. این ساعت محبوب‌ترین ساعت از قرن ۱۶ میلادی تا پس از جنگ جهانی اول بود و به وسیلهٔ زنجیر جهت جلوگیری از افتادن استفاده می‌شد. حتما سریال پوارو را دیده‌اید. این کارآگاه نابغه و وقت‌شناس همیشه در جیبش یکی از همین ساعت‌ها داشت. ساعت جیبی گاندى که به خواهرزادهٔ خود هدیه داده بود نیز در یک حراج به همراه عینک و صندل او با قیمت ۷۰ هزار یورو به فروش رفت.

اختراع نخستین تلویزیون (۷ بهمن)

خاطرات پدرومادرهایمان را که می‌شنویم معمولاً بخش جالبی دارد. رسم بوده که به شب‌نشینی بروند در آن زمان و معمولاً در خانهٔ بزرگ یا متمول خاندان یک جعبهٔ جادویی بوده که فیلم‌ها و سریال‌های جذابی پخش می‌کرده و بچه‌ها پافشاری می‌کردند که بیشتر بمانند تا «آخر» آن را ببینند. مطمئناً آن‌ها هیچ فکر نمی‌کردند سال‌ها بعد این جعبهٔ جادویی آنقدر فراگیر بشود و در هر خانه یکی یا چندتایش پیدا شود، تا جایی که دیگر نمی‌توان هیچ خانه‌ای را بدون آن تصور کرد. تلویزیون در عصر حاضر جدا از بعد سرگرمی آن، نقش تربیتی و آموزشی نیز دارد. واژهٔ تلویزیون که از زبان فرانسوی به فارسی راه یافته، خود واژه‌های دورگه‌است که بخش نخست آن از واژهٔ یونانی تله- (دور) و بخش دوم آن از واژهٔ لاتین ویزیو (دید) گرفته شده‌است. تاریخچه ساخت نخستین تلویزیون بسیار طولانی و پیچیده است. تاریخ پیدایش تلویزیون به سال ۱۸۸۴ میلادی برمی‌گردد. زمانی که یک دانش‌آموز آلمانی به نام پائول نیپکو نخستین سیستم الکترومکانیکی تلویزیونی را با توانایی انتقال یک تصویر ثابت اختراع کرد. این سیستم از طریق روشن کردن یک عکس به‌وسیلهٔ لنز و یک صفحهٔ چرخشی کار می‌کرد (صفحهٔ نیپکو). روزنه‌های چهارگوش (سوراخ‌های کوچک) بر روی صفحهٔ برده‌شده بودند و خط‌های عکس را تا جایی که عکس کاملاً پویش شود دنبال می‌کردند. بعدها این جعبهٔ جادویی توسط کسان دیگر تکامل یافت و به شکل امروز درآمد.



آغاز ساخت برج ایفل (۱ بهمن)



کمتر کسی است که به فرانسه رفته باشد و عکسی به یادگار با برج ایفل نینداخته باشد. این نمای عظیم در حال حاضر نمادی برای فرانسه به شمار می‌رود. اگر امیل زولا و الکساندر دوما چند سال دندان روی جگر می‌گذاشتند و شکوه این برج را می‌دیدند، هرگز به ساخت آن اعتراض نمی‌کردند. ساخت برج ایفل در سال ۱۸۸۷ آغاز و در ۳۱ مارس ۱۸۸۹ به پایان رسید. در آغاز برج ایفل برای نمایشگاه جهانی و به مناسبت صدمین سالگرد انقلاب فرانسه ساخته شد ولی پس از ساخت این بنا مورد قبول همگان واقع نشد. قبل از این که برج ایفل ساخته شود ستون یاد بود جرج واشنگتن به عنوان بلندترین سازهٔ جهان شناخته می‌شد ولی در حال حاضر برج میلاد خودمان هم از آن بلندتر است. برج ایفل این افتخار را به مدت ۴۱ سال با خود یدک می‌کشید. ۸۵۰ نفر در ساخت آن کار کرده‌اند. این برج از ۱۸ هزار و ۳۸ قطعه ساخته شده است و برای اتصال آن‌ها از ۲ میلیون پیچ و مهره و میخ پرچ استفاده شده است. وزن برج ایفل بیش از ۱۰ هزار تن است، که ۷ هزار و ۳۰۰ تن آن فولاد است. نام برج ایفل از نام سازنده‌اش گوستاو ایفل گرفته شده است.

نخستین تام‌وجری (۲۱ بهمن)

این دیگر پدیده‌ای است برای خودش. اصلاً یک کالت برای تمام دوران محسوب می‌شود. کالت به زبان ساده یعنی زمان اثری رویش نمی‌گذارد و از ارزشش کم نمی‌کند و مثل طلا هر روز به قیمتش اضافه می‌شود. ما می‌گوییم از موش‌وگربهٔ عبید زاکانی تقلید کرده‌اند ولی با این حال چه فرقی می‌کند. دیگر داستان بی‌پایان جدال عاشقانهٔ



تام‌وجری سر هیچ‌و‌پوچ در تمام دنیا شناخته شده است. اولین قسمت‌های این کارتون دوست‌داشتنی بین سال‌های ۱۹۴۰ تا ۱۹۵۷ پخش شد. خالق آن‌ها ویلیام هانا و ژوزف باربارا بودند، که آن را نویسندگی و کارگردانی می‌کردند. عمده‌ای این عقیده را دارند خشونت در این کارتون مخرب است. این منتقدان گفته‌اند: «اگر کارتون‌های والت‌دیزنی را رویا دیدن بنامیم، آثار تام‌وجری کلوس هستند.» ولی باز هنوز این کارتون حس ماجراجویی را در ما زنده نگاه داشته است...

درباره «جی. دی. سالیانجر»؛ خالق «ناطوردشت»

نویسندehای گوشه‌گیر و نقاد جامعه آمریکا

گاهی وقت‌ها نوشتن تنها یک کتاب کافی است تا اسم نویسنده‌ای در جهان مطرح شود و برای همیشه در ذهن‌ها باقی بماند. نمونه‌ی مشخص و بارز این موضوع، رمان «سازده کوچولو» اثر آنتوان دو سنت اگزوپری است. موضوع دیگر این است که وقتی کتابی در سطح جهانی مطرح می‌شود، نویسنده انگیزه و شوق بیشتری پیدا می‌کند برای نوشتن. این بار سراغ نویسنده‌ای رفتیم که با اولین اثرش به شهرت جهانی رسید، اما پس از آن برای مدتی طولانی سکوت کرد. کسی که ابتدای ماه ژانویه به دنیا آمد و در آخرین روزهای ماه ژانویه از دنیا رفت؛ جروم دیوید سالیانجر.



از آن جایی که ایشان اهل مصاحبه نبودند و رابطه‌ی چندانی با خبرنگارها نداشتند، اطلاعات درباره‌ی او را باید از زیر سنگ بیرون آورد! بسیاری عقیده دارند، که با خواندن آثار او می‌توان به بعضی از مسائل خصوصی و شخصی او رسید، چراکه او از اتفاق‌ها و اشخاص واقعی برای نوشتن الهام می‌گرفت. «جروم دیوید سالیانجر» در سال ۱۹۱۹ به دنیا آمد. پدرش پنیر و همبرگر وارد می‌کرد و به این ترتیب خرج خانواده را به دست می‌آورد و خواهرش مامور خرید بخش لباس‌فروشی فروشگاه بلومین‌گید بود؛ این دو سالیان سال در کار خود باقی ماندند. سالیانجر در سال ۱۹۳۶ وارد دانشگاه کلمبیا می‌شود، اما مدت زیادی آنجا دوام نمی‌آورد و تنها یک سال بعد درس و دانشگاه را رها می‌کند. چند وقتی به عنوان مسئول سرگرمی‌های یک کشتی تفریحی ویژه‌ی جزایر کارائیب به سفر می‌رود، ولی در اواخر همان سال پدرش دست او را می‌گیرد و با هم به اتریش و لهستان می‌روند. پدرش در این سفر قصد داشت تجارت همبرگر و کسب و کار را به پسرش یاد بدهد و زبان آلمانی و فرانسوی او را تقویت کند. هرچند سالیانجر جوان علاقه‌ای به این چیزها نشان نداد. در این زمان اوضاع سیاسی اروپا درگیر مسائل مختلفی می‌شود و آن‌ها تصمیم می‌گیرند به خانه‌شان برگردند. او این بار در دانشکده «اورسینوس» ثبت‌نام می‌کند، ولی فقط یک سال و نیم دوام می‌آورد و دوباره ترک تحصیل می‌کند. او که به ادبیات علاقه داشت و این موضوع را به مسئول پذیرش دانشکده گفته بود، در سال ۱۹۳۹ تصمیم می‌گیرد در کلاس «فن نگارش داستان کوتاه» شرکت کند؛ استاد او در این دوره، «ویت برنت» نویسنده و ویراستار معروف آمریکایی بود. «برنت» تاثیر بسیار زیادی بر او گذاشت، تا جایی که سالیانجر اولین داستان خود را با عنوان «جوانان» می‌نویسد و در نشریه «استوری» منتشر می‌شود. این اولین قدم او برای پا گذاشتن به دنیای ادبیات بود. پس از آن، چند داستان دیگر از او در نشریه‌های دیگری مانند «سکواوایر» و «کالیبرز» و «ستردی ایونینگ‌پست» به چاپ می‌رسد.

در کنار لحن شخصیت داستان و استفاده کردن نویسنده از عبارت عامیانه، باعث می‌شود که این کتاب در مناطقی از آمریکا به عنوان کتابی نامناسب و غیراخلاقی به حساب بیاید و در فهرست کتاب‌های ممنوعه دهه ۱۹۹۰ میلادی قرار بگیرد. بعد از شهرت فراوان این اثر، کتابی به نام «۹ داستان» منتشر شد. البته داستان‌های این مجموعه در سال‌های مختلفی نوشته شده بودند. با وجود استقبال بی‌نظیر مردم و به ویژه نوجوانان و جوانان، بسیاری از منتقدان و نویسندگان، کتاب دوم سالیانجر را بیشتر پسندیدند.

بعد از انتشار این دو اثر، سالیانجر منزوی می‌شود و تا جایی که امکان دارد، از خبرنگارها و اطرافیانش فاصله می‌گیرد. به دلایلی نامعلوم، او نمی‌خواهد کسی به زندگی خصوصی‌اش سرک بکشد. وقتی «ایان همیلتون» با استفاده از مصاحبه‌ها و نامه‌های خصوصی سالیانجر، زندگینامه‌ای از او منتشر می‌کند، با اعتراض سالیانجر روبرو می‌شود و دادگاه هم رای را به نفع نویسنده گوشه‌گیر می‌دهد و کتاب توقیف می‌شود. سالیانجر در سال ۱۹۵۵ با «کلر داگلاس» ازدواج می‌کند و از او صاحب فرزند می‌شود. ولی این ازدواج هم بعد از دوازده سال به جدایی می‌انجامد. همسر دوم او درباره‌ی آن روزها می‌گوید: «من خانه بودم و «جری» مدام در اتاق کوچکش در استودیو و مشغول نوشتن». سالیانجر در سال ۱۹۶۱ میلادی، رمان «فرانی و زویی» و بعد از آن «تیرهای سقف را بالا بگذارید نجاران و سیمور: پیشگفتار» را منتشر کرد. او در ۲۷ ژانویه ۲۰۱۰ میلادی به مرگ طبیعی درگذشت.

کند و بخواند، پاره‌اش کرد. پدرم اگر ارتباطش را با کسی تمام کند، واقعا تمام می‌کند و بازگشتی در میان نیست.» حالا که وارد زندگی خصوصی‌اش شدیم، بد نیست این را هم بدانید که سالیانجر در سال ۱۹۴۱ عاشق دختری به نام «آنا اونیل»، که یک نماینده‌ی نویس بود، شد. بنا به گزارش نشریه «گاردین»، سالیانجر هر روز برای او نامه می‌نوشت، اما «اونیل» با «چارلی چاپلین» که سی و شش سال بزرگ‌تر از خودش بود، ازدواج می‌کند! حالا برای این که از موضوع اصلی خارج نشویم این را هم بگوییم، که بین سال‌های ۱۹۴۶ تا ۱۹۵۱ میلادی، هفت داستان از سالیانجر در مجله نیویورکر منتشر می‌شود. این داستان‌ها مورد استقبال مخاطبان قرار می‌گیرد و او به عنوان یکی از همکاران درجه‌ی یک این نشریه شناخته می‌شود.

تا اینجا یک مقدمه‌ی طولانی داشتیم برای گفتن حرف اصلی. شاید پیش خودتان بگویید بهتر بود از همان اول می‌رفتیم سر اصل مطلب، اما تمام این اتفاق‌ها که ما خیلی گذرا به آن‌ها اشاره کردیم، باعث خلق یک شاهکار می‌شوند. در سال ۱۹۵۱ میلادی، رمان «ناطوردشت» وارد بازار کتاب آمریکا و بریتانیا شد. این رمان به سرعت به فروش رفت و در زمانی بسیار کوتاه، شهرت و محبوبیت بسیاری را برای سالیانجر به همراه آورد. همچنین، راوی و شخصیت اصلی آن یعنی «هولدن کالفیلد» نوجوانی که به‌تازگی از یک آموزشگاه پیش‌دانشگاهی اخراج شده بود، پس از خلق شخصیتی به نام «هاکلبری فین»، به معروف‌ترین نوجوان مدرسه‌گرای ادبیات آمریکا تبدیل شد. در این رمان، سالیانجر جامعه آمریکا را به نقد می‌کشد و سیستم آموزشی را هم از این نقدش بی‌بهره نمی‌گذارد. این موضوع

ارتباط شیوه زندگی با سلامتی

دکتر بیژن نوذری، عضو هیئت مدیره موسسه مهیار پزشکی و مشاور درمان‌های حمایتی



در مقابل، واسطه‌های شیمیایی که در زمان آرامش درونی و وجود احساسات خوشایند در بدن ترشح می‌شوند و به جریان می‌افتند، ما را به وضعیت ترمیم، بازسازی و جوان‌سازی پیش می‌برند. این گونه است که انتخاب شیوه زندگی که ما را به سمت احساسات خوشایند یا ناخوشایند سوق می‌دهد، می‌تواند تاثیر عمیقی بر سلامتی ما بر جای بگذارد.

برای بهبود شیوه زندگی باید به حوزه‌ها و جنبه‌های گوناگون آن توجه کرد. پژوهش‌ها در حوزه سلامت نشان داده است که بهبود شیوه زندگی با توجه به داشتن تغذیه و خواب سالم و فعالیت بدنی کافی و منظم، اهمیت دادن به استراحت مناسب، حل مشکلات احساسی و عبور از غم و سوگواری‌های ناتمام، خوش‌رویی و خوش‌اخلاقی، بخشایش و رفع کدورت‌ها و کینه‌ها، مدیریت کردن احساسات ناخوشایند، جایگزینی باورهای ذهنی ناسالم و ناکارآمد با باورهای سالم و کارآمد، زندگی کردن بر اساس ارزش‌های اخلاقی و معنوی، داشتن هدف و تعهد به آن در زندگی، برخورد مناسب با نزدیکان، خانواده و همکاران، حضور رضایتمندانه در کار، مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و داشتن برنامه‌ای برای تفریح و شاد زیستن می‌تواند در حفظ سلامتی بسیار موثر باشد.

بباید با انجام تمرینات مناسب در راستای متعادل کردن بیشتر جسم، احساس، ذهن، مناسبات با حوزه معنوی و روابط اجتماعی، برای حفظ تعادل حیاتی در زمان روپارویی ناگزیر با شرایط تنش‌زا مانند بیماری، فقدان، رنج، بحران و... آماده شویم، تا بتوانیم با انتخاب شیوه‌های سالم، فعالانه و مسئولانه در راستای سلامتی خود گام برداریم.

حیاتی در این ابعاد است. ما عمدتاً این تعادل را در درون به صورت حالتی از آرامش، احساسات خوشایند و رضایتمندی و نبود تنش، احساس ناخوشایند و استرس آشکار و پنهان در ارتباط با هر یک از ابعاد یادشده، تجربه می‌کنیم. زمانی که می‌گوییم سلامتی یک فرایند طبیعی است، منظور این است که مفهوم سلامتی در طبیعت ما نهاده شده است، و اگر ما با انتخاب‌های خود، سلامتی را به خطر نیندازیم و خود را از تعادل خارج نکنیم، شعور ذاتی بدن آن را در وضعیت تعادل نگه خواهد داشت.

زمانی که ما در حال تجربه کردن یک احساس خوشایند یا ناخوشایند هستیم، واسطه‌های شیمیایی در سیستم عصبی ما ترشح می‌شوند که نه فقط این سیستم را تحت‌تاثیر قرار می‌دهند، بلکه از طریق جریان خون در سراسر بدن پخش می‌شوند، ترشح هورمون‌ها را کم و زیاد می‌کنند و بر فعالیت سلول‌های سیستم ایمنی تاثیر می‌گذارند. اما این تاثیرات به همین جا ختم نمی‌شود. با حضور این واسطه شیمیایی در مایع میان‌بافتی، تمام سلول‌های بدن به دلیل غوطه‌ور بودن در این مایع، در احساس خوشایند یا ناخوشایند ما سهیم می‌شوند. به عبارت دیگر، اگر ما غمگین باشیم، همه سلول‌های بدنمان غمگین می‌شوند، اگر شاد باشیم، همه سلول‌های ما شاد می‌شوند و اگر از خشم ذهنی به خود بپیچیم، همه سلول‌ها حتی سلول‌های دوردست در بدنمان از خشم به خود می‌پیچند و رنج می‌کشند. زمانی که سلول‌های ما مدت طولانی در معرض واسطه‌های شیمیایی تولیدشده در زمان استرس و احساسات ناخوشایند قرار می‌گیرند، به دلیل آسیب‌رسان بودن این مواد، بدنمان مستعد بیماری می‌گردد.

موهبت سلامتی، اگرچه خدادادی است، اما حفظ آن یک امر تصادفی نیست. تداوم سلامتی نتیجه انتخاب شیوه زندگی سالم توسط ما در سطوح مختلف مرتبط با حیات انسانی است. همه ما به‌طور روزمره در حال انتخاب کردن شیوه زندگی کردن خود هستیم و خطا خواهد بود اگر تصور کنیم بدون انتخاب‌های سالم، می‌توانیم زندگی سالم داشته باشیم. تمامی تلاش‌های ما برای زنده ماندن و بقا، به هر شکلی و در هر سطحی، از رفع نیازهای اولیه گرفته تا پروردمان با کار، تفریح، روابط خانوادگی و اجتماعی و زندگی زناشویی، معنویت، خودشکوفایی و... همگی در هر لحظه در حال تاثیر گذاشتن بر سلامتی ما هستند.

در دنیای امروز که خصوصاً صنعتی شدن جوامع، پیشرفت تکنولوژی و سرعت گرفتن روزافزون رویدادها همه جنبه‌های زندگی ما را تحت‌تاثیر قرار داده‌اند، زندگی ما به گونه‌ای تنظیم شده است که گویی انتخاب‌کننده و حاکم بر شیوه زندگی خودمان نیستیم؛ اما این گونه نیست، ما با هر انتخابی در شیوه زندگی خود، یا به سمت سلامتی می‌رویم، یا از آن دور می‌شویم.

چنین است که بر اساس پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه سلامت، مراجع جهانی بهداشت و درمان همواره در فرصت‌های مختلف توجه مردم دنیا را به اهمیت تاثیر شیوه زندگی در حفظ و تداوم سلامتی و بهبودی از بیماری‌ها، خصوصاً بیماری‌های سختی مانند سرطان جلب می‌کنند. فعالین سلامتی خاطر نشان می‌کنند که اوج‌گیری بسیاری از بیماری‌های وحیم در سال‌های اخیر و خصوصاً شرایطی که از آن با عنوان «سونامی سرطان» یاد می‌کنند، عمدتاً به دلیل اشکال در انتخاب سبک و شیوه زندگی مردم دنیا رخ داده است.

زمانی که از سلامتی سخن می‌گوییم، آن را در ابعاد مختلف مورد توجه قرار می‌دهیم. از جمله ابعاد جسمی، روانی و ذهنی، معنوی و اجتماعی. یکی از ساده‌ترین تعاریف سلامتی، داشتن وضعیت تعادل



حس زمستانی

بالاخره زمستان سرد و زیبا به نیمه راه رسید. با کمی تغییرات می توان بدون گرمای وسایل گرمازا خانه را گرم کرد! در کنار همه برنامه های این فصل در خانه ها، میتوانیم نه تنها به محیط آرامش بدهیم بلکه زیبایی خانه را هم در این فصل دوچندان کنیم تا فضای گرم تر نسبت به قبل در خانه ایجاد شود و در این روزهای سرد، خانه مکانی همچنان گرم و صمیمی باشد.

۱. گرما را در کف جاری کنیم

کف سالن و اتاق ها یکی از قسمت های مهم خانه در فصل زمستان است. یادتان باشد کفپوش هایی مثل سنگ یا سرامیک خانه را حسابی سرد می کند، به طوری که راه رفتن بدون دمپایی هم سخت می شود. پس بهتر است این قسمت ها را با فرش، قالیچه یا گلیم بپوشانید.

شاید عده ای با این تصور که استفاده از فرش یا قالیچه زیبایی دکوراسیون خانه آن ها را به هم می زند از استفاده آن ها صرف نظر کنند، اما انداختن قالیچه ها یا گلیم هایی با رنگ های شاد و گرم در این فصل الهام بخش گرما بوده و خانه شما را زیباتر و گرم تر خواهد کرد.



شومینه ای برای آرامش



با رسیدن زمستان و شروع به کار سیستم های گرمایشی، معمولاً افراد خانواده تمایل دارند بیشتر زمان حضور در خانه را در کنار وسایل گرمایشی بگذرانند. شومینه یکی از این وسیله هاست که به جز گرم کردن، آرامش و زیبایی خانه را نیز بیشتر خواهد کرد. اگر در خانه شومینه دارید، می توانید تغییری کوچک در جای مبلمان ایجاد کنید، به طوری که مبلمان در مقابل شومینه قرار بگیرند و یک میز میان مبلمان ها باشد. با این کار، فضای گرم تر در محیط نشستن افراد خانواده ایجاد می شود و همچنین محل مناسبی برای جمع شدن در شب های زمستانی مهیا کرده اید، اما اگر به هر دلیلی این کار امکان پذیر نیست بهتر است حداقل یک کاناپه را مقابل شومینه انتقال دهید تا در این روزهای سرد از گرمای شومینه بیشترین استفاده را ببرید. این مکان می تواند یک فضای مناسب برای مطالعه، بافتن بافتنی و ... باشد. البته اگر شومینه ندارید، باز هم می توانید با انتقال مبلمان به کنار سیستم گرمایشی، یک فضای گرم برای اهل خانه تدارک ببینید.

فقط رنگ های گرم

استفاده از رنگ های گرم، حرف اول را در دکوراسیون فصل زمستان می زند.

۱- رنگ های گرم نارنجی تیره، زرد خردلی و قرمز یاقوتی تغییر زیادی در این اتاق ناهارخوری ایجاد کرده، گرمای خاصی به آن داده است. پتوی پشمی ای که به عنوان رومیزی روی میز قرمز انداخته شده، به این گرما افزوده است. این پرده بلند، غذاخوری را از سایر قسمت ها جدا و فضای صمیمی تری ایجاد کرده است.



زمستان زیبا در زمستان

برای تزئین خانه، قبل از هر چیز از خود زمستان کمک بگیرید. می پرسید چطور؟ ساده ترین راهش استفاده از مجسمه هایی با طرح های زمستانی است. به عنوان مثال یک آدم برفی البته از نوع مجسمه های می تواند خانه شما را بسیار زیبا کند. همچنین استفاده از میوه های درخت کاج که معمولاً همه ما تعدادی از آن ها را سر راه خود می بینیم و اغلب بی تفاوت از کنار آن ها رد می شویم، می تواند در ایجاد حس زمستانی خانه بسیار موثر باشد. کاموهای رنگارنگ در یک سبد چوبی هم یکی دیگر از تزئینات مناسب فصل زمستان است.



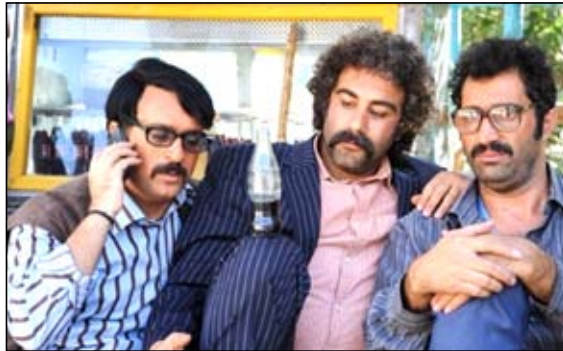
پیشنهادهای گرم برای روزهای سرد

معمولاً به نیمه زمستان که می‌رسیم، هوا سردتر می‌شود و شب‌ها طولانی‌تر. دوست داریم خودمان را سرگرم کنیم. اگر هنوز جوان هستیم، با رفقا دل به جاده و خیابان بزنیم و کلی خوش بگذرانیم و اگر تشکیل خانواده داده‌ایم و چشم امید همسر و فرزند به ما است، با یک برنامه‌ریزی اصولی آن‌ها را از کسالت و رخوت احتمالی این شب‌های سرد دور کنیم. این فهرست پیشنهادی «وکارزم» برای ماه بهمن است.

شقایق مرادی

سینما

دهه فجر که می‌رسد، دوستداران سینما و فیلم‌بین‌ها حسابی دستشان پر است. جشنواره فیلم فجر ضیافتی است تا بتوانیم فیلم‌های مهم سال را در دوازده روز به تماشا بنشینیم. امسال در جشنواره فیلم محمد (ص) ساخته عظیم و پرخرج مجید مجیدی آغازگر است. از دیگر فیلم‌های مهم می‌توانیم به اعترافات ذهن خطرناک من، ساخته هومن سیدی اشاره کنیم. این فیلم سومین تجربه کارگردانی هومن سیدی است. داستان مردی که در یک ۲۴ ساعت، هیچ چیز را به یاد نمی‌آورد. سیامک صفری از چهره‌های تئاتری است، که نقش اول مرد فیلم هومن سیدی را بازی می‌کند. می‌توان گفت این اولین حضور جدی او در



کلامی در این فیلم بازی می‌کنند. کمال تبریزی که رکوددار دریافت جایزه در جشنواره فجر است، امسال با طعم شیرین خیال به بخش رقابت می‌آید. پیش از این تبریزی اعلام کرده بود، که آخرین ساخته‌اش را به جشنواره نمی‌فرستد. او دلیل این تصمیم را «هوچی‌گری‌ها» و «رفتار بد مخاطبان» در جشنواره سال پیش با هنرمندان پیشکسوت اعلام کرده بود. او گفته بود که ترجیح می‌دهد که مخاطبان «طعم شیرین خیال»، بدون پیش‌فرض وارد مواجهه با فیلم شوند و دوست ندارد که برخوردهای نامناسب، تأثیری روی قضاوت بینندگان معمولی فیلم بگذارد. اما چندی

بعد محمد علی حسین نژاد، تهیه‌کننده فیلم اعلام کرد که پس از صحبت‌هایی که با علیرضا رضاداد کردند، مشخص شده که امسال تمهیدات خاصی اندیشیده‌اند تا مشکلات سال گذشته رخ ندهد. به همین دلیل طعم شیرین خیال به جشنواره فرستاده شد و حال هم در لیست نمایش قرار گرفته است. شهاب حسینی و نازنین بیاتی در این فیلم بازی می‌کنند. این فیلم طنز رومانتیک است که در آن شیرین ماجرای آشنایی خود و خانواده‌اش با کسی را که قرار است به خواستگاری او بیاید برای ما روایت می‌کند. در کنار این فیلم‌ها، تگرگ و آفتاب (رضا کریمی)، ارغوان (کیوان علیمحمدی)، مشرف به کوچه بی‌نام (هاتف علیمردانی)، من دیه گو مارادونا هستم (بهرام توکلی)، عصر یخبندان (مصطفی کبیایی)، دوران عاشقی (علیرضا رئیسیان)، خانه دختر (شهرام شاه‌حسینی)، رخ دیوانه (ابوالحسن داوودی) هم دیگر راه یافتگان به سی و سومین جشنواره فجر هستند.

سینما است. علاوه بر او نگار جواهریان، عباس غزالی، امیر جعفری، رویا نونهالی، میترا حجار و چکامه چمن‌ماه هم در این فیلم بازی می‌کنند. اعترافات ذهن خطرناک من؛ اولین تجربه، حضور عباس غزالی در سینما است. ایران‌برگر ساخته جعفر جوزانی هم می‌تواند جالب باشد. مسعود جعفری جوزانی پس از ۱۶ سال، این فیلم را جلوی دوربین برده است. فیلمنامه این فیلم توسط محمدهادی کریمی و مسعود جعفری جوزانی به طور مشترک نوشته شده. داستان ایران‌برگر درباره حرص و طمع و تمایل افراد برای کسب قدرت در شرایط ویژه است. داستان فتح‌الله خان و امرالله خانی که بر سر انتخابات شوراها در یک روستا، با یکدیگر رقابت می‌کنند. این فیلم یک کمدی شلوغ است که داستان در فضای معاصر روایت می‌شود. علی نصیریان، محسن تائبنده، سحر جعفری جوزانی، حمید گودرزی، نیوشا ضیغمی، احمد مهرانفر، شهره لرستانی، گوهر خیراندیش، فریبا متخصص، فتح‌اله جعفری جوزانی، اسماعیل خلج و هادی

پیک نیک



روزهای تعطیل روزهایی است که باید از خانه دل کند، چند ساعتی به سیاحت پرداخت. باغ موزه زندان قصر می‌تواند گزینه خوب و پر عبرتی باشد. اگر وارد خیابان شریعتی بشوید و از آنجا پا به خیابان پلیس بگذارید، با این بنا روبه‌رو می‌شوید. اگر بخواهیم به تاریخچه آن نگاهی بیندازیم، باید گفت مجموعه قصر که پیش از این ۲۴ هکتار بود، مجموعه زیبایی را تشکیل می‌داد که در راس آن کاخ فتح‌الله شاه قاجار خودنمایی می‌کرد، اما زمانی که ناصرالدین شاه

روی کار آمد، از این مجموعه خوشش نیامد و بیشتر ترجیح می‌داد در کاخ گلستان روزگار بگذراند. این رضاشاه بود که تصمیم گرفت در تهران زندانی رسمی داشته باشد. به همین دلیل نیکولا مارکوف معمار مشهور روسی را به ایران آورد تا طراحی زندان قصر را انجام دهد. زندان مارکوف دارای ۱۹۲ اتاق و گنجایش ۷۰۰ زندانی بود، که ۹۶ اتاق آن پنج نفری و بقیه انفرادی بودند. مریضخانه‌های هم مشتمل بر شش اتاق شش تخته و ۱۶ اتاق یک تخته به همراه باغ و حمام ساخته شده بود. در دهم آذرماه سال ۱۳۰۸ زندان قصر شکل گرفت. اولین قربانی نیز خود سازنده بود (!) تیمسار درگاهی، رئیس وقت شهربانی که به جرم دعوت رضاشاه به یکی از ۱۹۲ سلول عمومی و انفرادی در جریان افتتاح زندان به حبس محکوم شد. قصر پس از آن نیز پذیرای نامدارانی شد که عبدالحسین تیمورتاش، نصرت‌الدوله و سردار اسعد بختیاری از آن جمله بودند. بزرگ علوی سرگذشت سال‌های حبس خود و دیگر زندانیان مشهور را در کتاب «۵۳ نفر» در زندان قصر نوشت. زندان قصر از بدو تأسیس تا سال ۱۳۵۷ (پیروزی انقلاب اسلامی) در طول نیم قرن، آینه‌ای است در انعکاس تجدد در دوران پهلوی. از یک سو زندانیان عادی در این زندان از حقوق مدنی و تعریف‌شده‌ای برخوردار شدند و از سوی دیگر در طول نیم قرن زندان قصر به مشهورترین زندان سیاسی کشور تبدیل شد. زندان قصر در سال‌های اخیر توسط شهرداری تهران به باغ موزه‌ای پندآموز تبدیل شده است، که بازدیدکنندگان می‌توانند همه روزه از قسمت‌های مختلف آن دیدن کنند.

موسیقی



آلبوم جدید رضا یزدانی هم منتشر شد... خوب شاید این خبر را شنیده باشید، و لی این یک پیشنهاد است. پیشنهادی که شاید نتوانید ردش کنید! رضا یزدانی طرفداران خاص خودش را دارد، که این خواننده با شناختی که از سلیقه آن‌ها دارد، در این آلبوم کوشیده رضایتشان را جلب کند. اندیشه فولادوند که با شعرهای اجتماعی خود تجربه کار با یزدانی را دارد، در این آلبوم با او همکاری کرده است. این اثر شامل ۲ سی دی است: سی دی اول شامل هشت ترانه از سروده‌های اندیشه فولادوند و سی دی دوم شامل ۶ ترانه از ترانه‌سراهای دیگر. سلول شخصی به دو صورت نفیس و معمولی تهیه شده، که نسخه نفیس آن می‌تواند گزینه خوبی برای هدیه دادن باشد.